



موسسه ایران دانش نوین

رویای خودت شو...



@IranDaneshNovin



@Iran_Danesh_Novin

برای دانلود بقیه ی جزوات با کلیک روی لینک های زیر به سایت
یا کانال های ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

www.IDNovin.com

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

http://sapp.ir/iran_danesh_novin

تاریخ ادبیات سال اول

یوهان کریستف فریریش شیلر؛ (۱۸۰۵ - ۱۷۵۹ م.) از شعرای بزرگ آلمان است. برفی وی را با کوته شاعر بزرگ آلمانی برابر می‌دانند.

فرانسوا کوپه؛ (۱۹۰۸ - ۱۸۴۲ م.) شاعر و درام‌نویس فرانسوی است.

برفورد اندیشه‌ها؛ نوشته جواد حدیدی می‌باشد.

تریللو؛ شاعر ایتالیایی نویسنده‌ی «قطرات سه‌گانه» که آن را یوسف اعتصام‌الملک ترجمه نموده است.

رابیندرا نات تگور؛ (۱۹۴۱ - ۱۸۶۱ م.) شاعر بزرگ هندی است. در کلکته به دنیا آمد و دو بار به انگلستان سفر کرد و به نوبت آزادی میهن خویش پیوست. او مفتخر به دریافت جایزه‌ی نوبل ادبی است.

نظامی گنجه‌ای؛ شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم قمری است. شمسه یا پنج‌کنج او عبارتند از: «مقزن الاسرار»، «فسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «هفت پیکر» و «اسکندرنامه».

فوارزمشاه، مومنه؛ سلطانی که در برابر عملی چنگیز به جزیره‌ی آبسکون فرار و در آنجا درگذشت.

حمیری، مهوری؛ (۱۳۶۵ - ۱۲۹۳ ه. ش.) شاعر توانای معاصر بوده است.

قابوس‌نامه؛ اثر عنصرالمعالی کیکاووس که در سال (۴۷۵ ه. ق.) در ۲۴ باب برای نصیحت فرزندش کیلان‌شاه نوشته است. ویژگی کتاب سادگی و جاذبه داستانی و وسعت اطلاعات آن است.

فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی؛ اثر دکتر غلامعلی مراد عادل نویسنده معاصر است.

زرین‌کوب، عبدالمسین؛ محقق و نویسنده‌ی معاصر، متولد ۱۳۰۱ در بروجرد و آثاری چون «نقد ادبی، با کاروان مله، بصر در کوزه، سرتی، با مراد اسلام و از پیزهای دیگر» دارد.

سهراب سپهری؛ (۱۳۵۹ - ۱۳۰۷ ه. ش.) اهل کاشان، شاعر، نقاش معاصر و نویسنده‌ی کتاب «اتاق آبی» می‌باشد.

عطا ملک جوینی؛ عطا ملک جوینی (۶۸۱ - ۶۲۳ ه. ق.) نویسنده‌ی تاریخ جهان‌گشای جوینی می‌باشد؛ که این کتاب شرح وقایع تاریخی قرن هفتم هجری و عملی مغول به سرزمین ماست.

فردوسی، ابوالقاسم؛ نویسنده‌ی کتاب شاهنامه، بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرای ایرانی می‌باشد که بین سال‌های (۴۱۶ - ۳۲۹ ه. ق.) می‌زیسته است و در سال (۳۷۰ ه. ق.) نظم شاهنامه را شروع نمود. این کتاب که نگارش آن سی سال طول کشید را می‌توان به سه

بخش اساطیری، حماسی و تاریخی تقسیم نمود.

سمک عیار: داستان سمک عیار نوشته‌ی فرامرز بن فراداد کاتب اربانی یکی از قریمی‌ترین بازمانده‌های داستان‌پردازی به شیوه‌ی تقالی و سفوری در ادبیات فارسی است.

این کتاب در قرن ششم یا هفتم هجری نگارش یافته است. وجود نام‌های ایرانی بسیار در این کتاب حکایت از ایرانی بودن داستان سمک عیار می‌باشد.

سمک که با وجود کوچکی اندام مظهر دلیری و جوانمردی در خدمت فرورشیده‌ی شاه، پسر پادشاه طلب است و داستان کتاب حول تلاش سمک برای برآوردن خواست‌های شاه و فرزندش می‌باشد.

هفت پیکر: کتابی است به نوشته‌ی نظامی گنجوی.

مثنوی معنوی: کتابی است ادبی و عرفانی به نوشته‌ی مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ - ۶۰۴ ه. ق.) که در آن بیست‌وشش هزار بیت در شش دفتر فراهم شده است.

دانشور، سیمین: نویسنده‌ی معاصر و همسر زنده‌یاد جلال آل‌احمد.

مثل پیشمه، مثل رود: اثر قیصر امین‌پور می‌باشد و حال و هوای فضای تاریک قبل از انقلاب را ترسیم می‌کند.

آوینی، مرتضی: فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی سوره بود. متولد (۱۳۲۶ ه. ش.) و در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی فکه شهید شد. آثارش مجموعه‌های تلویزیونی «خان‌گزیده‌ها، حقیقت، روایت فتح، و سراب» می‌باشد.

ریشه در ابر: اثری است از ممد رضا عبدالملکیان.

دهفرا: علی اکبر دهفرا در سال ۱۳۵۸ ه. ش. در تهران متولد شد. با یاری دوستش میرزا جهانگیرخان روزنامه‌ی «صو اسرافیل» را منتشر کرد. وی مقالات خود را با نام «چرند پرند» و امضای «دخو» در روزنامه‌ی صو اسرافیل منتشر می‌کرد. وی مولف اولین لغت‌نامه‌ی فارسی است. او در سال ۱۳۳۴ ه. ش. در تهران درگذشت.

عارف قزوینی، ابوالقاسم: (۱۳۵۳ - ۱۳۰۰ ه. ش.) شاعر و تصنیف‌ساز مشروطه است. وی از شانزده سالگی به شعر روی آورد و مورد توجه مظفرالدین شاه بود.

مراغه‌ای، زین‌العابدین: نویسنده‌ی «سیامت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ» و در دوره‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۲۸ ه. ق. می‌زیسته است. این کتاب بیانگر اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است و قهرمان داستان آن ابراهیم بیگ فرزند یکی از تبار آذربایجان است.

بهار، ممد تقی: شاعر آزادی (۱۳۳۰ - ۱۳۶۶ ه. ش.) در مشهد به دنیا آمد و نزد ممد کاظم صبوری ملک‌الشعرای آستان قدس، ادب آموخت. وی روزنامه‌های «فراسان» و «نوبهار» را منتشر کرد. سپس به استادی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران رسید.

قبادیانی، ناصر فسرو: (۱۳۹۴ - ۱۳۹۴ ه. ق.) ملیم، شاعر و جهانگرد ایرانی است. در پهل ساگی از خواب غفلت خود برخاست و سفری هفت ساله را آغاز کرد. اثر وی «سفرنامه‌ی ناصر فسرو» می‌باشد.

پرستو درخاف: سفرنامه‌ی حج «علیرضا قزوه» متولد ۱۳۴۲ است.

کلر، هلن: زن ناپینا و کربولالی بود که در ۲۴ سالگی به افزد درجه‌ی لیسانس نایل آمد.

اقبال لاهوری، ممد: (۱۳۱۶ - ۱۲۵۰ ه. ش.) شاعر و متفکر پاکستانی است. وی تصنیلات خود را در فلسفه و حقوق در انگلستان و آلمان تکمیل کرد. وی در استقلال پاکستان نقش مهمی داشت.

صفا، ممد ابراهیم: شاعر معاصر افغانستانی متولد (۱۲۸۵ ه. ش.) در کابل است. دیوان اشعار او «نوی کوهسار» است.

عبید ربیب: شاعر معاصر تاجیک می‌باشد.

آب زیند راه را

آب زیند راه را هین که نگار می‌رسد مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد
راه دهید یار راه آن ده چهار را کز رخ نوریشش او نور نثار می‌رسد
چاک شده‌ست آسمان، غلغله‌ای ست در جهان عنبر و مشک می‌دمد، سنبوق یار می‌رسد
رونق باغ می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد غم به کناره می‌رود، مه به کنار می‌رسد
تیر روانه می‌رود، سسوی نشانه می‌رود ما چه نشسته‌ایم پس؟ شه ز شکار می‌رسد
باغ سسلا می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد
فلوتیان آسمان تا چه شراب می‌خورند! روح شراب و مست شد، عقل شمار می‌رسد
چون برسی به کوی ما، شامشی است فوی ما زان که ز گفت‌وگوی ما، کرد و غبار می‌رسد

گفتم غم تو دارم ...

گفتم غم تو دارم کفتا غمت سر آید / کفتم که ماه من شو کفتا اگر بر آید
 کفتم ز مهور و رزان رسم وفا بیاموز / کفتا ز فوب رویان این کار کم تر آید
 کفتم که بر خیالت راه نظر بیندم / کفتا که شب و روست او از راه دیگر آید
 کفتم که بوی زلفت کمراه عالمم کرد / کفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
 کفتم فوشا هوایی کنز باد صبح فینزد / کفتا فنک نسیمی کنز کوی دلبر آید
 کفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت / کفتا تو بندگی کن کلو بنده پرور آید
 کفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد / کفتا مگوی با کس تا وقت آن در آید

گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آید

گفتا فموش «ما حفظ» کاین غصه هم سر آید

هر جا که تویی تفرج آن جاست

بوی گل و بانگ مرغ بر فاست / هنگام نشاط و روز صبر است
 فرآش فزان ورق بیفشاند / نقاش صبا چمن بیار است
 ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرج آن جاست
 گویند نظر به روی فوبان / نهی است، نه این نظر که ما راست
 در روی تو سر صنع بی چون / چون آب در آیکینه پیار است
 هر آدمی ای که مهور مهرت / در وی نگرخت سنگ فزار است
 روزی تر و فشک ما بسوزد / آتش که به زیر دنگ سودا است
 نالیدن بی مساب سعری / گویند شلاف رأی داناست
 از غرقه‌ی ما فبر نرارد / آسوده که بر کنار دریا است

تو را من چشم در راهم ...

تو را من چشم در راهم شباهنگام

که می‌گیرند در شاخ «تلاوی» سایه‌ها رنگ سیاهی
وزان دل فستگانت راست اندوهی فراهم:

تو را من چشم در راهم.

شباهنگام در آن دم، که برجا، دره‌ها چون مرده ماران ففتگان اند؛

در آن نوبت که بندر دست نیلوفر به پای سرو کوهی دام

کرم یادآوری یا نه، من از یارت نمی‌کاهم؛

تو را من چشم در راهم

واژه‌نامه

۲

آفره: چنبره کردن

آفرین: ستایش

الف

ابتر: ناقص، دم نبریده

ابدال: مردان کامل

اجانب: ج اجنبی، بیگانه‌گان

أفت: مأنوس، افت شدن؛ مأنوس شدن (عامیانه)

افترا: ستاره (در متن درس دوم به معنای طالع و بخت و اقبال است).

اختیار کردن: برگزیدن

اذکار: به یاد کسی آوردن

ارتزاق: روزی خوردن

ازدهام: انبوهی (بسیاری جمعیت)

ازرق شامی: یکی از سرداران لشکر عمر بن سعد در واقعه‌ی کربلا، نماد فحاشت

ازهار: ج زهر، شکوفه‌ها

استر: قاطر

استماع: شنیدن

استیفا: تمام گرفتن

اسلمی: شکل تغییر یافته‌ی کلمه‌ی اسلامی، طرح‌هایی مرکب از پیچ‌وفخم‌های متعزّذ که شبیه عناصر طبیعت هستند.

أسوه: پیشوا، نمونه‌ی پیروی، سرمشق

اشاعه: پراکنده ساختن، گسترش دادن

اشباه: جمع شبیه، مانده‌ها

أشرف: چ شریف، مردان بزرگ قدر

اعتدال: میانه‌روی، برابر شدن

اعتکاف: گوشه‌نشینی برای عبادت

أعجوبه: مایه شگفتی بسیار

اعزاز: کرامی داشتن

افسر: تاج

اقبال: بخت و طالع، بهروزی و نیک‌بختی، به اقبال تو؛ به فرزندگی بخت تو

أكرام: بزرگ‌داشت

امارت: سلطنت، پادشاهی، حکومت

انتزاعی: ذهنی، آنچه در عالم خارج وجود ندارد و ساقته‌ی ذهن آدمی است.

ایرون: چین، چنان

ب

باره: اسب

بازِ پس: به پشت

بفشاینرگی: چشم‌پوشی از کناه

بدر: نام نخستین غزوه‌ی پیامبر (ص) با کفار بین مکه و مدینه

برسگالی: بداندیشی، دشمنی، بدخواهی

بر اثر: به دنبال

برفوردار: بهره‌ور

برنشتتن: سوار شدن

برپای بود: ایستاده بود

بَط: مرغابی

بعینه: عیناً، مانند

بُنْشَن: فواروبار، از قبیل نفور و لوییا و عرس

بیت القَزَن: فانه‌ی غم، ماتمکره

بیرنگ: نمونه و طریقی که نقاش به صورت کم‌رنگ یا نقطه‌چین بر کاغذ می‌آورد و سپس آن را کامل رنگ آمیزی می‌کند، طرح اولیه

بیغوله: کنج، گوشه‌ای دور از مردم

بیگار: کار بی‌مزد

پ

پالونگ: ریسمان و بند، یوغ

پایاب: جایی از رودخانه که بتوان از آن گذشت، بی‌پایاب: بی‌کدار

پَتَل پُرت: تلفظ عامیانه‌ی پطرز بوغ، پطرزبورک، نام شهری در روسیه

پلاس: جامه‌ای پشمینه و ستر که درویشان پوشند، نوعی کلیم

پندنیوش: پندشنو، پندپزیر، نیوشیدن: شنیدن

پیمود: پیمان‌کرد، در جام ریخت، شراب پیمودن: آشامیدن یا نوشاندن شراب

ت

تازی: عرب، زبان تازی: زبان عربی

تازیک: (لفظی است ترکی) غیر ترک به ویژه فارسی‌زبانان را گویند.

تائی: آهستگی

تباه: فاسد، شراب، تباه کردن چشم: کور کردن

تَبْفَتَر: به تاز فرامیدن، تکبیر

تَبَلّی: آشکار شدن، جلوه کردن

تُفمه: نژاد

تذکره: یادداشت، زندگی‌نامه‌ی شعرا و دانشمندان

تسلا (تسلّی): آرامش یافتن، بی‌غمی

تصنع: فودآرایی، ظاهرسازی

تکلف: رنج برشود نهارن، خوردنمایی و تممّل

تلاجن: درفتی است جنگلی

تمتّع: برفورداری، بهره‌مندی

تممیر: ستایش، بزرگداشت

تمکین: احترام، بزرگداشت

تنگ: بار، تنگ شکر: بار شکر

توتیا: سرمه

ج

چاپن: ژاپن

چزمیت: استوار بودن، قطعی بودن

چلبات: چادر زنان، پرده

چَلّ جلاله: بزرگ است شکوه او (فرا)

چُنور: ج چُنْد، لشکریان، سپاهیان

چولقی: ژنده‌پوش و کرا

چیره: مقدار محدود از مواد غذایی که به صورت مقرّری به کسی یا کسانی دهند.

چیفه: لاشه، مُردار، چیفه‌ی دنیا: مآزاً مال و منال دنیا

ح

حاجب: پرده‌دار، دربان

حاذق: ماهر، چیره‌دست

حمایل کردن: آویختن از کردن یا شانه

حُتین: نام یکی از غزوات پیامبر بزرگ اسلام (ص) است که در سال هشتم هجرت در ممّلی بین طائف و مکه به همین نام صورت گرفته است.

خ

خُبث: پلیدی، خُبث طینت، بدجنسی

خِتام: آفرکار، فرجام

خدمت کردن: تعظیم کردن، کرنش کردن

فَرَمه: ج فارم، خدمتکاران

فَطیر: بزرگ، موع

فِلَعَت: جامه‌ای که بزرگی به کسی بشود

فوان: سفره

فود: کلاه جنگی

فور: زمین پست، شافه‌ای از دریا

فوش‌گوار: کوارا، مطابق میل

فوی: عرق، آبی که از چهره و پوست بدن تراوش کند.

فیراندیش: فیرفواه

فیرالانام: بهترین مردم، لقب پیامبر (ص)

>

دادار: آفریننده، خالق جهان

دارالاماره: جایگاه فرمانروایی، پای تفت

داستان‌پرداز: داستان‌سرایی، قصه‌گویی

دبیر: نویسنده

درفور: بایسته، لازم، درخورنده، لایق، سزاوار

درجه: پایه، مرتبه

درنوردیده: درهم پپیده

دستار: پارچه‌ای که به سر بندند

دستان: زال، پدر رستم

دستگاه: قدرت، غلبه

دشنه: فنبر

دل: جامه‌ای پاره‌پاره، صاعب دل: ژنده‌پوش

دلگ: کیسه‌کش ممام، مشمت و مال‌دهنده

دلمه: بسته شدن مایعات، فون لفته‌شدن

دزدن: نفس‌زدن، سفن‌گفتن

دائت: پستی، کم همتی

دهنده: فراوند بخشنده

دین: وام

ذ

ذی‌حیات: جان‌دار

ر

راست‌وریس: همواره کردن، مرتب کردن (عامیانه)

رایت: بیرق، علم

رعب: ترس، دلهره

رعیت: مردم زیردست فرمانروا

رغم: به رغم کسی؛ بر خلاف میل او

رُقعہ: نامه

رندانه: زیرکانه

رُسانس: دوره‌ی تندر، تدبیر، تدبیر حیات علمی و ادبی در اروپا

رهوار: تندرو (صفت اسب)

ز

زاد: توشه

زربفت: باخته شده از رشته‌های طلا

زربینه: وسایل ساخته شده از طلا، طلایی

زُخان: زبان

زُفت: لثیم، ممسک، زفتی؛ لثیمی، بفیل بودن

زنده پیل: فیل بزرگ و شمشکین

زما: مهار، عنان

زمانه: اجل، مرگ

زنهار: امان دادن، امان

زیب: آرایش، زیبایی

زینهار: امان، زینهار دادن؛ امان دادن

س

سام: پدر زال، جد رستم

سبک: سریع، فوراً

ستیزه: دشمنی، جدال

سفتوری: سفت‌گویی، سفت‌رانی

سماجیت: اصدار، پافشاری، بی‌شرمی

سوداگر: مشتری، خریدار و فروشنده

سوله: سالن‌های بزرگ و بدون ستون میانی با سقف شیب‌دار که برای انبار با کارخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیماب‌گون: به رنگ بیوه، سیماب؛ بیوه

سیمینه: وسایل ساخته شده از نقره، نقره‌ای

ش

شب‌روی: شب‌گردی، عیاری، راهزنی

شیفون: عملی ناکهانی در شب

شربت: سستی

شفق: سرفی آسمان بعد از غروب آفتاب

شگرف: شگفت‌آور، با عظمت

شم: بویایی

شندر غاز: پولی اندک و ناپیز

شوکت: ماه و جلال

شیراوژن: شیرافکن

ص

صدر: بالا

صرعیان: بیماران مبتلا به عارضه‌ی صرع، صرع؛ بیماری غشی

ط

طاس: نوعی ظرف، کپلی و بی‌مویی کامل

طرف: کناره

طلایه: مقررمه و پیش رو سپاه

طمأنینه: آرامش و قرار

طینت: سرشت

ع

عبر: ج عبرت، آنچه بدان بند گیرند

عجب: خودپسندی

عریفنه پی: شاک، شکایت کننده

عزیمت کردن: قصد و آهنگ کردن، سفر کردن

علی رخم: به رخم، بر فلاخ میل

عواید: ج عایده، در آمدها، در آمد

عیاری: جوانمردی، زیرکی، چالاکگی

غ

غارب: میان دو کتف

غایت: نهایت، به غایت: در مورد نهایت، بی نهایت

غایی: نهایی

غدر: خیانت، مکر، بی وفایی

غریو: شور و فریاد

غنا: توانگری، بی نیازی

غنا: سرود و موسیقی

ف

فراز رفتن: نزدیک رفتن، پیش رفتن

فخرج: کشایش، رهایی

فراغ: آسایش

فسطاط: شهری از سرزمین مصر، این شهر امروزه بخشی از قاهره است.

فطرت: سرشت، آفرینش

ق

قرب: نزدیکی

قشِر: طبقه، قشرهایی از جامعه، طبقاتی از مردم
قندیل: چراغ، چراغداران، شمعدان که از سقف آویزند.
قیم: سرپرست در متن به معنی کیسه‌کش عمّام

ک

کامگار: نیک‌بخت، قادر، موفق

کرامت: بزرگی، بخشش

کُرنش: فروتنی، تعظیم

کَل: کپل

کُله: برآمدگی پشت پای اسب

کنگره: مجمعی از دانشمندان و سیاستمداران که درباره‌ی مسائل علمی یا سیاسی بحث کنند. (کلمه فرانسوی)

گ

گُرده: پشت، بالای کمر

گُزاف‌کاری: افراط، مبالغه، بیهوده‌کاری

گلیم: جامه‌ی پشمین

گو: پهلوان

گو: کودال

گوهر: نژاد، اصل، کوه‌ری: نژاده، اصیل

گهر برده: گهر از دست داده

ل

لنگ: ازار، جامه‌ی عمّام که بر کمر بندند

لوا: پرچم

م

مادام: همواره، همیشه

ماچین: سرزمینی در جنوب چین و مشرق هندوستان. در ادبیات فارسی ظاهراً منظور از چین ترکستان شرقی بوده و مراد از ماچین

(مهاچین) کشور چین بوده است.

مایه: سرمایه

معمل: کباوه

مفصصه: بدیقتی و غم بزرگ، این واژه به معنی گرفتاری متداول شده است.

مراغه: شکایت به قاضی بردن، داوری

مرتزق: بهره‌مند، روزی یافته

مرصع: آراسته، جواهر نشان

مسلخ: رفت‌کن ممام

مسلک: روشن

مشاطه: آرایشگر

مُشوش: آشفته و پریشان

معترض: اعتراض‌کننده، فردکیر

معرکه: میدان جنگ

مغاک: کودال

مُغیلان: درفته‌ای با فارهای بسیار، فار شتر. اصل کلمه «ام غیلان» بوده است. به معنی مادر غولان

مُغلس: تهی‌دست، درویش

مُقبل: فوش‌بفت

مقنن: قانون‌گذار

مکاری: خربنده، کسی که اسب و شتر و الاغ به کرایه دهد یا به کرایه برد.

ملازمان: همراهان

ملبأ: پناهگاه

ملیله: رشته‌ی باریک نقره‌ای یا طلایی که داخل مہوف باشد و با آن روی پارچه نقش و نگار ایجاد کنند.

منال: مال و ثروت، در آمد مستغلات

منبت: نقش برجسته به شکل گل و گیاه و جز آن که روی چوب ایجاد کنند.

منقبت: هنر و کار نیک، آن چه بران نازند

مواریث: ج میراث، آنچه از مرده به جا ماند

مواهب: ج موهبت: بخشش‌ها

مؤافزت: بازخواست و عقوبت به سبب گناه

موکب: گروهی از سواران یا پیادگان که به همراهی بزرگی در حرکت باشند.

مهر: کباوه، مامل

میرآفوره: نگهبان اصطبل، رئیس و معتر اصطبل

میراب: نگهبان آب، کسی که آب را به فانه‌ها و باغ‌ها تقسیم می‌کند.

میغ: ابر سیاه

ن

نازیبوی: شاهسپهر، ریمان

نقییر (نقییر): شکار، شکار کردن، نقییرگاه: شکارگاه

نزول اجلال: به عزت فرود آمدن، به احترام به جایی وارد شدن

نشئت: سرپوشمه

نعت: ستایش

نقالی: قصه‌گویی، نقل کردن داستان

نوش: عسل

نهیپ: هیبت و ترس، آواز معیّب (در متن درس سمک و قطران به معنی کزنر و آسیب است.)

نیرم: نریمان، پر سام

نیوشیدن: شنیدن، گوش دادن

و

وَقَب: هر فرورفتگی اندام چون کودی پشم

وکیل مدافعه یا مدافع: نماینده‌ی قانونی طرفین دعوا به منظور دفاع از موکل خود

ه

هامون: دشت، بیابان

هرم: گرمای آتش

هنر: در قریم به معنی فضیلت و معرفت بوده و در برابر «عیب» به کار می‌رفته است. بی‌هنر: بی‌فضیلت

ی

یارست: توانست، از مصدر یارستن

فهرست نام‌های کسان، جای‌ها و کتاب‌ها

آبشار نیاگارا: نام قسمتی از رود عظیم سن‌لوران در آمریکای شمالی. از دریاچه‌ی اریه شروع به دریاچه‌ی انتاریو می‌شود.

آپهام: باستان‌شناس معاصر است با نام پروفیسور آرتو آپهام.

آذربایجان: از استان‌های ایران که دارای ۲ قسمت می‌باشد. ۱- آذربایجان غربی ۲- آذربایجان شرقی

آریا: مهم‌ترین شعبه‌نژاد سفید که سه‌هزار سال پیش از میلاد مسیح در فلات ایران ساکن شده یا به نقاط دیگر کوچ کرده‌اند. آن‌ها اجداد

ایرانیان، هندی‌ها، یونانیان، رومیان و بیش‌تر ملل اروپا و آمریکا مسبب می‌شوند و نژاد هند و اروپا و آریان و آریین نامیده شده‌اند.

آریین‌پور، یفیی: از نویسندگان معاصر که از آثار او می‌توان «از صبا تا نیما» را نام برد.

آلاباما (Alabama) از جمله مهم‌ترین ایالات آمریکا واقع در نواحی جنوب‌شرقی آمریکا (اتازونی) و پایتخت آن مونتگمری

(Montgomery) است.

آل احمد، لال: نویسنده، منتقد و روزنامه‌نگار، از آثار وی می‌توان کتاب‌هایی همچون «غرب‌زدگی»، «کلرنامه سه‌ساله» و «فسی» در

میقات» را نام برد.

آمریکای لاتین: شامل کشورهای پون آرژانتین، شیلی، پرو، بولیوی، اروگوئه و قسمت‌های زیادی از برزیل و اکوادور است.

آندرسن: هانس کریستین آندرسن نویسنده‌ی دانمارکی (۱۸۷۵ - ۱۸۰۵ م.) مؤلف حکایاتی که از لحاظ تفیّل و لفظ هنرن‌آمیز شایان توجّه

است. شهرت او به دلیل داستان‌هایی است که برای کودکان نوشته است.

آوینی: شهید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ متولد و در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی قلّه به شهادت رسید. او فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی سوره

بود. از فیلم‌های او که ساخته شده می‌توان به «شان‌گزیده‌ها»، «حقیقت»، «روایت فتح» و «سراب» اشاره کرد.

ابوالفضل (ع): عباس ابن علی، چهارمین فرزند ام‌البنین، که به «قمر بن‌هاشم» معروف بود. وی در روز عاشورای ۶ هـ. ق در ۳۴

سالگی در واقعه‌ی کربلا شهید شد. بقعه‌ی او در کربلاست. از فضایل وی شجاعت، جوان‌مردی و ایثار است.

ابوعلی سینا: مسین بن عبدالله بن مسن بن علی بن سینا ملقب به همه‌الفق معروف به شیخ‌الرئیس، از حکما و علمای کبار اسلام

است.

اروند رود: رودی در جنوب ایران که به خلیج فارس می‌ریزد و از چهار رود کرون و کرغه در ایران و دیله و فرات در عراق به وجود آمده

است.

اسفندیار: جهان پهلوان ایرانی که به دست رستم کشته شد.

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی کتبه‌ای که شامل دو بخش شرفنامه و اقبال‌نامه است. در این کتاب سخن از علم و حکمت و پیغامبری اسکندر و سرانجام زندگی وی و پایان روزگار حکمای است که با او مجالست داشته‌اند.

اسلامی نروشن، ممدعلی: نویسنده‌ای که در سال ۱۳۰۴ هـ. ش. در نروشن یزد دیده به جهان گشود. از کتاب‌های او می‌توان «کشور شوراها»، «کارنامه‌ی سفر چین» و «آزادی مسمه» را نام برد. علاوه بر این کتاب‌ها «روزها»ی وی یکی از نمونه‌های برجسته‌ی حسب حال نویسی و زندگی‌نامه در زبان فارسی است.

اعتصام‌الملک، یوسف: از نویسندگان و مترجمان مشهور عصر حاضر، از آثار او دو دوره مجله‌ای بهار و از ترجمه‌هایش ترجمه‌ی جلد اول تیره‌بختان و ویکتور هوگو معروف است.

اعتصامی، پروین: شاعر مشهور زبان فارسی. اشعار وی در عیطه‌ی مسائل اجتماعی، افلاقی و انتقادی و حالت اندرگزونه دارد. وی در سال ۱۳۲۰ درگذشت. مناظرات وی مشهور است.

اغراسیاب: نام پادشاه توران که در زمان کیخسرو گرفتار و کشته شد.

اقبال لاهوری: ممد اقبال لاهوری (۱۳۱۶ - ۱۲۵۰ هـ. ش) شاعر و متفکر پاکستانی است. اقبال در استقلال پاکستان نقش مهمی داشته و به «زبان فارسی وارد شعر می‌سوزد. از کتاب‌هایش می‌توان «جاویدنامه»، «پیام شرقی» و «ارمغان مجاز» را نام برد.

۴۱البین: مادر حضرت ابوالفضل (ع) و همسر حضرت علی (ع) بعد از فاطمه (س).

دهلوی، امیر فسرو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن ۷ می‌زیسته. وی به تقلید از نظامی پنج مثنوی سروده: ۱- مطلع الانوار، ۲- شیرین و فسرو، ۳- مجنون و لیلی، ۴- آئینه‌ی اسکندری، ۵- هشت بهشت.

اهرم: به معنای شیطان، راهنمای بدی، مظهر شرّ و فساد و تاریکی و پلیری و نام شیطان است.

باباطاهر: باباطاهر عریان هم‌رانی از عرفای وارسته‌ی ایران است که در اواخر قرن چهارم به دنیا آمد و شهرتش در اواسط قرن پنج بود. دویتی‌های وی حاوی سوز و کدازی دل‌انگیز و سرشار از اندیشه‌های عرفانی است. از ویژگی‌های این دویتی آن است که به کوشش مملی لری، دنباله زبان پهلوی ایران قدیم سروده شده است.

باقر (ع): ممدربن علی ملقب به باقر (ع) یا باقرالعلوم امام پنجم شیعیان است. برقی مورخان تاریخ تولد وی را غره‌ی رجب سال ۵۷ هـ. ذکر کرده‌اند. مدت زندگی‌شان ۵۷ سال، امامتشان ۱۹ سال و ممل دفنشان در قبرستان بقیع است.

بر: غزوه‌ی معروف پیامبر با کفار و در اصل نام پاهی است میان مکه و مدینه که در جنوب‌غربی مدینه و در فاصله‌ی ۲۸ فرسنگی آن قرار دارد و در همین ممل است که نخستین جنگ میان مسلمانان و مشرکان (رمضان سال ۲ هـ) روی داد و به غزوه‌ی بدر یا بدرالاکبر مشهور شد و به شکست مشرکان انجامید.

بصره: شهری است از کشور عراق در کنار شط العرب در نزدیکی فرمشور، گویند این لفظ معرب «بسن راه» است.

بقیع: نام قبرستانی در مشرق مدینه که بیش از ده هزار نفر از معاشرین و انصار در آن مدفون شده اند، هم‌پنین قبر فاطمه بنت اسد مادر

امام علی (ع) و رقیه دختر پیامبر و امام حسن ابن علی (ع) و هم‌پنین امام ممدباقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) در آن باست.

پل، آکساندر گراهام: فیزیکدان آمریکایی که در سال ۱۸۴۷ در «مبورگ متولد شد و در سال ۱۹۲۲ فوت کرد. وی مخترع تلفن بود.

بوستان: یکی از آثار سعری شیرازی و مثنوی حکمی و اخلاقی است که در سال ۶۵۵ سروده شده و دارای ده باب است.

بوستون (Boston): شهر و بندر معروف بوستون پایتخت ایالات ماساچوست از ایالات متحده آمریکا و یکی از مراکز بزرگ صنعتی جهان

است.

بیدل دهلوی: میرزا عبدالقادر بیدل (۱۱۳۳ - ۱۰۵۴) شاعر معروف سبک هندی است. او در آثار خویش افکار عرفانی را مضامین

پیمیده‌ی شاعرانه و استعاره‌ها و کنایه‌ها درهم می‌آمیزد و این گونه به کلام خود لطف و عمق و جاودانگی می‌بخشد. از آثارش مثنوی‌های

عرفات، طلسم حیرت و طور معرفت، مصیبت اعظم و «دیوان اشعار» را می‌توان نام برد.

بین‌النهرین: ناحیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آن‌هاست و از فلات ایران تا بیابان شام کشیده شده

است.

بهار، ملک الشعراء: ممدتقی پسر ملک الشعراء ممدکاظم صبوری شاعر بزرگ معاصر (۱۳۳۰ - ۱۲۶۶). او محقق، نویسنده، استاد دانشگاه،

روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. از آثار او می‌توان «دیوان اشعار»، «تصحیح تاریخ سیستان» و «مهم‌التواریخ» را نام برد. مهم‌ترین اثر او

سبک‌شناسی است.

بهایی: ممد بن حسین عاملی دانشمندی بنام و از شاعران عصر صفوی که در بعلبک به دنیا آمد (۱۳۰۱ - ۹۵۳ هـ). وی تألیفات

متعددی به فارسی و عربی دارد. از آن جمله مثنوی‌های «نان و حلوا» و «شیر و شکر» است.

پاکستان: همسایه‌ی جنوب شرقی ایران و پایتخت آن اسلام‌آباد است. مردمان آن به زبان اردو، انگلیسی، پنجابی و سندھی سخن

می‌گویند.

تایپیکستان: کشوری است در آسیای میانه که بین ازبکستان و افغانستان واقع و پایتختش دوشنبه است. جمعیت اصلی آن را تایپیک‌ها

تشکیل می‌دهند و نیز از کشورهای تازه استقلال یافته است.

توس: یکی از شهرهای قدیم فراسان و سابقاً به ناحیه‌ای اطلاق می‌شد که شهر نوقان و طبران و قریه‌ی سناباد (مدفن امام رضا (ع) و

هارون) در آن بود. گروهی از بزرگان بدان منسوبند از جمله جابرین میآن و فروردوسی.

توتلی: فریدون توتلی در سال ۱۲۹۶ هـ. ش. در شیراز به دنیا آمد. از آثار اوست «انروه شامگه»، «دخمه‌ی هراز»، «کوی مردگان» و «دره‌ی مرگ». او در سال ۱۳۶۴ درگذشت.

تیمور لنگ: موسس سلسله‌ی تیموریان که کشوری وسیع و دولتی عظیم ایجاد کرد و فطه‌ی ماوراءالنهر را به اهمیت رسانید و سمرقند را پایتخت این مملکت بزرگ قرار داد.

جعفر صادق (ع): امام صادق (ع) ششمین امام شیعیان است و به دلیل نشر، گسترش و تعمیق فرهنگ شیعی ایشان را بنیان‌گذار مذهب شیعه می‌نامند. در حلقه‌ی درس آن بزرگوار، دانشمندان و عالمان بزرگی پرورش یافتند. مزار او در بقیع است.

جمعه‌ی فونین: ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که مردم در میدان ژاله (شهر) اجتماع کردند. غافل از این که حکومت نظامی اعلام شده. آن‌ها با سربازانی که ماصره‌شان کرده بودند مواجه شدند و در این روز تعداد زیادی از مردم در میدان ژاله به شهادت رسیدند.

جوزفانان: (نام دیگر: جوزبان) از شهرهای بلخ فراسان و میان مرورود و بلخ واقع است. و از شهرهای آن انبار و فاریاب و کلار است. **پرند و پرند:** عنوان ستون فلکاهی روزنامه‌ی صوراسرافیل که توسط علی اکبر دهفرا با امضای مستعار دفو نوشته می‌شد.

پنگینز: نام اصلی وی تموپین بود. او در تمام عمر خود به غارت کشورها پرداخت و در سال ۶۲۴ درگذشت.

پین: کشوری است پهناور، در جنوب شرقی آسیا که از شهرهای مهمش می‌توان شانگ‌های، ویتین و ستن را نام برد حکومتش از سال ۱۹۴۹ کمونیستی است.

فاغظ: فواحه شمس‌الدین ممد، متخلص و مشهور به فاغظ در اوایل قرن هشتم هـ. ق در شیراز متولد شد و در ۷۹۱ هـ. ق وفات یافت، بسیاری از غزلیات او دارای معانی دقیق و بلند عرفانی است و بزرگ‌ترین غزل‌سرای زبان فارسی است.

حسن مجتبی (ع): حسن بن علی بن ابی‌طالب دومین امام شیعیان مادرش فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) است. او پس از پدر به امامت رسید. امام حسن (ع) کریم اهل بیت نام گرفته است. مزار این امام شهید مسموم در قبرستان بقیع است.

هنین: نام منطقه‌ای است میان طائف و مکه. یکی از غزوات رسول خدا (ص) در آن مکان بود و در این جنگ مردم بسیاری از قبیله‌های مختلف جمع شده بودند. این غزوه یکی از غزوات بزرگ بود که جمع‌کنندگی از صابه در آن به شهادت رسیدند.

فاقانی: افضل‌الدین بدیل فاقانی ملقب به عسان‌العجم شاعر مشهور قرن ششم در قمیده‌سرای صائب سبک است. قوت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

فسرو و شیرین: فسرو و شیرین داستان عاشقانه‌ای است که نظامی آن را در سال ۵۷۱ سروده است.

فسی در میقات: یکی از کتاب‌های نویسنده‌ی معاصر و معروف، جلال آل احمد است.

قلیلی، فلیل‌الله: شاعر توانای افغانستانی (۱۳۶۶ - ۱۲۸۶ ش) وی اولین کسی بود که در افغانستان با شیوه‌ی نیمایی شعر گفت؛ دخترهای شعر فلیلی که بیشتر حاوی وطنیات و اشعار معنوی و مقاومت اوست عبارتند از: ۱- اشک‌ها و فون‌ها ۲- شب‌های آوارگی ۳- بهار به فون نشستگان.

غمینی (ره): بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدروح‌الله موسوی غمینی در ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ ق در خمین به دنیا آمد و در ۱۴ فروردین ۱۳۶۸ درگذشت. از آثار گران‌بهای امام غمینی که در اختیار مفاصل علمی است می‌توان به این‌ها اشاره کرد: تقریر الوسیله، کتاب الصلوه، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الفل، کتاب البیع، مصباح‌الهدایه (شرح دعای سمر) و چهل حدیث برگزیده در افلاق و عرفان.

فوارزمشاه: ممد فوارزمشاه یکی از پادشاهان سلسله‌ی فوارزمشاهیان که در زمان او ایران به اوج قدرت رسید و در اثر بی‌کفایتی او مغول‌ها به ایران حمله کردند.

قیام: حکیم ابوالفتح عمر قیام فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم و شاعر ایرانی قرن ۵ و ۶ است که اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشگاه تهران: نخستین دانشگاه ایران که در سال ۱۳۱۳ ایجاد شد.

دانشور، سیمین: نویسنده‌ی معاصر و همسر زنده‌یاد جلال آل احمد می‌باشد. از آثار مشهور وی «داستان «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» است.

دبیر سیاقی: ممد دبیرسیاقی یکی از استادان دانشگاه تهران بود و بیشتر آثارش در شاهکارهای ادب فارسی می‌باشد از جمله: شرح مقتضی از اشعار منوچهری دامغانی و عنصری بلخی.

دفو: نام مستعار استاد علی اکبر دهفرا است. با این نام یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های روزنامه‌ی صوراسرافیل را که ستون فکاهی آن بود، با عنوان «پرنده و پرنده» می‌نوشت.

در فرمت و فیانت روشن‌فکران: توسط نویسنده‌ی معاصر جلال آل احمد نوشته شده است. آل احمد این کتاب را در عین سفر خود به اروپا، شوروی و آمریکا و سفر حج نگاشته است.

دهفرا: علامه علی‌اکبر دهفرا به سال ۱۲۵۸ هـ. ش در تهران متولد شد و پس از آموختن علوم دینی و ادبی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تکمیل ادامه داد و به یاری «دوشش» میرزا جهانگیرخان «روزنامه‌ی صوراسرافیل» منتشر کرد و کارهایش را با نام پرنده و پرنده و امضای دفو در روزنامه‌ی صوراسرافیل به چاپ رساند. وی به نوشتن لغت‌نامه نیز پرداخت و جزء آزادی‌فروهان شد و در سال ۱۳۳۴ هـ. ش. در تهران درگذشت.

رشید یاسمی؛ غلامرضا پسر ممد و لیثان کورانی مشهور به رشید یاسمی کرمانشاهی (و، ۱۲۷۵ ه. ش، ف، ۱۳۳۰ ه. ش.) از آثار او تصحیح دیوان سلمان ساوجی، ابن یمین، دیوان مسعود سعد سلمان را می‌توان نام برد.

رضافان: رضافان پهلوی نخستین پادشاه سلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ه. ش.) که پس از ۱۶ سال سلطنت در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ از سلطنت برکنار شد و در ۴ مرداد ۱۳۲۳ ه. ش. درگذشت.

رودکی: عبدالرحمن بن آدم رودکی به پدر شعر فارسی معروف است. او از کودکی نابینا بود و به سال ۳۲۹ ه. ق. در رودک وفات یافت. مهم‌ترین اثر منظوم وی کلیه و دمنه است.

زرین‌کوب: عبدالمسین زرین‌کوب محقق، مورخ و نویسنده‌ی بزرگ معاصر که در سال ۱۳۰۱ ه. ق. در بروجرذ به دنیا آمد. از آثار مشهورش «نقد ادبی»، «با گلروان مله»، «بهر در کوزه»، «سرتنی»، «بامداد اسلام» و ... را می‌توان نام برد. وی در شهریور ۱۳۷۸ دار فانی را وداع گفت. زهرای مرضیه (ع): لقب حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر، همسر امیرالمؤمنین علی (ع) و سینه‌ی زنان جهان است. وی در عمر کوتاهی فویش در نشر فرهنگ اسلام و دفاع از امامت، کوشش‌های فراوان کرد. شهادت وی را هرود سه ماه پس از وفات پیامبر نوشته‌اند؛ مزار وی ناپیدا است.

زین‌العابدین مراغه‌ای: ابراهیم بیک از آزادی‌خواهان معروف که در سال ۱۲۵۵ ه. ق. به دنیا آمد. از ۸ سالگی به مکتب رفت و در ۱۶ سالگی به مهربی پدر آمد و در ۲۰ سالگی به اردبیل رفت. سپس از ایران خارج شد و در آنجا بود که کتاب سیامت‌نامه‌ی ابراهیم بیک را جهت بیداری افکار و تقویت روح وطن‌پرستی نوشت و برون زکر نام خود منتشر کرد. این کتاب در واقع دایرة‌المعارف جامع اوضاع ایران در اواخر قرن ۱۳ است.

سامانیان: خاندان ایرانی که در فراسان و ماوراءالنهر و بخشی از ایران مرکزی از سال (۲۶۱ ه. ق.) تا (۳۸۹ ه. ق.) حکومت کردند. سجاد (ع): علی بن حسین بن ابی‌طالب، ملقب به زین‌العابدین، امام چهارم شیعیان (۹۴ - ۳۸ ه. ق.) ولادت و شهادتش در مدینه اتفاق افتاد. صمیفه‌ی سجادیه‌ی ایشان سرشار از مضامین تربیتی، اخلاقی و اجتماعی است که در قالب دعا مطرح شده است.

سعدی شیرازی: مشرف‌الزین مصلح بن عبدالله نویسنده و کوینده‌ی قرن هفتم. وی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به تعلم مشغول شد. وی سفرهای بسیاری کرد و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۶۸ - ۶۲۳) به شیراز بازگشت و به تمنیف سعدی‌نامه یا بوستان و گلستان پرداخت. علاوه بر این قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه در کلیات وی جمع شده است. وفات وی بین سال‌های ۶۹۱ و ۶۹۴ در شیراز اتفاق افتاد.

سلیمان (ع): حضرت سلیمان در ۱۳ سالگی جانشین پدرش، داود (ع) شد. با نیروی خداوندیش از قبیل تسفیر نیروی باد، نیروی جنیان و شیاطین و ... بناهای عظیمی چون بیت‌المقدس را ساخت. قبر ایشان نزد قبر پدرش در بیت‌المقدس است.

سنایی؛ ابوالمبرم محمود بن آدم از شاعران قرن ششم و اهل غزنین است. از آثار اوست «مريقة القيقه»، «طريق التقيق»، «سیرالعباد الی المعاد» و «گلرنامه بلخ». آرامگاه وی در غزنین زیارتگاه عام و فاص است.

سندر: رود بزرگ که از دره‌ی میان هیمالایا و قره‌قورم سرپشمه می‌گیرد و از دره‌ی تاریخی میان هند و افغانستان می‌گذرد و به دریای عمان می‌ریزد.

سهراب سپهری: شاعر و نقاش مشهور معاصر (۱۳۵۹ - ۱۳۰۷ ش) در کاشان دیده به جهان گشود. کتاب‌های او شامل ۶ شعر و ۲ منظومه‌ی بلند است (مشهور به هشت کتاب)؛ ۱- مرگ رنگ ۲- زندگی فواب‌ها ۳- آواز آفتاب ۴- شرق اندوه ۵- صدای پای آب ۶- ما هیچ، ما نگاه ۷- مسافر ۸- مهم سبز.

سیمون: سیمون یا سیر دریا رودی است در آسیای مرکزی که از ارتفاعات شرقی ایران سرپشمه می‌گیرد.

شاه عبدالعظیم: عبدالله بن علی از بزرگان آل علی معاصر امام ممدتقی (ع) مقبره‌ی وی در شهر ری زیارتگاه مردم است.

شاهنامه: فردوسی در سال ۳۷۱ - ۳۷۰ اقرام به نظم شاهنامه کرد. مآخذ فردوسی عبارت بود از شاهنامه‌ی منثور ابومنصوری و بعضی روایات مکتوب. شاهنامه دارای ۶۰۰۰۰ بیت و ۳ دوره است؛ ۱- دوره‌ی اساطیری؛ از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ۲- دوره‌ی پهلوانی؛ از قیام کاوه تا قتل رسم ۳- دوره‌ی تاریخی؛ از اواخر عهد کیانیان به بعد.

شفیعی کردکنی: دکتر ممدرضا شفیعی کردکنی شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ ش در کردکن نیشابور به دنیا آمد. از مهم‌ترین مجموعه‌های شعر او می‌توان به «شبنوانی»، «از زبان برگ»، «در کوفه‌ی باغ‌های نیشابور»، «از بودن و سرودن» و «بوی بوی مولیان» اشاره کرد. «صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، «تصحیح و توضیح اسرارالتوفید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست. سرودهای او ساده، روان و بسیار استوار است.

شبستری، شیخ ممدود: شیخ ممدود ملقب به سعدالدین، در قصبه‌ی شبستر، در هفت فرسنگی تبریز متولد شد. از تاریخ زندگی او اطلاع وسیعی در دست نیست و ظاهراً سراسر عمر را برغلاف زمانه‌ی آشفته و عصر برآشوب خویش به آرامش و سکون برون حادثه‌ی مهمی در تبریز با در نزدیکی آن به سر برده است و در همان‌جا در سال ۷۲۰ هـ. وفات یافته است. از وی تألیفات بسیاری باقی مانده لیکن مثنوی «کلشن راز» از بهترین و جامع‌ترین رسالاتی است که در اصول و معانی تصوف به رشته‌ی نظم در آورده است.

صائب: میرزا ممدعلی بن میرزا عبدالرئیم تبریزی معروف به صائب. وی در سال ۱۰۳۶ به عزم سفر هند از اصفهان فارغ شد. مجموعه‌ی اشعار صائب تبریزی قریب ۱۲۰ هزار بیت است. کلیات وی سفینه‌ای مملو از مواظ و آداب و گنهی پر از حکمت و امثال است. وی از شاعران مشهور سبک هندی بود.

صبوری: ممد کافم صبوری شاعر ایرانی متولد مشهد در سال ۱۲۵۹ است که در سال ۱۳۳۲ در همان‌جا وفات یافت. دیوان او مشتمل بر قصاید و غزلیات و قطعات است. وی در قصیده‌سرایی ماهر بود. او پدر ملک‌الشعرای بهار است.

صفویه: منسوب به صفی‌الدین اردبیلی سلسله‌ای که در ایران از سال ۹۰۷ هـ.ق تا سال ۱۱۴۸ هـ.ق سلطنت کرده است.

صفیه: دختر عبدالمطلب بن هاشمی قریشی از عمه‌های پیغمبر.

صوراسرافیل: روزنامه‌ای که میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل به کمک دهفرا در سال ۱۳۲۵ در تهران منتشر کرد.

عاتکه: دختر عبدالمطلب، جد پیغمبر (ص). وی از بزرگان قریش بود و شعر نیز می‌سرود.

عارف قزوینی: شاعر، میرزا ابوالقاسم معروف به عارف قزوینی. در سال ۱۲۶۲ هـ.ش. در قزوین به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۲ هـ.ش. در همدان وفات یافت. در انقلاب مشروطیت با مردم بود و فواسته‌های مردم را در قالب شعر بیان می‌کرد. او اشعار دیگری نیز سروده است.

عباس: ابن عبدالمطلب، جد بنی عباس و عم ممد رسول الله (ص) مردی نیکوکار و استوار اندیشه بود و برای آزادی بردگان اشتیاق وافری داشت. وی سقایی قباچ و آبادی مسیدالمرام را به عهده داشت.

عبدالملکیان، ممدرفنا: متولد سال ۱۳۳۱ در شهر نهاوند. وی مهندس کشاورزی است و شعرهای نو و سپیدش مشهور است. از سال‌های قبل از انقلاب با مطبوعات همکاری داشته است. از آثار او «ریشه در ابر» و «مجموعه‌ی شعر و رباعی امروز» منتشر شده است.

عبید رهیب: شاعر معاصر تابعیک که شعر مشهور او «تا هست عالمی، تا هست آدمی» می‌باشد که در آن زبان نیکان فویش را در قالب شعر نیمایی ستوده است.

عبید زکاتی: شاعر و نویسنده‌ی قرن هشتم. وی از مردم قزوین بود. عبید مرتی در شیراز و مرتی هم در تبریز و بغداد زیر حمایت سلطان اویس جلایر زندگی کرده است. از آثار او می‌توان: «دیوان اشعار»، «ریش‌نامه»، «افلاق‌الاشراف»، «رساله‌ی دلگشا»، «رساله‌ی صد پند»، «موش و کربه» و «خال‌نامه» را نام برد.

عشقی: ممدرفنا میرزاده عشقی (۱۳۰۳ - ۱۲۷۲ هـ.ش) شاعر باذوق و دارای احساسات وطن‌پرستی بود. وی روزنامه‌ی قرن بیستم را که حاوی اشعار تند ضد هیئت حاکمه بود در تهران انتشار داد و به همین سبب به دست دو تن کشته شد و او را در این‌بابویه به خاک سپردند. از آثار معروف او «تابلوهای ایده‌آل» و «کفن سیاه» می‌باشد.

عنصری: ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی، شاعر ایرانی، مولد او شهر بلخ بود و چنان‌که از اشعار او معلوم می‌شود اطلاعاتش تنها

منمصر به ادب نبود بلکه مخصوصاً از علوم اوایل که در قرن چهارم در فراسان رایج بود، اطلاعات کافی داشته است. عنصری دارای دیوانی است که قریب سه هزار بیت داشته است اما آن چه فعلاً در دسترس است بیش از دو هزار بیت می‌باشد. او منظومه‌هایی به نام‌های: «شاربهر»، «عین‌الهیة»، «وامق و عزرا»، «فنگ‌بت» و «سرخ‌بت» دارد. وی در سال ۴۳۱ هـ. قی وفات یافت.

عیشی، صدرالدین: نامورترین چهره و در واقع بنیان‌گذار ادبیات و فرهنگ تایلکستان بود. وی در ولایت بخارا دیده به جهان گشود. آثار او: «نمونه‌ی ادبیات تایلک»، «جلادان بخارا»، «سرگزشت تایلک کم‌بین»، «یادداشت‌ها».

خاطمه بنت اسد: دختر اسد بن هاشم بن عبدمناف هاشمی، مادر علی (ع) و برادرانش. گویند پیش از هجرت به مدینه آمد و در آن‌جا از دنیا رفت.

غرفی سیستانی: علی ابن مولوغ مشهور به ابوالحسن از قمیده‌سرایان بزرگ اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ است. در سال ۴۲۹ پراغ عمرش شاموش شد.

غرفی یزدی: میرزا ممد شاعر و آزادی‌فواه در سال ۱۲۶۴ هـ. ش. متولد شد. او مردی مبارز، منتقد و بی‌باک بود. از آثار مهم او انتشار روزنامه‌ی «طوفان» است. وفات او سال ۱۳۱۸ هـ. ش. بود.

غروزانفر: بریع الزمان فروزانفر، محقق، ادیب و شاعر معاصر در سال ۱۲۷۶ هـ. ش. در بشرویه فراسان متولد شد. از مهم‌ترین آثار او مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی، احادیث مثنوی شریف، تصحیح کلیات شمس یا دیوان کبیر و فیه‌ما فیه مولانا را می‌توان نام برد. مجموعه‌ی اشعار او نیز چاپ شده است. وی در اردیبهشت سال ۱۳۴۹ در تهران درگذشت.

فرهاد: یکی از شفصیت‌های کتاب فسرو و شیرین نظامی است که عاشق شیرین دختر شاه ارمنستان می‌شود و جان خود را بر سر این عشق فدا می‌کند.

فسطاط: شهری از سرزمین مصر. این شهر امروزه بخشی از شهر قاهره است.

قلعه: نام یکی از پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق واقع در بخش موسیان شهرستان دشت‌میشان که سکنه‌ی آن مرزداران و کارکنان کمرک‌اند.

فلسطین: در کناره‌ی شرقی دریای مدیترانه و در شاورمیانه واقع است. با کشورهای لبنان، سوریه، اردن و مصر همسایه است و پایتخت آن بیت‌المقدس که زیارتگاه مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است.

قزوه، علی‌رضا؛ شاعر و نویسنده‌ی معاصر در سال ۱۳۴۲ ه. ش. به دنیا آمد. از تألیفات وی می‌توان سفرنامه‌ی حج «پرستو در قاف» را

نام برد.

قندهار: ایالتی است در افغانستان واقع در جنوب‌شرقی آن کشور، سر راه هندوستان.

کازمین: شهری است در عراق مبادر کشور ایران، در یک فرسنگی بغداد که آرامگاه امام موسی کاظم (ع) و امام ممدتقی (ع) در آنجا است.

کربلا: یکی از شهرهای کشور عراق واقع در کنار رودخانه‌ی فرات. این شهر تا سال (۱۱ هـ ق) بیابان بوده است. از این زمان به بعد بر اثر شهادت امام حسین (ع) در آن محل به تدریج مورد توجه شیعیان آل علی قرار گرفته است.

کلکته: شهر و بندر معروف هندوستان در کنار خلیج بنگال که مرکز بزرگ هند است.

کلیله و دمنه: مجموعه‌ی داستان‌هایی از زبان حیوانات که در عهد ساسانیان از زبان سانسکریت به پهلوی نقل شده است. بعد از عملی اعراب عبدالله ابن مقفع آن را به عربی ترجمه کرد و سپس از روی همان ترجمه به وسیله رودکی به شعر پارسی در آمد و آن‌گاه در اوایل قرن ششم یک بار دیگر با نثر منشیانه‌ی بلیغ ترجمه‌ی دیگری از آن به زبان پارسی ترتیب یافت که به کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی معروف است و به دست ابوالمعالی نصرالله بن ممد عبدالحمید منشی معروف به نصرالله منشی صورت گرفته است.

کمدی الهی: اثر مشهور دانتی شاعر بزرگ ایتالیایی (۱۳۲۱ - ۱۳۶۵) است.

کوپه: فرانسوا کوپه شاعر و درام‌نویس فرانسوی (۱۹۰۸ - ۱۸۴۲) از آثار وی می‌توان «عابر»، «برای تاج»، «صمیمیت‌ها»، «دختر سرخ» و «فروستان» را نام برد که شهرت بیشتری دارند.

کوفه: شهری است در کشور عراق نزدیک مرز ایران که چند ماه پس از بصره به دست سعد وقاص در کنار فرات بنا شد. شهر کوفه نزد شیعیان مقامی ارجمند دارد. زیرا علی بن ابی‌طالب (ع) آن را مرکز خلافت خود قرار داد و همان‌جا به شهادت رسید.

گلاندی: رهبر و پیشوای سیاسی و افلاقی هند (۱۹۴۸ - ۱۸۶۹) که با مبارزات خود موجبات استقلال هندوستان را فراهم کرد.

گلرفسار: صفتیه گلرفسار مشهورترین زن شاعر معاصر تاجیک است او سرودن شعر را از پانزده سالگی آغاز کرده و تاکنون چندین مجموعه از شعرهایش را به چاپ رسانیده است که از آن جمله «بنفشه»، «فانه‌ی پدر» و «بنیاد دل» است.

گلستان: یکی از آثار سعدی شیرازی است. وی آن را در سال ۶۵۶ به نثر مستقیم نوشته است که مشتمل بر حکایت آموزنده است.

گلشن راز: منظومه‌ی فارسی، سروده‌ی شیخ ممد شیبستری شامل ۹۹۳ بیت است. وی این کتاب را در جواب سوالات میر سید مسینی هروی راجع به اصطلاحات تصوف تصنیف نموده است.

گوته: یوهان ولفگانگ کوته در سال ۱۷۴۹ در کشور آلمان چشم به جهان گشود. وی نویسنده و شاعر نامدار آلمان و شاعر «فاوست» و «دیوان شرقی و غربی» و چندین شاهکار بزرگ دیگر است که پس از یک عمر نویسندگی در سال ۱۸۳۲ درگذشت. او ارادت زیادی به حافظ داشت.

لیلی و مبنون: مثنوی لیلی و مبنون داستان عاشقانه‌ای که حکیم ابوالمهمر الیاس ابن یوسف مشهور به نظامی شاعر معروف ایران در قرن ۶ هـ. ق به نظم کشیده است.

ماوراءالنهر: سرزمینی در شمال رود جیخون است که بین دو رود سیمون و جیخون قرار دارد و شامل بخارا و سمرقند است. ماوراءالنهر مدت ۵ قرن بزرگ‌ترین مهر تمدن اسلامی ایران بوده است.

مفزن الاسرار: مثنوی مفزن الاسرار از نظامی و در حدود ۲۲۶۰ بیت مشتمل بر ۲۰ مقاله در افلاق و مواضع و علم است که در حدود سال ۵۷۰ به اتمام رسید.

مدیرترانه: دریایی که بین ۳ قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا واقع است. دریای مدیرترانه از طریق تنگه‌ی جبل الطارق به اقیانوس اطلس راه دارد.

مدینه‌ی طیبه: دومین شهر مقدس مسلمانان است که قبل از هجرت پیامبر یشرب نام داشت.

مشهد: مرکز استان خراسان است. امام رضا (ع) پس از شهادت در این شهر مدفون گشت و به این دلیل این شهر را مشهد رضا (مملّ شهادت رضا) یا مشهد می‌فوانند.

مصر: کشور مصر در شمال آفریقا و در کنار دریای سرخ و مدیرترانه است. مراکز سیاحتی و باستانی آن عبارت است از اهرام سه‌گانه و میسمه‌ی ابوالهول.

مظفّرالدین شاه: مظفّرالدین میرزا پسر چهارم ناصرالدین شاه قاجار در سن ۵ سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و در سن ۴۵ سالگی به سلطنت رسید. ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ هـ. ق قانون اساسی را امضا کرد و ۵ روز بعد در تهران درگذشت.

مسجد گوهرشاد: مسجدی در مشهد که در جنوب حرم امام رضا (ع) بنا شده است.

مشیری، فریدون: شاعر معاصر که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. برخی از آثار او عبارتند از: «آه، باران»، «بهار را باور کن»، «مروارید مهر»، «پرواز با خورشید»، «ابر» و ...

ملک‌داد شمس تبریزی: مردی عالم و فاضل و دانشمندی عالی‌قدر بود. از معارف اسلامی و دقایق عرفان و تصوّف و فصایص احوال و منازل سالکان این راه به خوبی آگاهی داشت. او از مراحل ظاهری گذشت و از این آشیانه‌ها پرواز کرده. شاهباز فوش‌شکار آسمان‌گیر اوج حقّ و حقیقت شده بود. با تیزد از علایق دنیوی دل‌کنده. روزگار را به سیر آفاق و انفس می‌گذرانید. وقتی به سال ۶۴۲ به قونیه وارد شد مولوی مجذوب او گردید و درس و بحث و وعظ را رها کرد و تنولی عظیم در مال او به‌وجود آمد.

منوچهری: ابوالنعم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از جمله‌ی شاعران طراز اول ایران در نیمه‌ی اول قرن ۵ است. او در وصف طبیعت و آوردن تشبیه و استعاره‌های بدیع پیره‌دست بود.

موش و گربه: مثنوی کوچکی است مشتمل بر ۱۷۴ بیت از عبید زاکانی شاعر قرن هشتم هجری. موضوع این مثنوی داستان گربه‌ای است که با تظاهر به عبادت، موش‌ها را به جنگ می‌آورد و بر اثر این تفاوز بین سپاهیان موش و گربه نبرد سختی در می‌گیرد که به پیروزی موش‌ها ختم می‌شود.

مولوی: جلال‌الدین مومّن در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هـ. ق در شهر بلخ به دنیا آمد و در پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هـ. ق وفات یافت. از مولانا نوشته‌ها و سروده‌هایی به جای مانده است که از آثار جاودانی و ممتاز ادبیات عرفانی به شمار می‌آیند. از آن میان، مثنوی معنوی و غزلیات وی است که به دیوان شمس معروف است. دیگر آثار او عبارتند از: «مکتوبات»، «مبالس سبعه» و «فیه‌ما فیه». **ناصر فسرو:** حکیم ابو معین ناصر بن فسرو بن عارث قبادیانی بلخی مروزی ملقب و متخلص به «معت». از حکما و شاعران قوی طبع و از قصیده‌سرایان کران‌قدر زبان فارسی است. از آثار او است: «دیوان اشعار»، «سفرنامه»، «جامع‌الکلمتین»، «فوان‌افوان» و ... **نسیم شمال:** نام روزنامه‌ای است که سید اشرف‌الدین حسینی کیلانی در سال ۱۹۰۷ م. تأسیس کرد و تا سال ۱۹۱۱ م. چاپ رسید. **نصاب‌القصیدان:** منظومه‌ای از ابونصر فراهی در سال ۶۱۰ هـ. ق تألیف شد که در آن لغات متداول عربی را با معادل فارسی آن‌ها در بره‌های مقلّف به نظم در آورده است. این کتاب جزو کتاب‌های درسی طلاب بوده است.

نظامی گنجوی: ایاس بن یوسف بن زکی بن مؤید ملقب به نصرالدین و مکنی به ابو حامد معروف به حکیم نظامی گنجوی از اعظم شعرای فارسی زبان است. وی به سال ۵۳۰ هـ. ق در کتبه به دنیا آمد و نزدیک به سال ۶۱۴ هـ. ق درگذشت. مدفن او در کتبه است. از مهم‌ترین آثار نظامی می‌توان از پنج کتج شامل: «مفزن‌الاسرار»، «فسرو و شیرین»، «لیلی و منون»، «هفت پیکر» و «اسکندرنامه» نام برد.

نوبل: شیمیدان و مخترع سوئدی که در سال ۱۸۳۲ در شهر استکهلم متولد شد. او دینامیت را اختراع کرد. وی کتیبه‌ی ثروت خود را صرف پرداخت جایزه‌ی سالانه به کسانی کرد که در زمینه‌های علم، ادبیات و صلح جهانی خدماتی انجام داده‌اند. **نیمای:** علی اسفندیاری متخلص به نیما یوشیج فرزند ابراهیم در سال ۱۳۱۵ هـ. ق در دهکده‌ی یوش از توابع نور مازندران متولد شد. استاد او در شعر «نظام وفا» بود و مهم‌ترین اثرش «افسانه‌ی نیما» است. او در سال ۱۳۳۸ بر اثر بیماری ذات‌الریه از دنیا رفت. **ویسه (پیران):** وزیر فرزند افراسیاب تورانی بود.

هفت پیکر: مثنوی هفت پیکر از جمله آثار مشهور نظامی گنجوی است که آن را بهرام‌نامه و هفت‌گنبد نیز خوانده‌اند که دارای ۱۳۶ بیت است. سرگذشت بهرام‌گور و شرح زندگی او با هفت دفتر از شاهزادگان هفت اقلیم در آن منظومه است. **یوسفی غلامحسین:** پژوهشگر، نویسنده و استاد برجسته‌ی دانشگاه در سال ۱۳۰۶ ش. در مشهد متولد شد. او با نثری روان، پخته، جذاب و عمیق آثاری بزرگ از جمله: «دیداری با اهل قلم، برگ‌هایی در آغوش بار، چشمه‌ی روشن، تصحیح بوستان و گلستان سعدی و ...» را رقم زد. این نویسنده‌ی بزرگ در چهارم آذر ماه ۱۳۶۹ در تهران درگذشت و در کنار مرادش حضرت رضا (ع) به خاک سپرده شد.

تاریخ ادبیات سال دوم

انصاری، فواجه عبدال...: ملقب به شیخ الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات عارف قرن پنجم است و در سال ۱۸۱۴ ه. ق. در هرات درگذشت. آثار او «الهی نامه»، «زاد العارفین»، «مناجات نامه» و «رساله‌ی دل و جهان» می‌باشد.

بجیت تبریزی، مفسر مسین: (۱۳۶۷ - ۱۲۸۵ تبریز) مقلص به شعریار و غزل‌سرای معاصر است. آثار او منظومه‌ی «میر بابا به سلام» و کلیات اشعار می‌باشد.

بازل مشهوری: (۱۱۲۴ م.) شاعر حمله‌ی میدری است که شرح حال جنگ‌های پیامبر و حضرت علی (ع) تا لفظه‌ی شهادت ایشان است.

بچه‌های آسمان: فیلم‌نامه‌ای است نوشته‌ی میسر میبیدی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس معاصر.

بمال زاده، ممدعلی: در سال (۱۳۷۶ - ۱۲۷۴ ه. ش.) در اصفهان به دنیا آمد و برای تحصیل به بیروت و سپس به پاریس رفت.

وی نخستین کتاب داستان‌های کوتاه ایرانی به عنوان «یکی بود یکی نبود» را در سال ۱۳۰۰ منتشر کرد. وی پدر داستان‌نویسی ایرانی است.

آثار او «دارالمباین»، «سروته یک کرباس»، «تلخ و شیرین»، «هفت کشور»، «شورآباد»، «راه آب‌نامه»، «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار» و «قصه‌ی ما به سر رسید» می‌باشد.

بزرگ علوی: (۱۳۷۵ - ۱۲۸۲) از نخستین تحصیل‌کرده‌های آلمان بود. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نوشته‌های او اجازه‌ی انتشار نیافت.

آثار او «چشم‌هایش»، «چمدان»، «میرزا» و «سالاری‌ها» می‌باشند.

دانشور، سیمین: متولد ۱۳۰۰ در شیراز و همسر جلال آل‌احمر می‌باشد. آثار او «آتش خاموش» و «سووشون» می‌باشد.

بیپراستو، هریت: (۱۸۹۶ - ۱۸۱۱ م.) او در ایالت کنتاکی آمریکا به دنیا آمد. او نویسنده‌ی «کلبه‌ی عمو تم» است که در سال ۱۸۵۲ منتشر شد.

پابلو نرودا: (۱۹۷۳ - ۱۹۰۴ م.) شاعر «انگیزه‌ی نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» و اهل شیلی است.

فیرا ابراهیم فیرا: سراینده‌ی شعر «در بیابان‌های تبعید» در سال ۱۹۲۶ در ناصره چشم به جهان گشود و تمصیلات مقاماتی خود را در

فلسطین و دوره‌های عالی را در دانشکده کمبریج و هاروارد به پایان رساند.

درویش، ممدود: متولد ۱۹۴۱ در فلسطین اشغالی می‌باشد. وی را شاعر مقاومت می‌دانند چون جز برای فلسطین شعر نسوده است. یکی

از شعرهای او «از یک انسان» می‌باشد.

ویکتور هوگو: (۱۸۵۵ - ۱۸۰۲ م.) مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. از ده سالگی شعر گفت و در ۲۵ سالگی شاعری

سرنشاس بود وی عضو فرهنگستان فرانسه و نماینده‌ی مجلس نیز بود. وی به دلیل مخالفت با ناپلئون سوم بیست سال از زندگی خود را

در تبعید به سر برد. مهم‌ترین آثار او: «بینوایان»، «کوژپشت تتردام»، «کارگران دریا» و «مردی که می‌فند».



موسسه ایران دانش نوین

رویای خودت شو...



@IranDaneshNovin



@Iran_Danesh_Novin

برای دانلود بقیه ی جزوات با کلیک روی لینک های زیر به سایت
یا کانال های ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

www.IDNovin.com

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

http://sapp.ir/iran_danesh_novin

آندره ژید: (۱۹۵۱ - ۱۸۶۹ م.) نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی، خالق «مآثره‌های زمینی» و برنده جایزه‌ی نوبل ادبی است.

سنایی: از شاعران قرن ششم و صاحب آثار «مدریقه‌القیقه»، «سیرالعبار الی المعاد» و «کارنامه بلخ» است. وی اولین کسی است که افکار عرفانی را با مضامین عاشقانه درهم آمیخت.

غیبه مافیحه: از آثار منثور مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ - ۶۰۴ ق.) و در بردارنده‌ی سخنان مولانا در مجالسش می‌باشد.

صناعی، مسمود: متولد ۱۲۹۸ اراک و متوفی در ۱۳۶۴ در لندن در رشته‌های فلسفه، علوم تربیتی، ادبیات فارسی، زبان فارسی، حقوق و روان‌شناسی تخصص داشت. کتاب «آزادی و تربیت» اثر اوست.

اسلامی نروشن، مسمدعلی: در سال ۱۳۰۴ ه. ش. در نروشن متولد شد وی شاعر و محقق بود. آثار او «جام جوان‌بین»، «آوارها و ایماها»، «صفیر سمیرغ» و «روزها» می‌باشد.

ویرانی، عبدالمسین: نویسنده‌ی معاصر که نوشته‌ی وی در مجله‌ی یغما و سپس در مجموعه‌ی «استان» «عمو غلام» به چاپ رسیده است.

رفیع، جلال: نویسنده‌ی و روزنامه‌نگار، آثار او «فرهنگ معاصر»، «فرهنگ مولد» و «در بهشت شدار» می‌باشد.

افغان ثالث، مه‌ری: شاعر معاصر و متولد ۱۳۰۷ در مشهد به دنیا آمد و در شهریور ۶۹ درگذشت. آثار او «ارغنون»، «زمستان»، «آفر شاهنامه»، «از این اوستا»، «در حیاط کوچک پائیز در زندان» می‌باشد.

صغارزاده، طاهره: شاعر معاصر در سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد. آثار او «هگزر مهتاب»، «طنین در دلتا»، «سر و بازوان»، «سفر پنجم»، «بیعت با بیداری» و «دیدار صبح» می‌باشند. وی از شافص‌ترین شاعران مذهبی قبل از انقلاب است.

شفیعی کردکنی، مسمدرفنا: شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ در کردکن نیشابور به دنیا آمد. آثار او «شفیوانی»، «از زبان برگ»، «در کوچه باغ‌های نیشابور»، «از بودن و سرودن»، «مثل رفت در شب باران» و «بوی جوی مولیان» می‌باشد.

«صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، «تصیح و توضیح اسرارالتوکید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست.

موسوی گرمارودی، علی: متولد ۱۳۲۰ و آثار او «سرود رکبار»، «عبور»، «در سایه سار نفل ولایت»، «چمن لاله»، «فظ خون تا ناکجا و «ستپین» می‌باشد.

رهی معیری، مسمدحسن: از غزل‌سرایان (۱۳۴۷ - ۱۲۸۸ ش.) معاصر است و به پیروی سعری غزل گفته است. اثر وی «سایه‌ی عمر» است.

ابتهاج، هوشنگ: شاعر معاصر در سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شد و از سال ۱۳۲۲ به شعر اجتماعی روی آورد. آثار او «نفس‌تین نغمه‌ها»، «سراب»، «سیاه مشق» و «شبگیر».

ابن بطوطه: (۷۷۹ - ۷۰۳ هـ . ق.) عالم و جهانگرد مشهور در ۲۲ سالگی از مراکش به قصد زیارت فانه‌ی خرا فارج شد. وی سی سال سفر کرد و در سال ۷۵۴ به مراکش بازگشت و سفرنامه او به نام «رحله‌ی ابن بطوطه» یا «تفه‌النظار و غرایب‌الامصار» ثبت شد.

پیرلوتی: (۱۹۲۳ - ۱۸۵۰) جهانگرد فرانسوی مولف سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان» با ترجمه‌ی بدرالدین کتابی است.

صنیع‌الدوله، ممتدعسین: ملقب به اعتمادالسلطنه وزیر ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۳۱۳ فوت کرد. آثار او «مراه‌البلدان» ، «مطلع‌الشمس» ، «فیرات‌الفسان» ، «المائر و الاثار» و «منتظم‌ناصری» اشاره کرد.

حسین، طه: (۱۹۷۳ - ۱۸۱۹) ارباب و پژوهشگر مصری در سه سالگی نابینا شد ولی با پشت‌کار مدارج عالی را طی کرد. کتاب «الایام» او را شادروان حسین فریبوم با نام «آن روزها» به زبان فارسی ترجمه کرد.

سعرسلمان، مسعود: (۵۱۵ - ۴۴۰) بیشتر عمر خود را در هند بسر برد و در «ستگاه‌غزنویان منزلت یافت ولی سپس در قلعه‌های «دهک» ، «سو» ، «نای» و «مرنج» زندانی شد. کتاب حبسیات سرورده‌های وی در زندان است.

شریعت رضوی، پوران: همسر دکتر علی شریعتی و نویسنده‌ی کتاب «طریقی از یک زندگی» در باره‌ی زندگی و افکار همسرش می‌باشد.

زینب‌النسا: متخلص به مفی (۱۱۳۳ - ۱۰۴۸) از زنان شاعر هند است. وی در سرودن شعر بیشتر از عرفی شیرازی پیروی می‌کرد.

کاظمی، ممتدکاظم: متولد ۱۳۴۶ شاعر معاصر افغانی است.

فتلانی، اسکندر: متولد ۱۹۵۴ در کولاب است و از شاعران تاجیک می‌باشد.

آواز عشق

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست	ما به فلک می‌رویم، عزم تماشاکه راست؟
ما به فلک بوده‌ایم، یارِ مگک بوده‌ایم	باز همان جا رویم جمله، که آن شهر ماست
خود ز فلک برتریم، وز مگک افزون‌تریم	زین دو پیرا نگذیریم؟ منزل ما کبریاست
بافت جوان یار ما، دادن جان کار ما	قافله سلالار ما فخر جهان مصطفاست
از مه او مـه شکافت، دین او بر نتافت	ماه چنان بفت یافت، او که کمینه‌گرداست
بوی فوش این نسیم از شکن زلف اوست	شعشعه‌ای این خیال زان رخ چون «والضما»ست
فلق چو مـرغابیان زاده زدریای جان	کی کند این‌جا مقام مرغ کنز آن بفر فاست؟
آمر مـوج آست، کشتی قالب بیست	باز چو کشتی شکست نوبت وصل ولفاست

قیام

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو پشه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که کور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه کور بهرام گرفت
برفیز و مفور غم جهان گذران بنشین و دمی به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی نوبت به تو خود نیامدی از دگران
آنان که مصیبت فضل و آداب شدند در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون گفتند فسانه‌ای و در فواب شدند

پشت دریاها

قایقی فواهم سافت،
فواهم اندافت به آب
دور فواهم شد از این خاک غریب
که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه‌ی عشق
قهرمانان را بیدار کند.
قایق از تور تهی
و دل از آرزوی مروارید،
هم‌پنان فواهم راند
نه به آبی‌ها دل فواهم بست
نه به دریا — پریانی که سر از آب به در می‌آرند
و در آن تابش تنهایی ماهی‌گیران
می‌فشانند فسون از سر کیسوهاشان
هم‌پنان فواهم راند.
پشت دریاها شهری است
که در آن پنجره‌ها رو به تبلی باز است
بام‌ها جای کبوترهایی است
که به فواره‌ی هوش بشری می‌نگرند

دست هر کورک ده ساله ی شهر شافه ی معرفتی است

مردم شهر به یک پینه چنان می نگرند

که به یک شعله، به یک فواب لطیف

فاک موسیقی احساس تو را می شنود

و صدای پر مرغان اساطیر می آید در باد

پشت دریاها شهری است

که در آن وسعت خورشید به اندازه ی پشمان سمرقیزان است

شاعران وارث آب و فرد و روشنی اند.

پشت دریاها شهری است

قایقی باید ساخت،

شور عشق

عشق، شوری در نهاد ما نهاد	جان ما در بوته ی سودا نهاد
گفت و گویی در زبان ما فلندر	بست و بویی در درون ما نهاد
از قُستان جره ای بر فاک ریفت	جنبشی در آدم و سوا نهاد
دم به دم در هر لباسی رخ نمود	لمظه لمظه بای دیگر پا نهاد
پون نبود او را معین ثانهای	هر کجا پا دید، رفت آن پا نهاد
حسن را بر دیده ی خود جلوه داد	منتی بر عاشق شیدا نهاد
یک کرشمه کرد با خود، آن چنانک	فتنه ای در پیر و در بُرنا نهاد
تا تماشای جمال خود کند	نور خود در دیده ی بینا نهاد
تا کمال علم او ظاهر شود	این همه آسرا بر صبرا نهاد
شور و غوغایی بر آمد از جهان	حسن او چون دست در بغما نهاد
پون در آن غوغا عراقی را برید	نام او سر دفتر غوغا نهاد

فهرست واژگان دشوار متن

آ

آژگاره: زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل
آژاره: ماه اول بهار، از ماه‌های رومی است.

الف

ابدال: جمع بدل یا بدل به معنی اولیاء‌الله؛ مردان خدا، نیک‌مردان
آبرش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در این‌جا مطلق اسب منظور است.

إدبار: پشت کردن، بدبختی

ادعیه: دعاها

آژگاره: ذکرها، وردها

ارتیالاً: بدون انریشه شدن گفتن یا شعر سرودن، بی‌درنگ

استشاره: رای زدن، مشورت کردن.

استیمال: ناپاری، درماندگی

اسلیمی: ممال اسلامی؛ از طرح‌های هنری، مرکب از پیچ‌وفخم‌های متعدد

اشباح: جمع شیخ، کالبرها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور دیده شود.

اشتلم: لاف زدن

اصبغت امیراً و امسیت اسیراً: بامراد امیر بوزم و شبانگه اسیر

اعاظم: بزرگان، بزرگ‌تران

افکار: آزرده، زخمی، فسته، مجروح

اقبال: روی آوردن، خوشبختی

الماس پیکان: تیری که نوک آن سفت برنزه و درفشان و جلا داده باشد.

امواج مافوق صوت: امواج فوق صوت؛ امواجی که فرکانس آن‌ها بالاتر از ۲۰۰۰۰ هرتس است و شنیده نمی‌شود.

امیرالأمرا: امیر امیران، فرمانده کل سپاه

اوراد: وردها، دعاها

ایار: از ماه‌های رومی که برابر ماه سوم بهار است.

ب

باری: آغاز، در اصل اسم فاعل از «بَرَّء» به معنی شروع‌کننده.

بارگی: اسب، «باره» نیز به همین معنی است.

باشد که: به آن امید که

ببوهه: میان، وسط

برسگال: بدانریش، برضوا، صفت فاعلی مرکب مرفّع، جانشین اسم

برهمن: پیشوای روحانی آیین برهمایی

بسمل کردن: سر جانور را بریدن؛ از آن‌جا که مسلمانان در وقت ذبح جانور «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌گویند، به همین دلیل، به عمل ذبح «بسمل کردن» گفته می‌شود.

بقولات: جمع بقول و آن جمع بقل است به معنی سبزی و تره‌بار.

بلا معارضن: بی‌رقیب

بَلَّغَتْ: آن را فرو بردم. «صیغه‌ی بلعت» چیزی را فوراندرن، آن را به ملق فروبردن، آن را غلاف عق تصرف کردن و بالا کشیدن.

بَنان: انگشت

بهره: حق مالک، قسمت صاحب زمین

پار: سال گذشته

پ

پتیاره: مویب، زشت

پرت و پلا: بیووده، بی‌معنی. به این نوع ترکیب‌ها که در آن‌ها لفظ دوم اغلب بی‌معنی است و برای تأکید لفظ اول می‌آید. «مرکب اتباعی» با اتباع می‌گویند.

ت

تاس: کاسه‌ی مسی که با خود به حمام می‌برند.

تپق: کرفتنکی زبان

ترفیع: بالا بردن.

ترگ: کلاه‌خود

تصنیف: نوعی شعر که با آهنگ موسیقی خوانده شود.

تعلل: بهانه کردن، بهانه آوردن، بهانه جویی.

تغیّرات: جمع تغیر؛ دگرگون شدن، برآشتن، ششمکین شدن.

تفتیش: بازرسی، بازرست، واپژوهیدن.

تفقّر: دل‌جویی

تقریر: بیان، بیان کردن.

تلطف: مهربانی کردن، نرمی کردن

تموز: ماه اول تابستان، از ماه‌های رومی است.

تنبوشه: لوله‌ی سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار گذارند تا آب از آن عبور کند.

تنبه: بیداری، آگاهی، هوشیاری

توتیا: اکسید طبیعی و نافالمن روی که مملول آن کندزایی قوی است. در قدیم این اکسید را در پوش‌های بواره و پوش‌های تراغمی به

صورت کرد روی پلک‌ها می‌پاشیدند این ماده‌ی شفافش در تعبیر شاعرانه وسیله‌ای است برای روشنایی چشم. توتیا را با سرمه که کرد

نرم شده‌ی سولفور آهن یا نقره است و در قدیم برای سیاه کردن پلک‌ها و مژه‌ها به‌کار می‌رفته است، نباید اشتباه کرد.

تورّم علمی: افزایش مداوم و بی‌رویه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها. تورّم غیرعلمی آن است که تورّم مثلاً براساس شایعات یا امور

مصنوعی به‌وجود آید.

ج

چاغی: چفکاننده، چفکار

چانی: از سوی جان؛ این کلمه قید است و «پای» آن پای قیدساز یا پای چانشین توین است. این کلمه به‌جای کلمه‌ی غلط «چانآ» به‌کار

رفته است.

چیهه: پیشانی

چرزه: دیوار اتاق و ایوان

چزمیت: قطعیت و یقین

چوال: ظرفی از پشم بافته که چیزها در آن کنند.

چ

چلمن: کسی که زود فریب بخورد؛ نالایق و بی‌دست و پا

چوبه: تیری که از جنس چوب فرنگ باشد.

ح

حازم: دوراندیش، هوشیار

حجب: شرم و حیا

حرب: آلت حرب و نزاع مانند شمشیر، فنجر، نیزه و ...

حریز: عایی که بر کاغذ نویسنده و با خود دارند. بازوبند، تعویذ

خ

خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن

خرنگ: درختی است بسیار سفت که از چوب آن تیر و نیزه و زمین اسب سازند.

خفایا: معنیه، به معنی نوحان‌ها

فَلَنُك: نام گیاهی است؛ علف بارو

فیره فیر: بیچوره

>

دراویش: درویشان، امروزه جمع بستن کلمات فارسی در قالب‌های عربی جایز نیست.

درزی: فیاط

دستوری: رفصت، اجازه دادن.

دمرمه: در این‌جا به معنی نزدیک، عرو، حوالی، در اصل به معنی با فشم سفن کفتن و آواز دادن است.

دوری: بشقاب بزرگ و مقعر

دی: روز گذشته، دیروز

دیلاق: آدم قدر دراز

ذ

ذرع: معادل ۱/۰۴ متر، کز

ر

رفع کردن: شکایت کردن، درخواستی کردن.

رقعه: قطعه‌ی کاغذی که روی آن می‌نویسند.

رمانتیک: داستانی، افسانه‌ای؛ اثری به سبک رمانتیسیم

ز

زاغه: سوراخی است در کوه یا تپه یا بیابان که ممل استراحت پراپایان است، آغل

زهر: آزار، اذیت، شکنجه

زلت: لغزش، خطا

س

ستوه: درمانده و ملول

سباب: ابر

سعایت: سفن پینی

سفاهت: بی‌شردی، کم‌عقلی

سماط: سفره

سنروس: سمغی است زردرنگ که روغن کمان از آن می‌گرفته‌اند. در درس فقط زردی آن منظور است.

سنگ سماق: سنگی سفت و متمایل به صورتی یا سبز است و چون مقاومت و سختی زیادی دارد، در ستون‌های سنگی ساختمان‌ها و

برای ساختن سنگ آسیاب از آن استفاده می‌شود.

سوقار: دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که پله‌ی کمان را در آن بند کنند.

سوم: ترس

ش

شفیص: بزرگ و ارجمند

شکوم: شگون: میمنت، فستکی، چیزی را به فال نیک گرفتن.

شولا: خرقة، خرقة‌ی درویشان

ص

صبا: باد فنک و لطیفی که از جانب شمال شرق می‌وزد؛ صبا نماد پیام‌رسانی است.

صبوح: در این‌جا یعنی آنچه باعث سرفوشی و نیروی معنوی فرد شود.

صلا زدن: آواز دادن، صدا کردن.

صلوات: جمع صلوات، به معنی رحمت و بخشایش حق تعالی، درودها

صورت شد: روشن شد.

صولت: هیبت

ض

ضمیر: باطن

ضیاع: جمع ضیعت: زمین زراعتی، دارایی

ط

طارمی: نرده‌ی چوبی یا آهنی که اطراف موطه یا باغی نصب کنند.

طالع: برآینده، طلوع‌کننده، فال، بخت، اقبال

طلسم: اصلاً یونانی است به معنی نقش‌ها و دعاهایی که به وسیله‌ی آن کار فارق عادت انجام دهند. طلسم کسی را شکستن: مشکل کسی

را که دیگران از حل آن عاجزند برطرف کردن.

طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ

ع

عاریه: آن‌چه کسی از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.

عامل: فاکم، والی

عروج: به بلندی رفتن، بالا آمدن

عقار: آب و زمین

عنود: ستیزه‌کار

غ

غره: مغرور، کول‌فورده.

غفنغر: شیر

غلیان: پوشش، بوش و فروش

ف

فتوح: کشایش حاصل شدن چیزی بیش از حد انتظار

ق

قاب: آسمانه و قوس بنا از طرف دافل که آن را از چوب می‌سازند.

قاپوچی: دربان، لغتی ترکی است.

قدهج: کاسه

قلیه: نوعی فوراک از گوشت که آن را در تاوه یا دیگ بریان می‌کنند.

قهر: غزاب کردن، پیره شدن، فشم، غضب

ک

کبریا: عظمت، بزرگی

کت: شانه

کتاب: جمع کاتب، نویسندگان؛ در این‌جا یعنی مکتب

کتل: تل بلند، پشت‌های مرتفع

کشیک‌فانه: پاسدارفانه

کله: فیمه‌ای از پارچه‌ی تنگ و لطیف که آن را هم‌پون فانه می‌دوزند؛ پشه‌بند، میله‌ی عروسی

کمتیت: اسب سرخ مایل به سیاه

کوکب: ستاره

کومه: فانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان در آن می‌نشینند؛ آلونک، کپر، کلبه

گ

گبر: نوعی بامه‌ی بنگلی، ففتان

گَوْن: گیاهی است از تیره‌ی سبزی آسها، در قه‌ای مداکثر به ارتفاع یک متر و دارای فارهای بسیار است و غالباً به حالت فودرو و در نوالی کوهستانی و زمین‌های بایر می‌روید.

ل

لایه: تضرع، التماس، اظهار نیاز

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک

م

مألوف: الفت گرفته، انس گرفته

ماسوا: مئفف ماسوی الله؛ آنچه غیر از خداست، همه‌ی مخلوقات.

ماغیها: آنچه در او (آن) است.

مایهتوی: آنچه درون پیزی است.

متراکم: برهم نشینده، روی هم جمع شده، کرد آینه.

متفرعات: توابع، وابسته‌ها

مهرد: غیرمادی، امری که روحانی مفض باشد، آنچه منزه از ماده باشد مانند عقل و روح

مفزول: خوار، زبون گردیده

مفظوظ: بوره‌ور

مزلت: خواری و بدبختی

مزموم: نکوهیده، زشت، مذمت شده.

مُسکر: پیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب

مسیل: جایی که سیلاب از آن بگذرد؛ مثل عبور سیل، جای سیل‌گیر

مشعوف: شادمان

مصادره: تاوان گرفتن، جریمه کردن، فون کسی را به مال او فروختن.

مفرت: زیان، زیان رسیدن، گزند رسیدن

مفغ: آسیا کردن غذا در زیر دندان، چویدن

مقالم: مئفف مجلس مظالم؛ مجلسی که در آن به شکایت‌های مردم در باره‌ی ظلم‌هایی که بدان شده بود، رسیدگی می‌شد.

معاصی: گناهان، جمع معصیت

معهود: عهد شده، شاقته شده، معمول

مفتول: رشته‌ی دراز و باریک فلزی، سیم

مکایر: جمع مکیرت، مکرها، خرعه‌ها

ملترمیرن: کسانی که در رکاب شاه یا بزرگی حرکت می‌کنند؛ همراهان

مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن

منفوس: شوم، نامیمون، بدرفتار

منگر: زشت، ناپسند

موشش: وحشت آور، ترسناک

مهیج: هیجان آور، برانگیزنده

میغار: جای وعده، وعده‌گاه، زمان وعده

میئا: آبکینه، شیشه

مینو: بهشت

ن

نیسان: از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود.

و

وینات: جمع وینه، رفسار

وود: بسیار مهربان، بسیار دوست دارنده، صفتی از صفات خدای تعالی است.

وخط: جمع واعظ، پندرنده، اندرزگوی

ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

ه

هرا: صدا و غوغا، آواز مهیب

هله: صوت تنبیه به معنی «آگاه‌باش».

هلیم: غذایی لذیذ که از گندم پوست‌کنده و گوشت می‌پزند. اصل این کلمه، هلام بوده و ممال شده است و نوشتن آن به صورت

«هلیم» نیز متداول است.

هما: پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، دارای چته‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت

واقع شده است.

هیاکل: اندام‌ها، صورت‌هایی که به اسم ستاره‌ای از ستارگان می‌ساختند. (جمع هیکل)

هیمه: هیزم

ی

یوزبان: کسی که مأمور نگهداری و حفظ و تربیت یوزهای شکاری است.

فهرست نام‌های کسان، جای‌ها و کتاب‌ها

آردم: نخستین پدر آدمیان که با همسرش «هوا» در بهشت زندگی می‌کردند و چون از میوه‌ای که خداوند خوردن آن را ممنوع کرده بود خوردند، از بهشت رانده شدند و به زمین آمدند.

آشور (آسور): سرزمینی قدیمی است که در بخش میانی رود دجله و کوهستان‌های مابین آن قرار داشته است.

آفریقا=افریقا: یکی از قاره‌ها که از شمال به دریای مدیترانه و از مشرق به دریای هند محدود است.

آقا محمدخان قاجار: مؤسس سلسله‌ای قاجاریه که با انقراض دولت زندیه به قدرت رسید.

آلب ارسلان: دومین پادشاه سلسله سلجوقی ایران که در قرن پنجم می‌زیست. وی قلمرو خود را تا حدود چین و روم گسترش داد و امپراتور روم را مغلوب و اسیر کرد.

آل احمد (جلال) (۱۳۴۸ - ۱۳۰۲): نویسنده مشهور ایرانی که از خانواده‌ای روحانی بود. آثار او شامل چهار دسته سفرنامه‌ها (مثل فسی در میقات)، داستان‌ها (مانند مدیر مدرسه)، مقالات (مانند غرب‌زدگی) و ترجمه‌ها (مثل قمارباز) است.

آمریکای لاتین: قسمت جنوبی قاره‌ی آمریکا شامل کشورهای کلمبیا، اکوادور، پرو، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، بولیوی، ونزوئلا و کویان.

اردیب پیشاوری (۱۳۴۹ - ۱۲۶۰ ه. ق): سید احمد بن شهاب‌الدین پیشاوری اردیب و شاعر مشهور عصر خود بود. وی دوران زندگی‌اش را در تحصیل علم و تزکیه‌ی نفس سپری کرد. دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است.

آدیسه: کتاب حماسی هومر، شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. از این کتاب می‌توان مجموعه‌ی آداب و افلاق یونانیان قدیم را دریافت.

اسرار التوفیر فی مقامات الشیخ ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الفیر که ممد بن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی کهنی که شامل دو بخش شرف‌نامه و اقبال‌نامه است.

اسماعیل سامانی: اسماعیل بن نوح سامانی یکی از پادشاهان سامانی که در سال ۳۹۵ کشته شد.

اشتاین بک (جان): نویسنده‌ی آمریکایی قرن بیستم که در نوشته‌های خود، دقیق حالات زندگی مرمومان و رنج‌دیدگان را شرح داده است؛ بی‌آن‌که گفتارش ملال‌آور باشد. از آثار او می‌توان «مراعات بهشتی»، «فوشه‌های فشم»، «موش‌ها و آدم‌ها» را نام برد.

آشکبوس: پهلوانی کثانی که به یاری افراسیاب آمد و سرانجام به دست رستم کشته شد.

افغانستان: از کشورهای آسیای مرکزی که با ایران، ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان همسایه است. مرکز حکومت افغانستان «کابل» است.

اقبال لاهوری (مهمند): شاعر و متفکر پاکستانی، آخرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه قاره‌ی هندوستان است. او از متفکران پیشرو و اصلاح‌طلب و از موسسان کشور پاکستان بود.

الکساندر دوما (پدرا): رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم. حجم آثار او بالغ بر سیصد کتاب است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان «سه تفنگدار» و «کنت مونت کریستو» را نام برد.

امیر ارسلان: قهرمان یکی از مشهورترین داستان‌های عامیانه‌ی فارسی که بسیار مورد توجه مردم بوده است. این داستان اثر نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین‌شاه است.

امین سلطان (امین‌السلطان): میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم از رجال دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بود که در چهار سال آخر حکومت وی سمت صدارت داشت.

ایلیاد: یکی از آثار حماسی هومر شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. این کتاب شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می‌رود.

بتوون (لودویگ فان): آهنگساز معروف آلمانی قرن هجدهم و نوزدهم (۱۸۲۷ - ۱۷۷۰ م). آثار او و از جمله سمفونی‌هایش پر از احساسات عمیق و مآلی از قدرت تعبیر اوست. بتوون در آخر قدرت شنوایی خود را از دست داد. بفرین: مجمع‌الجزایری بین شبه جزیره‌ی قطر و خاک عربستان. بندر بزرگ آن «منامه» است.

بقارا: شهری مشهور در ماوراءالنهر، پایتخت سامانیان نیز بوده و امروز جزء جمهوری ازبکستان است.

بلخ: شهری بزرگ در فراسان قدیم و اکنون نام شهر کوچکی در شمال افغانستان است.

بیرس (تولد ۶۲۵): بیرس بن عبدالله در هجوم تاتار اسپر و به غلامی فروخته شد. امیر علاءالدین او را خرید و او در سایه‌ی همت و زیرکی به مرتبه‌ی حکومت رسید و سپس در قاهره به تفت نشست.

بیرونی، ابوریحان: مهمند بن احمد خوارزمی از علما و بزرگان ایران و جهان است. او همراه سلطان محمود به هند رفت و شرح تحقیقات این سفر را در کتاب «تحقیق ماللهند» تألیف کرد. آثار دیگر بیرونی «آثارالباقیه عن القرون الفالیه»، «التفهیم لاوائل صناعة التتیم» و «قانون مسعودی» است.

بین‌النهرین: نامیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد دو رود دجله و فرات، دولت‌هایی آشور و بابل در این منطقه به‌وجود آمده‌اند.

بیدل دهلوی: ابوالمعالی عبدالقادر بیدل شاعر پارسی‌گوی هندی است. او در نظم و نثر سبکی فاض داشت. شعر او از بهترین نمونه‌های سبک هندی به شمار می‌رود. در آثار بیدل افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات درهم آمیخته است.

پاکستان: از کشورهای همسایه ایران.

پرسپولیس: کلمه‌ای است یونانی به معنی شهر پارس، در این‌جا منظور یکی از کاخ‌های پادشاهان هخامنشی در مرو دشت فارس است. ساقتمان این کاخ در زمان داریوش آغاز شد.

تایمیکستان: از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق.

تاریخ فردریک کیبیر: اثری از توماس کارلایل (۱۸۸۱ - ۱۷۹۵).

تاریخ و صاف: کتابی است تاریخی تألیف «وصاف المصنوعه» که به بخشی از تاریخ مغول پرداخته است. نشر این کتاب نمونه‌ی سبک مصنوع و متکلف است.

تغف الاخوان: کتابی است از کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی نویسنده‌ی قرن دهم.

توران: سرزمین تور، یکی از سه پسر فریدون. سرزمینی در آن سوی بیخون تا دریایچه‌ی آرال. جنگ‌های ایران و توران بخش مهمی داستان‌های ملی ما را تشکیل می‌دهد.

توس: پهلوان ایرانی، فرزند نوزر.

تولم: یکی از دهستان‌های فومن.

توران موقوف: رمانی از مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ - ۱۲۸۷)، این کتاب نخستین رمان اجتماعی است که در آن وضع فقرات آمیز زنان ایرانی به تصویر کشیده می‌شود.

پاچ: منطقه‌ای بزرگ و آبادان از ماوراءالنهر در کنار رود سیحون که اکنون تاشکند نامیده می‌شود و مرکز جمهوری ازبکستان است.

چین: کشوری وسیع و پرجمعیت در قاره‌ی آسیا. این نام از سلسله‌ی پادشاهان تسین گرفته شده است.

حلب: شهری در شام (سوریه).

هوا: نخستین زن، همسر آدم (ع).

فاش: ۱- از شهرهای استان سیستان و بلوچستان که در جنوب زاهدان واقع شده است. ۲- شهری در افغانستان.

فاقانی: افضل‌الدین بدیل فاقانی ملقب به عساکر العجم شاعر مشهور قرن ششم. در قصیده‌سرایی صاحب سبک است. قوت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

فامنه‌ای، جعفر: در سال ۱۲۶۶ شمسی در تبریز به دنیا آمد. وی از طریق زبان‌های فرانسه و ترکی با اشکال جدید شعر آشنایی یافت. اشعار او که متأثر از نوپردازان ترکیه بود، در جراید به چاپ می‌رسید.

فاوران‌نامه: منظومه‌ای است از ابن مسام فوسفی شاعر قرن هشتم و نهم که موضوع آن سفرها و عملات علی (ع) به سرزمین

فاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع خیالی است.

فشایارشا؛ پادشاه هفامنشی، پسر و جانشین داریوش بزرگ. مادر وی آتوسا دختر کوروش بوده است.

فطّ سربانی: فطی که برای نوشتن زبان سربانی به کار می‌رفته و آن همان فطّ آرامی با اندکی تغییر بوده است.

فطّ کوفی: نوعی از فطوط اسلامی.

قلیلی، (عبّاس): در نیف منوّر شد. رمان‌های «روزگار سیاه»، «انتقام» و «انسان و اسرار شب» را با نثری احساساتی و آکنده از لغات

عربی در باره‌ی تیره‌روزی زنان نوشت.

فنج پال: فنج پال شهری در جنوب فارس میان شهر لار و بندر سیراف.

فوارز ۳: ناهیه‌ای از ایران قریم که در دوره‌ی قاجار جزء روسیه‌ی تزاری شد. اکنون از شهرهای کشور ترکمنستان است.

فوشه‌های ششم: از رمان‌های مشهور قرن بیستم و برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر است. نویسنده‌ی این کتاب جان اشتاین بک است.

قیّام ۴: کلیم ابوالفتح عمر قیّام، فیلسوف، ریاضی‌دان، منیّم و شاعر ایرانی قرن پنجم و ششم است و اشعاری به فارسی و عربی و

کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشور، سیمین (تولد ۱۳۰۰): نویسنده‌ی مشهور و معاصر. از آثار او می‌توان به رمان‌های «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» اشاره کرد.

درویش فان (۱۳۰۵ - ۱۲۵۱ ش): غلامسین فرزند حاج بشیر طالقانی، موسیقی‌دان معروف ایران.

دمو سنتس (۳۲۲ - ۳۸۴ ق. م): یکی از فطبای بزرگ آتن.

دریای هند: اقیانوس هند، سومین اقیانوس بزرگ.

دولت‌آبادی، ممدود (تولد ۱۳۱۹): داستان‌نویس معاصر؛ از آثار او می‌توان به کتاب‌های «کلیدر»، «جای خالی سلوچ»، «لایه‌های بیابانی»

اشاره کرد.

دولت‌آبادی، یعی (فوت ۱۳۱۸): حاج میرزا یعی دولت‌آبادی یکی از پیش‌قدمان و مروّجان تعلیم و تربیت جرید است. وی چند دوره

نماینده‌ی شورای ملی بود.

دهفرا، علی‌اکبر (۱۳۳۴ - ۱۲۵۷): دانشمند، لغوی و نویسنده‌ی معروف قرن چهاردهم هجری قمری است. برخی آثار او عبارت است

از: «ترجمه‌ی عظمت و انعطاف رومیان»، «ترجمه‌ی روح‌القوانین»، «تصحیح دیوان منوچهری»، «تصحیح دیوان حافظ»، «امثال و حکم» و

«لغت‌نامه».

دهک: قریه‌ای در نزدیکی زرنگ و بُست در سیستان.

دهلوی، امیرقُسرُو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن هفتم می‌زیست. وی به تقلید نظامی پنج مثنوی سروده است.

دهلوی هم‌پنین از سنایی، فاقانی و سعدی پیروی می‌کرد.

رفعت، تقی: از پیشگامان تنوّل در شعر فارسی است. در تبریز به دنیا آمد و در استانبول به تمهیل پرداخت و به زبان‌های ترکی،

فرانسه و فارسی تسلط داشت.

رُم: مرکز امپراتوری روم قدیم و ایتالیای کنونی.

رامایانا: حماسه‌ی معروف هندوان، سروده‌ی والمیکلی شاعر باستانی هند. این کتاب منظومه‌ای است طولانی به زبان سنسکریت درباره‌ی وقایع و جنگ‌های رام و همسر او سیتة.

رفش: اسب مشهور رستم.

رستم (توهمتن): در لغت به معنی بزرگ تن و قوی اندام. جوان پهلوان ایران از مردم زابلستان که دارای قدرتی فوق‌العاده بود. روزگار سیاه: رمانی از عباس ظلیلی با نثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان. این کتاب الهام‌گرفته از «مادام کاملیا» اثر الکساندر دوما است.

رُها: از پهلوانان ایرانی روزگار، کووس و فرزند کورز، وی از دانایان روزگار فویش بود.

عبید زاکانی، نظام‌الدین عبدالله: شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز قرن هشتم هجری. وی اصلاً از مردم قزوین بود. آثار معروف او عبارتند از: «رساله‌ی دلگشا»، «اخلاق‌الاشراف» و «موش و گربه».

زمشتری (فوت ۵۳۸): جلال‌الله ابوالقاسم مسموم زمشتری استاد تفسیر و حدیث و لغت و علوم بلاغی. اثر معروف وی «الکشاف فی تفسیر القرآن» است.

ژیل بلاس: رمان فرانسوی از آلن رنه لوساز (۱۷۴۷ – ۱۶۶۸) است و نخستین رمان فرانسوی به شمار می‌رود.

سنایی: ابوالمبر مبرود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ششم است. از آثار اوست: «طریق‌التقیق»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ».

سو: قلعه‌ای در متصرفات غزنویان و قلعه‌ای مستحکم بود که مسعود سعد مدّتی در آن مپیوس بود.

سوئد: کشوری در شمال اروپا در شبه جزیره‌ی اسکاندیناوی میان نروژ و دریای بالتیک. پایتخت آن استکهلم است.

سه تفنگدار: رمانی از الکساندر دوما (پدر) که درباره‌ی شرح قهرمانی‌ها و جوان‌مردی‌های سه تن از تفنگداران لویی سیزدهم است.

شهریار (۱۳۶۷ – ۱۲۸۵ تبریز): سید ممدمسین بویمت متخلص به شهریار غزل‌سرای بزرگ معاصر.

شهنواز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور.

شعید بلخی: شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و مکیم قرن چهارم هجری.

صابری، کیومرث: نویسنده و طنزپرداز معاصر که اولین هفته‌نامه‌ی طنز پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با نام «کل آقا» منتشر کرد.

صاحبقرانیّه: کاخ تابستانی ناصرالدین شاه.

صغّارزاده، طاهره (تولد ۱۳۱۵): شاعره نوبپرداز معاصر، وی در سیرجان چشم به جهان گشود. از آثار او «هگلدن مویتاب»، «طنین در دلتا»،

«دیدار صبح» و «بیعت با بیداری» اشاره کرد.

صنعتی‌زاده (۱۳۵۲ – ۱۲۷۳): میرزا عبدالمسین صنعتی‌زاده از نخستین نویسندگان رمان‌های تاریخی در ایران بود.

طالبوف، عبدالرّعیف (۱۳۲۸ - ۱۲۵۰): حاج ملا عبدالرّعیف بن ابوطالب تبار تبریزی سرفابی، نویسنده‌ی ایرانی، از آثار او: «کتاب اعمد»، «مسالك الممسین» و

طرابلس: ناحیه‌ای است در شمال غربی لیبی در ساحل بحر الروم (مدرانه).

عرفی شیرازی: شاعر معروف ایرانی در قرن دهم.

عطار نیشابوری: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم. از آثار او می‌توان به: «تذکره‌الاولیا»، «منطق‌الطیر»، «الهی‌نامه»، «مقتارنامه» و «مصیبت‌نامه» اشاره کرد.

علوی، بزرگ (۱۳۷۶ - ۱۲۸۳ش): داستان‌نویس معاصر، از آثار او می‌توان به «پشم‌هایش»، «چمدان»، «سالاری‌ها» و «ورق‌پاره‌های زندان» اشاره کرد.

عمروبن عبود: از سران قریش و از پهلوانان و دلاوران مخالف اسلام، حضرت علی (ع) در غزوه‌ی خندق با او به رزم پرداخت و او را کشت.

عمرولیث: دومین پادشاه صفاری مقتول به سال ۲۸۹ هـ.ق.

عنتره: عنتره بن شداد از مشهورترین سوارکاران عرب در دوره‌ی جاهلیت و در بین عرب، مشهور به مناعت طبع و پاک سرشتی بود. (دیوان شعری نیز دارد که حضرت رسول اکرم (ص) به اشعار او استشهد می‌کند و می‌فرمود: دلم می‌فواست زنده بود تا او را می‌دیدم. **فانون (فرائنتس)**: نویسنده‌ی معاصر الجزایر از آثار او می‌توان به «دوزخیان روی زمین»، «واپسین دم استعمار» و «انقلاب آفریقا» اشاره کرد.

فتحعلی‌شاه: دومین پادشاه سلسله‌ی قاجار.

فراهی، ابونصر: صاحب کتاب «نصاب‌الصّیّان»، وی در لغت عرب و حدیث مهارت تام داشت.

فرّقی یزدی، ممد ابراهیم (فوت ۱۳۱۸ هـ.ش): از شعرا و آزادی‌فواهان دوره‌ی مشروطه، وی مردی منتقد و بی‌باک بود.

فروغی، ممدعلی (۱۳۲۱-۱۲۵۷ش): ممدعلی فروغی ملقب به ذکاءالملک یکی از چهره‌های بزرگ علم و ادب و حکمت معاصر است. از آثار او می‌توان به «سیر حکمت در اروپا»، «آیین سفنوری»، «تصحیح کلیات سعدی»، «تصحیح دیوان حافظ» و ... اشاره کرد.

قومن: شهری در ۲۷ کیلومتری جنوب غربی رشت.

فیضی دکنی، ابوالفیض (۱۰۰۴ - ۹۵۴): ادیب و شاعر بزرگ هند، وی از بزرگان شعر سبک هندی است.

قائنی: حبیب شیرازی معروف به قاننی شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری.

قائم مقام: ابوالقاسم بن عیسی قائم مقام فراهانی، وزیر عباس میرزا و ممد شاه قاجار. وی در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنایی تفصّل می‌کرد.

قارون: از افراد بنی اسرائیل، معاصر حضرت موسی (ع) و به قولی پسر عموی وی بود. او جاه‌طلب، بفیل، مسود و بسیار ثروتمند بود. موسی او را نفرین کرد و بر اثر نفرین، زمین شکاف برداشت و قارون و ثانه و کنهش را به کام خود فرو برد.

قَیْر: قاجار، طایفه‌ای ترکمان منسوب به قاجار نویان از سرداران مغول.

قَطیف: شهری در بحرین.

کافک: از بخش‌های کناباد.

کاظمی، ممد کاظم (تولد ۱۳۴۶): شاعر معاصر افغانی، مجموعه‌ی شعر او به نام «پیاره آمده بودم» منتشر شده است.

کاهک: از توابع داورزن سبزوار.

کسمایی، شمس (۱۳۴۰ - ۱۳۶۱): وی در یزد زاده شد و از پیشگامان تهر در شعر فارسی به شمار می‌رود.

کشانی = اشکبوس: منسوب به کوشان، سرزمینی در مشرق ایران قریب، شامل شرق ایران، مغرب هندوستان، افغانستان و ترکستان امروزی بوده است.

کمبریج: یکی از شهرهای انگلستان که دانشگاه معروف و قدیمی کمبریج در آن است.

کنفانی (غسان): نویسنده‌ی معاصر عرب. کتاب دیگر او «ادب المقاومة فی فلسطین المقتله» است.

کورش: مؤسس سلسله‌ی هخامنشی، مقتول به سال ۵۲۹ ق. م. او پسر کمبویه از فاندان هخامنشی بود.

کوفه: شهری در جنوب عراق، در نزدیکی نیف.

کیش: از معروف‌ترین جزایر خلیج فارس که بهترین مرواریدها در اطراف آن صید می‌شود.

گلاوفونی: باتلاقی است در پست‌ترین ناحیه‌ی دشت اصفهان که رودخانه‌ی زاینده‌رود در آن می‌ریزد.

گودرز: پهلوان ایرانی که بنا به روایت فردوسی در عهد کیان پس از فاندان سام نیرم فاندان او اهمیت داشته است.

لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۳۶ - ۱۲۶۴ ش): در کرمانشاه به دنیا آمد و در مسکو درگذشت. دیوان وی مجموعه‌ای از قطعه و غزل و

مقداری تصنیف و ترانه است که مجموعاً با زبانی ساره و روان سروده شده است.

مأمون الرشید: هفتمین خلیفه از خلفای عباسی. وی ابتدا امام رضا (ع) را ولیعهد خویش کرد. اما به سبب مبهویت و نفوذ روزافزون آن

حضرت در حکومت، آن امام را به شهادت رساند.

مانین، اثل: بانوی انگلیسی نویسنده‌ی اثر معروف «راه بتر سبع» درباره‌ی فاجعه‌ی فلسطین.

ماوراءالنهر: سرزمینی بوده است در شمال رود سیحون بین دو رود سیحون و جیحون شامل بخارا، سمرقند، خُفند، اشروسنه و ترمز.

مجمع دیوانگان: اثری از میرزا عبدالعسین صنعتی زاده‌ی کرمانی (۱۳۵۲ - ۱۲۷۳) این اثر نخستین اتوپیا (=آرمانشهر)ی ادبیات معاصر است.

مراغه‌ای، زین العابدین (۱۲۹۰ - ۱۲۱۷): نویسنده‌ی کتاب «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیک»، از پیشگامان سارده‌نویسی نثر معاصر.

مراکش: کشوری است در برجستگی شمال‌غربی آفریقا.

مرنج: نام یکی از زندان‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن مبعوس بوده است.

مسالک‌المسئین: اثری است از طالبوف نویسنده و دانشمند ایرانی (۱۳۲۹ - ۱۲۵۰ ه. ق.).

مسجد شیخ لطف‌الله: این بنا در شرق میدان نقش جهان اصفهان و روبه‌روی بنای عالی قاپو واقع شده است و در سال ۱۰۱۰ ه. ق. به امر شاه عباس اول بنا شده است.

مشفق کاظمی: مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ - ۱۲۸۷) نویسنده‌ی نخستین رمان اجتماعی دربارہ‌ی وضع فقرات‌آمیز زنان ایرانی به نام «تهران مفوف» که جلد دوم آن با نام «یادگار شب» منتشر شده است.

مصر: کشوری شامل زمین‌های موضعی سفلی نیل در شمال شرقی آفریقا و نیز شبه جزیره‌ی سینا در شمال دریای احمر.

مَعْرَى (ابوالعلاء): احمد بن عبدالله (فوت ۴۴۹) شاعر و لغوی معروف عرب که به سبب آبله نایبنا شد. از آثار او شرح اشعار متنبی و شرح دیوان بقری را می‌توان نام برد.

مقرونیّه: ناحیه‌ی قدیمی در شمال کشور یونان که تحت اداره‌ی فیلیپ دوم و اسکندر سوم قرار داشت.

ملیک: غلامعلی خان معروف به ملیک و ملقب به عزیزالسلطان و سردار مقرر. برادرزاده‌ی امینه اقدس کربوسی یکی از زنان ناصرالدین شاه.

موسوی گرماردی، سیدعلی (تولد ۱۳۲۰): سید علی موسوی گرماردی متولد گرمارد الموت است. وی از شعرای نوپرداز به شمار می‌رود. کتاب‌های «سرود رگبار»، «عبور» و «در سایه‌سار نفل ولایت» از آثار اوست.

موش‌ها و آدم‌ها: اثری است از جان اشتاین بک نویسنده‌ی آمریکایی (۱۹۶۸ - ۱۹۰۲ م.).

مهاجرات مهاجرات: حماسه‌ی بزرگ هندوان به زبان سانسکریت که شامل ۱۹ کتاب است و تألیف آن را به ویاسا فرزانه‌ی هند نسبت می‌دهند. اما این حماسه در یک زمان و توسط یک شاعر سروده نشده، بلکه قریب صد شاعر آن را طی چند قرن سروده‌اند.

ناپلئون سوم: شارلی لویی ناپلئون بناپارت (۱۸۷۳ - ۱۸۰۸ م.) امپراتور فرانسه پسر لویی بناپارت.

ناصرالدین شاه: پسر محمد شاه قاجار و چهارمین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه. وی نزدیک به نیم قرن سلطنت کرد و سرانجام به دست میرزا رضا کرمانی ترور شد.

ناصر فهدو: حکیم ابو معین ناصر بن فسرو قبادیانی بلخی (۴۸۱ - ۳۹۴ ه. ق.) ملقب به هفت از کلما و متکلمین اسلام و شاعر نامدار ایرانی است.

ناصره: شهری در شمال فلسطین اشغالی، محلّ ولادت حضرت عیسی (ع)، این شهر از زیارتگاه‌های مسیحیان است.

نای: نام یکی از قلعه‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن میبوس بوده است.

نرون: امپراتور ستمگر روم که قدرت را از دست مادر خود در آورد و سپس مادر و همسر خود را کشت. وی شهر رم را به آتش کشید و به ازار مسیحیان پرداخت.

نسیم شمال: روزنامه‌ای که سید اشرف‌الدین کیلانی در دوره‌ی مشروطه منتشر می‌کرد.

نیکسون: یکی از رؤسای جمهوری آمریکا، در دوره‌ی او جنگ ویتنام پس از سال‌های طولانی پایان یافت.

هاروارد: یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دنیا در آمریکا که به اسم بنیان‌گذار آن جان هاروارد (۱۶۳۸ - ۱۶۰۷) روحانی انگلیسی نام‌گذاری شده است.

هدایت، صادق (فوت ۱۳۳۰): داستان‌نویس معاصر، آثار معروف او عبارت‌اند از: «بوف کور»، «سگ و گلد»، «سه قطره خون»، «اصفهان نصف جهان»، «پروین دختر ساسان» و ...

هومر: کهن‌ترین و نامدارترین حماسه‌سرای یونانی، وی در قرن هفتم قبل از میلاد می‌زیست. از آثار او می‌توان به «ایلیاد» و «ادیسه» اشاره کرد.

تاریخ ادبیات سال سوم

جمال الدین ممد عبدالرزاق اصفهانی: از شاعران سردهی ششم است. مشهورترین ترکیب‌بند وی در نعت و ستایش پیامبر است.

هاتمی، علی: (۱۳۷۵ - ۱۳۲۳) از سینماگران و فیلم‌نامه‌نویسان برجسته است. از مهم‌ترین فیلم‌نامه‌های او «هزارستان»، «دل‌شکران»، «سلطان صامبقران»، «مادر»، «کمال‌الملک» و «جهان پهلوان تفتی» می‌باشد.

غفاری، ممد: مشهور به کمال‌الملک (۱۳۱۹ - ۱۳۲۶ ه. ش.) بزرگ‌ترین نقاش قرن اخیر ایران است. از آثار مشهور او «تالار آینه»، «زرگر بغدادی و شاکر(ش)»، «میدان کربلا» و «یعوری خال‌گیر بغدادی» می‌باشد.

ساعری، غلاممسین: (کوه مراد) از داستان‌پردازان و نمایش‌نامه‌نویسان معاصر است. وی به سال ۱۳۱۴ در تبریز و در سال ۱۳۶۴ در فرانسه (رکنش) از آثار او «چوب به دست‌های ورزیل»، «آی با کلاه»، «آی بی‌کلاه» و «عزاداران بیل» می‌باشد.

داستان‌گو او در عزاداران بیل آمده است.

آل احمد، جلال (۱۳۴۸ - ۱۳۰۲): از وی نزدیک به ۴۵ اثر باقی مانده است. آثار وی را به چهار دسته‌ی داستان، سفرنامه، ترجمه و مقالات می‌توان تقسیم کرد. از داستان‌های مشهور او: «مدیر مدرسه»، «نون والقلم»، «زن زیاری» و «پنج داستان» می‌باشد.

بیوقی، ابوالفضل: (۴۷۰ - ۳۸۵ ه. ق.) نگارنده‌ی «تاریخ مسعودی» یا «تاریخ بیوقی» با موضوع سلطنت مسعود غزنوی است.

فرسند، پرویز: نویسنده‌ی کتاب‌های «فون و فورشیر»، «برزنگران (دشت فون)»، «آن‌با که حق پیروز است» و «مرثیه‌ای که ناسروده مانده» می‌باشد. که اغلب آن‌ها در باره‌ی عاشورا است.

سبزواری، حمید: متولد ۱۳۰۴ سبزواری است و مجموعه‌های «سرود در» و «سرود سپیده» اثر اوست. شعر «بانگ جرس» متعلق به این شاعر است و بیانگر پیوند میان انقلاب اسلامی با مبارزات مردم فلسطین است.

قزوه، علی‌رضا: شاعر «باغ نگاه» است که در توصیف جانپنازی است که پشمان فویش را در راه ایمان به خدا تقدیم کرده است.

شکسپیر، ویلیام: (۱۶۱۶ - ۱۵۶۴) شاعر و نمایش‌نامه‌نویس معروف انگلستان و فالح نمایش‌نامه‌های «هملت»، «مکبث»، «اتللو» و «لیرشاه» است. سروده‌های وی به «غزلواره» معروفند.

تولستوی، لئون: در سال ۱۸۲۸ در مسکو به دنیا آمد و پس از ۸۲ سال در همان‌جا چشم از جهان بست. از مهم‌ترین آثار وی «جنگ و صلح»، «آنکارینا» و «ستافیز» می‌باشد.

تانزد، سیلویا: شاعر و رومان‌نویس انگلیسی متولد ۱۹۸۳ می‌باشد. اولین کتاب شعر او با عنوان «چفته» در سال ۱۹۲۵ چاپ شد.

رایندرانات تاگور: (۱۹۴۱ - ۱۸۶۱) شاعر بزرگ هندی است. مجموعه‌ی «ماه نو و مرغان آواره» مربوط به اوست.

اسعد گرگانی، فخرالدین: از شاعران قرن پنجم هجری است. تنها اثر او «منظومه‌ی ویس و رامین» بازمانده‌ی یک داستان کهن ایرانی است.

فاغانی شروانی: شاعر برجسته‌ی قرن ششم ملقب به «سان عجم» در سرودن قصیده شهرت دارد. غزل «آفتاب وفا» اثر اوست که بعدها حافظ تحت تأثیر آن غزل معروف «ای هرده صبا به سبا می‌فرستمت» را سرود.

عطار نیشابوری: از شاعران و عارفان بزرگ قرن ششم و فالح آثاری برجسته چون «منطق الطیر»، «الهی‌نامه»، «مصیبت‌نامه»، «مفتارنامه» به شعر و «تذکره‌الاولیا» به نثر است. «منطق الطیر» یا «مقامات الطیور» داستان پرنرگانی است که به قصد زیارت سیمرخ حرکت و پس از عبور از هفت مرحله «سی‌مرخ» آن‌ها به مقصد می‌رسند.

منشی، نصرالله: نویسنده‌ی کلیله و دمنه است. داستان‌های این کتاب از زبان دو شغال کلیله و دمنه نقل می‌گردد. اصل کتاب هندی بوده و ابن مقفع ترجمه‌ی پهلوی را به عربی و نصرالله منشی آن را به فارسی برگرداند.

قبادیانی، ناصر فسرو: شاعر بزرگ و قصیده‌سرای قرن پنجم است.

جامی، عبدالرحمن: شاعر و نویسنده‌ی بزرگ قرن نهم است. او «بهارستان» را به تقلید از «گلستان» سعدی نوشت. جز دیوان شعر و آثار منظوم، «هفت اورنگ» او که دربرگیرنده‌ی هفت مثنوی است شهرت فراوان دارد.

معلم دامغانی، ممبرعلی: متولد ۱۳۳۰ از شاعران انقلاب است. از او مجموعه شعری به نام «رجعت سرخ ستاره» در سال ۱۳۶۰ به چاپ رسید.

امین‌پور، قیصر: شاعر و نویسنده‌ی معاصر متولد ۱۳۳۸ شوشتر فالح آثاری چون «در کوچه‌ی آفتاب»، «تنفس صبح»، «آینه‌های ناله‌ان»، «ظهر روز هم»، «مثل چشمه، مثل رود»، «به قول پرستو» و «انتظار موعود» می‌باشد.

سلطان هراتی: متولد ۱۳۳۹ در تنکابن است. او در سال ۱۳۶۵ در یک حادثه‌ی رانندگی درگذشت. از وی آثاری چون «از آسمان سبز»، «از این ستاره، تا آن ستاره» و «دری به فانه‌ی فورشید» می‌باشد.

موزنی، علی: متولد ۱۳۳۷ از شاعران انقلاب است. از آثار او: «ملاقات در شب آفتابی»، «نه آبی نه فاک»، «ارتباط ایرانی» و «در انتظار شاعر» می‌توان نام برد.

راکعی، خاطمه: متولد ۱۳۳۳ در زبان از شاعران انقلاب است. آثار او: «سفر سوقتن» و «آواز گل‌سنگ» می‌باشد. وی در اشعارش به عظمت شفصیت امام پرداخته است.

باقری، ساعده: متولد ۱۳۳۹ از شاعران انقلاب است و صاحب آثار: «نبوای جنون» و «شعر امروز» است. سروده‌ی «چشم‌های زمین» نبوای شاعر با خود است.

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که در کتاب «پیامبر» زندگی پیامبر را توصیف می‌کند.

بهمن بیگی، ممبر: متولد ۱۲۹۹ در فارس نویسنده‌ی ایل قشقایی است. او دوران کودکی و نوجوانی خود را در کتاب «بشاری من، ایل من» گرد آورده است.

هاتف اصفهانی، سید احمد: متوفی به سال ۱۱۹۸ هـ. ق. شاعر دوره‌ی افشاریه و زندیه بوده است. در غزل پیرو سعدی و حافظ بوده است. عمره‌ی شهرت او به واسطه‌ی تریع‌بند عرفانی اوست.

رازی، نجم‌الدین: «دایه» (۶۵۴ - ۵۷۰) فالح اثر «مرصادالعباد» از عرفای بزرگ قرن هفتم است. این کتاب را در بیومه‌ی حمله مغول در سال ۶۱۸ نگاشته و در آن به بررسی مهم‌ترین مسائل عرفانی پرداخته است.

وقت سمر

دوش وقتِ سمر از غمّه نیاتم دادند و اندر آن ظلمتِ شب آبِ حیاتم دادند
 بی‌خود از شعشعهای پرتوِ ذاتم کردند باده از جامِ تقلی صفاتم دادند
 چه مبارک سمری بود و چه فرفنده شبی آن شبِ قدر که این تازه براتم دادند
 بعد ازین روی من و آینه‌ی وصفِ جمال که در آن با فبر از جلوه‌ی ذاتم دادند
 من اگر کام‌روا گشتم و فوشدل چه عیب مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند
 هاتف آن روز به من مژده‌ی این دولت داد که بدان جور و وفا صبر و ثباتم دادند
 این همه شهرد و شکر کز سفنم می‌ریزد اجر صبری است کزان شاخِ نیاتم دادند

همت مافظ انفاسِ سمر فیزان بود

که زینر غمِ ایّامِ نیاتم دادند

روز وداع یاران

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله فیزد روز وداع یاران
 هر کلو شرابِ فرقتِ روزی پیشیده باشد داند که سفت باشد قطع امیدواران
 با ساریان بگویند احوال آبِ پشیمم تا بر شتر نیند مامل به روزِ باران
 بگذاشتن ما را در دیده آبِ مسرت کریان چو در قیامت، پشیم کتا هکلاران
 ای صبحِ شب‌نشینان جانم به طاقت آمد از بس که دیر ماندی چون شامِ روزه‌داران
 پذیرین که بر شمردم از مایرای عشقت اندوه دل نگفتم الاّ یک از هنزاران
 سعری به روزگارن مهری نشسته بر دل بیرون نمی‌توان کرد الاّ به روزگارن
 پندرت کنم ملکایت، شرح این قدر کفایت باقی نمی‌توان گفت الاّ به غمگساران

شرابِ روحانی

ساقیا بده جامی زان شرابِ روحانی تا دمی بر آسایم زین عذابِ ظلمانی
 طره‌ی پریشانش دیرم و به دل گفتم این همه پریشانی بر سر پریشانی
 بی‌وفا کنار من، می‌کنر به کار من فترده‌های زیر لب، عشوه‌های پنهانی
 دین و دل به یک دیدن باقیم و فرسندیم در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی؟
 فانهای دل ما را از کرم عمارت کن پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی
 ما سیه کلیمان را جز بلا نمی‌شاید بر دل بویایی نه، هر بلا که بتوان

ملک سلیمان

پیش صاحب نظران ملک سلیمان بار است
آن که گویند که بر آب نهاده‌ست جهان
دل در این پیرزن عشق و مهر میند
فاک بغداد به مرگ فلغا می‌گیرید
بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است
مشنو ای فواجه که تا در نگری بر بار است
کاین عروسی است که در عقربسی داماد است
ورنه این شطّ روان چیست که در بغداد است
مرو از راه که آن فون دل فرهاد است
همچو نرکس بکشا چشم و بین کاندر فاک
فیسمه‌ی اُنس مزین بر در این کهنه رباط
که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است

حاصلی نیست به جز غم ز جهان فواجو را

شاری جان کسی کلو ز جهان آزاد است

واژه نامه

الف

اجابت: پذیرفتن، قبول کردن

افتلاف: رفت و آمد

ازار: ننگ

استفلاص: رهایی بستن، رهایی دادن، رهایییدن

استشاق: چیزی را بوی کردن، بوییدن

اعراض: روی برگرداندن

اعورانه: (قید است) مثل آدم اعور؛ یک چشم

الاح: پافشاری کردن، اصرار کردن

امام: پیشوا، راهنما

امامزاده: بزرگزاده، مشتم

امهال: معطلت دادن

انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا

اوراد: جمع ورد، دعاها

اهمال: فروگذاشتن، سستی کردن در کاری

ایجاز: کوتاه گفتن، سخن کوتاه کردن، بیان مقصود در کوتاهترین لفظ و کمترین عبارت

ایدر: این جا، اکنون

ایما: اشاره کردن، اشاره، کنایه، رمز

ب

بازآفره: مجازات، کیفر

باره: اسب

باسق: بلند

بریع: نو، تازه، دانشی که در آن از صنعت های کلام و زیبایی های الفاظ نظم و نثر بهت شود.

برگستوان: پوششی که جنگاوران فریم به هنگام جنگ می پوشیدند، پوشش اسبان و فیل ها به هنگام جنگ.

پ

پاتابه: (پایتابه)، نواری که به ساق پا پیچند.

پرفاشفر: پرفاشبو، جنگو

پیراستن: زینت دادن، مزین کردن، زینت کردن همراه با کاستن

ت

تاگ: درخت انگور

تتمه: به جای مانده، باقی مانده‌ی چیزی

تقلی: نمودار شدن، هویدا شدن

تغیر: سرکشته شدن، سرگردانی

تقمیر: سرشتن، مایه زدن

تذرو: قرقاول، نام پرنده‌ای

تراژدی: نوعی نوشته یا نمایش نامه که موضوعی غم‌انگیز دارد.

ترسا: نصرانی، مسیحی

تزار: پادشاهان روسیه در گذشته

تضرع: زاری کردن، التماس کردن

تضریب: فتنه‌انگیزی، دو به هم زنی

تغافر: به خود نازیدن، به یکدیگر فخر کردن

تفرس: دریافت چیزی به علامت و نشان، دریافت به فراست

تقریر کردن: بیان کردن، روشن ساختن

تقمیر: گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی

تک: دو

تک: عمق، ژرفا

تل: هر چیزی بر روی هم فرمن کرده باشند، تپه، پشته

تلبیس: نیرنگ، پنهان کردن حقیقت

توزی: منسوب به توز، پارچه‌ی نازک کتانی که نفست در شهر توز می‌یافته‌اند.

توقیع: امضا کردن نامه و فرمان

ت

ثِقَات (ثقه): اعتماد کردن

ج

جَال: دام برای پرندگان، تله

جَبَّة: جامه‌ی کشاور و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند.

جَمَّازَه: (جَمَّاز) شتر تیزرو

جُنْمَه: کناه، بزه

جُنَيْت: برک، جنیت‌کش

جَوْلَاهه: بافنده، نساج، عنکبوت

جَيْب: کربیان، بچه

چ

چَارِق: کفش چرمی

چَاووش در داد: بانگ زده، جار زده، نداد در داد.

چَنْبَر: مصیط دایره، حلقه، قید، کرفتاری

ح

حَبْرِي رنگ: کبود رنگ، حبر: مرکب

حَبَّة: دانه

حَقَّة: ظرف کوچکی که در آن جواهر یا اشیای دیگر گزارند، قوطی

حَلِيه: زیور، زینت

حَمِيَّت: مردانگی، غیرت

خ

خَاژن: خزانه‌دار، نگهبان خزانه، خرفته

خَايِب: ناامید، بی‌بوره

خَبِط: بی‌راه رفتن، کث رفتن

خَطُوات: کام‌ها، قدم‌ها، جمع خُطوه

خَلْعَت: جامه‌ی دوخته که بزرگی به کسی بفسد.

فَلَقَ گونه: کهنه، ژنده، پوشیده

قلیبه: زخمی، زخم‌شده

فیلثاش: گروه نوکران و چاکران

>

دُرَاعَه: جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جُبّه، بالاپوش

دریغ: مضایقه، بی‌دریغ: بی‌مضایقه

دگنگ: چماق، گرز بزرگ

دَلَاگ: موی تراش، سلمانی، کسی که در مقام مردم را کیسه کشد.

دَوَال: پریم و پوست، یک دوال: یعنی یک لایه، یک پاره

دَها: زیرکی، هوشمندی

دیره: مملی که راهبان در آن عبادت کنند، صومعه

,

راغ: صبرا، بیابان

راهب: عابد مسیحی، ترسای پارسا و گوشه‌نشین

راهوار: تندرو، فراخ‌گام، فوش‌راه

رای زدن: مشاوره، با کسی در کاری مشورت کردن

رای زن: مشاور، کسی که در کاری با وی مشورت کنند.

ریاط: کاروان‌سرا

رب النوع: پروردگار نوع در نظر مشرکان مثلاً فدای آتش، فدای درختان

ربیع: بچار

رهیل: کوچ، کوچیدن

ردا: جامه‌ای که روی جامه‌ی دیگر پوشند

رَز: سَمّ مهلک

رغم: به خاک آوردن بینی، فلاخ میل کسی عمل کردن، بر فلاخ میل، کراهت

رند: زیرک، هیله‌گر، لالابالی، آن که ظاهر خود را در ملامت دارد و باطنش سالم باشد.



موسسه ایران دانش نوین

رویای خودت شو...



@IranDaneshNovin



@Iran_Danesh_Novin

برای دانلود بقیه ی جزوات با کلیک روی لینک های زیر به سایت
یا کانال های ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

www.IDNovin.com

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

http://sapp.ir/iran_danesh_novin

رواق: ایوانی که در طبقه دوم ساخته شود. سایبان، پیشگاه‌خانه

روضه: باغ، گلزار (روضه‌ی رضوان: بهشت)

ز

زحارت: بردویی، بدقلقی، تند مزاجی

زُتار: کمربندی که زرتشتیان یا مسیحیان بر کمر می‌بستند تا از مسلمانان شناخته شوند.

ژ

ژاژ: بوته‌ی گیاهی به غایت بی‌مزه و هر چند شتر آن را بیود نرم نمی‌شود. ژاژ فاییدن کنایه از کار بی‌هوده کردن است.

ژکیدن: آهسته سفن‌گفتن در زیر لب از روی فشم و غضب، غرولند کردن

س

ساج: درختی که چوب آن بسیار مرغوب است.

سبایا: جمع سبیه یعنی فلق و فوی و عادت نیک

سدره: نام درختی است در بالای آسمان هفتم که آن را سدره‌الممنه‌ی کوبند.

سر: رئیس

سَطوت: شصت، معايت، غلبه، وقار

سُفت: دوش، کتف

سُقلمه: ضربه با گوشه‌ی مشت، آرنج یا مشت دست که معمولاً برای هشدار دادن زده می‌شود.

سِلک: رشته، نخ

سیال: بسیار روان

ش

شاهر: زیباروی، محبوب، معشوق

شرارت: بدی کردن، بدخواهی، فتنه‌انگیزی

شِراع: سایه‌بان، شیمه

شعشه: پرآکنده شدن، روشنایی

شقیقه: قسمت فوقانی فارسی استخوان سر، گیج‌گاه

شمایل: صورت، چهره

شیشک: کوسفند یک ساله

شیلینگ: پول انگلیسی معادل $\frac{1}{3}$ لیره ی استرلینگ

ص

صفوت: برگزیده و فالص از هر چیز

صیانن: نگهداری

ض

ضیعت: زمین زراعتی

ط

طاسک: طاس کوچک، آویز طلا و نقره ی زینتی

طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن

ع

عاکف: کسانی که در مدتی معین در مسیر بمانند و به عبادت پردازند.

عتاب: ششم گرفتن، غضب، ملامت

عُماره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند.

عقد: کردن بند

عَلَق: فون بسیار سرخ، فون غلیظ

علیل: بیمار، رنهور

عود: درختی است که از سوزاندن چوب آن بوی فوشی پرکننده می شود.

غ

غازه: لککونه، سرشاب

ف

فایق: برگزیده، برتر

فتراک: تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب آویزند، ترک بند

فتوت: جوانمردی، مردانگی

فراش: فرش گستر، گسترده ی فرش

فَرَض: واجب گردانیدن، تعیین کردن

فَرَقَت: جدایی، دوری

فَرَقَران: (دو فَرَقَر) دو ستاره‌ی راهنما در صورت فلکی دب اکبر در نزدیکی قطب شمال

فَر: شکوه

فَرّه‌ی: شکوه، شأن و شوکت و دارای فر بودن

فُشار: سفن بیپرده

ق

قاش: قاج، بر بستگی جلو زمین اسب که از چوب، شاخ یا فلز سازند. کوهه‌ی زمین، قَبه‌ی پیش‌زمین

قاصدک: کل قاصد

قَبضه: یک مشت از هر چیز

قَبّه: عمارت کتبی‌شکل

قَدوم: آمدن، قدم نهادن

قُربت: نزدیکی

قَلیه: نوعی خوراک از گوشت، در متن در س مقصود از «قلیه‌ی علوا» نوعی علوا با روغن و آرد است.

قیه: بیخ، قیه کشیدن: بیخ کشیدن به هنگام جشن

ک

کاینات: جمع کاینه، موجودات جهان

کثان: گیاهی است که از ساقه‌های ایاف آن در نساجی استفاده می‌کنند.

کرامت: کرم، بفشش

کَرَنَد: آسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد.

کَثَیْم: کثرختار، بدرختار

کسوت: لباس

کَش: بغل، آغوش

کَش: فوش، فرم

کَهَر: رنگ سرخ مایل به تیرگی (مفصوص اسب و استر)، در این‌جا مطلق اسب مراد است.

گ

گبر: هفتان، لباس جنگی

گرازان: جلوه‌کنان و با ناز راه رفتن

گره‌گوری: کنایه از افراد بدبخت و سیاه‌بخت (کور و کپل، لاغر و سیاه)

گنز: (تیرگنز): نوعی درخت

گشن: انبوه، پُرشاخ و برگ

ل

لابه: اظهار نیاز، تضرع، التماس

لت: سیلی، لت زدن: سیلی زدن، فرشته به کسی وارد کردن

لممه: مدتی اندک چون چشم به هم زدن

م

مال‌بند: قطعه چوبی دراز که در جلو درشکه و ارابه نصب کنند و اسب‌ها را به دو طرف آن بندند.

مالیده: در مورد دستار ظاهراً به معنای فوب و مرغوب است. در مورد موی سر ظاهراً یعنی مرتب شده و در عبارت نیک بمالید یعنی

کوشمال دارد.

مباهات: فخر کردن، نازیدن

مُتصنِف: شکارگاه

مُتقارِب: نزدیک شونده، همگرا

مُتقاعد کنند: بقبولانند، مجاب کنند

متمادری: مدت‌دارنده، طولانی، دراز

متواتر: پی‌درپی

مبلس گفتن: مبالس و عظ و پند که مشایخ صوفیه برکنار می‌کردند.

مبمِر: آتش‌دان

مُفاق: پوشیده‌شده، اطافه شده، حالت ماه در سه شب آخر ماه قمری که از زمین دیده نمی‌شود.

مماورات: جمع معاوره، گفت‌وگوها

ممتشم: دارنده‌ی شکوه و شمت

مَمْل: کجاوه که بر شتر بندند

مِثْقَه: گردن بند، قلاده

مَدْعَى: اِزْعاکننده، فواهان

مِراوده: دوستی، رفت و آمد

مزید: افزونی، زیادی

مسالمت: آشتی کردن با یکدیگر، فوش رفتاری

مستغرق: غرق شده

مستلزم: لازم دارنده

مشهون: پر شده، انباشته، مملو

مشیف: جای ضیافت، موعمان خانه

مشیق: تنگنا، کمر سفت و دشوار

مطاع: کسی که دیگری فرمان او را می برد، اطاعت شده

مطاوعه: اطاعت، فرمان برداری

مطلق: رها شده، آزاد

معارضه: ستیزه کردن

مُغ: موید زردشتی، زردشتی

مَغاک: جای فروخته و کود، کودال

مفَرَح: شادی بخش، فرح انگیز

مفقر: آن چه بران فخر کنند

مقیع: کسی که در جایی مسکن گرفته، اقامت کننده

مَلَنگ: مست، بی خود و بی هوش

مُمر: مردکننده، یاری رساننده

مُنکَر: زشت

مواجب: (جمع موبج) وظایف و اعمالی که انجام آن بر شخص واجب است.

مواهب: بخشش ها، جمع موهبت

موزّت: دوستی گرفتن، دوستی، مثبت

موزه‌ی میکانیکی: نوعی کفش

موقّر: باوقار، بزرگوار

موهبت: بخشش

مهر: گهواره

مُعَمَّل: کلام بی‌معنی و بی‌پوره

ن

ناو: قایقی کوچک که از درختی میان‌تهی سازند.

نزه: باصفا، فوش آب‌وهوا

نشتر: بیشتر، چاقوی فلزی نوک‌تیز، تیغ چرّاسی

نفقّه: انفاق و بخشش، آنچه صرف هزینه‌ی زن و فرزند شود.

نمط: روش، طریقه

نوش: شکر و شیرینی، گاه‌نوش به تنهایی به معنی «گوارا باد» است.

نوفت: پناهگاه

و

واصف: وصف‌کننده، ستاینده

وقیعت: سرزنش، بدگویی

ه

هزار: بلبل، عنده‌لب

هزاهز: آشوب فته‌ای که مردم را به جنبش درآورد.

هماورد: هر یک از دو کس که با یکدیگر جنگ کنند، حریف، رقیب

همیان: کیسه‌ی پول

ی

یال: کردن، موی کردن اسب و استر

اعلام

آتاتورک: پدر ترک، لقب مصطفی کمال پاشا (۱۹۳۸ - ۱۸۷۸ م.) بنیان‌گذار و رهبر جمهوری ترکیه.

آتن: بزرگ‌ترین شهر یونان قدیم و پایتخت آن، امروزه نیز این شهر پایتخت کشور یونان است.

آغایی قادم: خادم خاص سلطان مسعود غزنوی

آل احمد، جلال: نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۲ در خانواده‌ی رومانی متولد شد و پس از سال‌ها مبارزه‌ی سیاسی و فرهنگی در

سال ۱۳۴۸ در اسلام کیلان درگذشت. از آثار او «نون والقلم»، «غرب‌زدگی»، «مدیر مدرسه»، «ارزیابی شتاب‌زده» و

آلمان: منطقه‌ی وسیعی در اروپای مرکزی، این کشور در جنگ جهانی دوم به دو کشور آلمان شرقی و آلمان غربی تقسیم شد.

آموی: نام قدیمی رود بیخون که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد. این رود سابقاً به دریای خزر می‌ریخته است ولی امروز

مصب آن دریاچه‌ی آرال است.

آتا کارنیتا: نام یکی از رمان‌های لئون تولستوی نویسنده‌ی بزرگ روس

آن‌ها که حق پیروز است: کتابی است از پرویز فرسند که درباره‌ی وقایع عاشورا نگاشته شده است.

آواز گل‌سنگ: مجموعه شعر فاطمه راعی شاعر معاصر

ابوبکر وراق: عارف بزرگ ایرانی در قرن سوم. زادگاهش ترمز و معاصر احمد فضریه است.

ابوالحسن بولانی: قاضی بَست در عصر سلطان مسعود غزنوی

ابوعلی دقاق: فقیه و عارف قرن چهارم و پنجم، وی اهل نیشابور بود و ابوالقاسم قشیری از مریدان اوست.

ابوالعلای طبیب: پزشک مخصوص سلطان مسعود غزنوی

ابوالقاسم قشیری: ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک از بزرگان صوفیه در قرن چهارم، کتاب «رساله‌ی قشیری» از آثار

اوست.

أهر: کوهی است در میاز که یکی از جنگ‌های پیامبر در نزدیک آن روی داده است.

احمد شاه: پسر ممتد علی شاه و آفرین شاه قاجار، وی در دوازده سالگی بعد از قلع ممتد علی شاه به سلطنت رسید.

افلاق الأشراف: کتابی است نوشته‌ی عبید زاکانی شاعر و طنزپرداز قرن هشتم. این کتاب نمونه‌ای از طنز وی است.

ارتباط ایرانی: رمانی از علی مؤذنی نویسنده‌ی معاصر

از آسمان سبز: مجموعه‌ی شعری از سلمان هراتی شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی

از این ستاره تا آن ستاره: مجموعه شعری از سلمان هراتی برای نوجوانان

اژدهای هفت سر: نام کتابی از دکتر ابراهیم باستانی پاریزی است که به تبیین راه ابریشم در طول تاریخ می‌پردازد.

اسرار التوفیر: کتابی است تألیف ممد بن منور، در شرح حال ابوسعید ابوالفیر. ممد بن منور یکی از نوادگان ابو سعید است.

اسفندیار: پهلوان رویین تن پسر کشتاسب، که سرانجام به دست رستم کشته شد.

اسکندر: اسکندر مقدونی پسر فیلیپ در ۲۰ سالگی جانشین پدرش شد. وی در سال ۳۳۴ ق. م. به عزم تسفیر ایران حرکت کرد. پس از جنگ‌ها و فتوحات زیاد از جمله شهرهای ایران در ۳۲ سالگی در بابل درگذشت.

اسلامی نروشن، ممدعلی: نویسنده‌ای معاصر، صاحب آثاری چون: «صفیر سیمرغ»، «روزها»، «جام جهان‌نما» و ...

اشکبوس: یکی از پهلوانان تورانی که به دست رستم کشته می‌شود.

اصفغانی، عبدالرزاق: سید احمد هاتف اصفغانی شاعر معروف قرن دوازدهم، وی به فاطر ترغیب‌بند عرفانی خود شهرت فراوانی کسب کرده است.

افغانی، علی ممد: رمان‌نویس معاصر، صاحب رمان‌هایی چون: «شهر آهوان»، «شادکامان دره‌ی قره‌سو»، «شلم میوه‌ی بوخته» و پوته‌زار»

اقتصاد عصر صفوی: کتابی است از نویسنده‌ی معاصر باستانی پاریزی

آکوان دیو: نام دیوی که رستم را به دریا افکند و بعد به دست رستم کشته شد.

امیرعلی، قریب: از بزرگان عصر سلطان محمود که در به تفت نشانیدن مسعود سوم بزرگی داشت و به وسیله مسعود اموال او ضبط و خود گرفتار شد.

امیر فیر، میثاق: داستان‌نویس معاصر، «فیر اسلام»، «دو قدم تا قاف»، «انسان میوه‌ی نفل» و «اشراق» از آثار اوست.

امین‌پور، قیصر: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «در کوچه‌ی آفتاب»، «تنفس صبح» و «آینه‌های ناکوان» از آثار اوست.

آنس بن هارث: یکی از یاران امام حسین (ع) که در ظهر عاشورا به شهادت رسید.

انصاری، فواجه عبدالله: پیر هرات (۴۸۱ - ۳۹۶ ه. ق.) دانشمند و عارف بزرگ که از آثار او می‌توان به «مناجات‌نامه»، «نصایح»، «کنز السائلین» و «القی‌نامه» اشاره کرد.

اورمزد: خدای بزرگ ایرانیان باستان و زرتشتیان

ایتالیا: کشوری در جنوب اروپا که پایتخت آن رم است.

ایوبی، صلاح‌الدین: قهرمان مسلمان و کرد جنگ‌های صلیبی (۵۸۹ - ۵۳۲ هجری)

باستانی پاریزی، ممد ابراهیم: نویسنده‌ی معاصر، «هشل‌هفت»، «فاتون هفت قلعه»، «وادی هفت وار» و «از پاریز تا پاریس» از آثار اوست.

بهرین: کشوری در خلیج فارس، این کشور عربی سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

باقری، ساعر: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعر «نبوای جنون» از آثار اوست.

بهرین: کشوری در فلیج فارس، این کشور عربی سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

بفاری من ایل من: نام کتاب ممد بومن یکی نویسنده‌ی معاصر

بدر: پاهی است در نزدیکی مدینه که جنگ بدر در سال دوم هجری بین مسلمانان و کفار در این منطقه رخ داد.

بروکسل: پایتخت کشور بلژیک

بلژیک: کشوری اروپایی که با هلند، آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ مرز مشترک دارد.

بونصر مشکان: دبیر رسایل دربار محمود و مسعود غزنوی است که تا پایان عمر بر این سمت می‌ماند. وی استاد و مقتدای بیهقی است

و بیهقی همه جای تاریخ خود از او به نیکی و بزرگی یاد کرده است.

بوسهل زوزنی: از مشاوران مسعود غزنوی است که یک چند پوشیده‌وزیری می‌کند و نتیجه‌ی هر یک از ذفالت‌های ناروای او در مسایل

مملکتی به فایده‌ای می‌انجامد. وی مدّت کوتاهی پس از مرگ بونصر مشکان سرپرستی دیوان رسایل را بر عهده دارد.

بومن: نام پسر اسفندیار که انتقام فون پدر را از خانواده‌ی رسم گرفت.

بومن بیگی، ممد: نویسنده‌ی کتاب «ایل من بفاری من»، معاصر.

پاریز: یکی از روستاهای استان کرمان

پاریس: پایتخت کشور فرانسه

پاشایی: ع: مترجم و نویسنده‌ی معاصر، از ترجمه‌های او می‌توان به «زن پیست؟» و «ماه نو و مرغان آواره» اشاره کرد.

پانتئون: در یونان و روم معبد فدرایان را پانتئون می‌گفتند. بنایی که اکنون در پاریس به این نام خوانده می‌شود در سال ۱۷۶۴ به منظور

کلیسای ریزی شد ولی بعدها محل دفن بزرگ‌مردان فرانسه شد.

پشوتن: نام پسر گشتاسب، طبق روایت زرتشتیان وی به دست زرتشت فناپذیر شد.

تاریخ بلعمی: کتابی است تألیف ابو علی بلعمی در قرن چهارم، این کتاب اقتباسی است از تاریخ طبری، به همین سبب به ترجمه‌ی

تاریخ طبری مشهور شده است.

تاریخ جهان‌گشای جوینی: کتابی است تاریخی - ادبی تألیف عظامک جوینی (۶۲۳ - ۶۸۱ هـ). در این کتاب عمده‌ی تاریخی مغولان به

ایران تشریح شده است.

تاگور، رابیند رانات تاگور: شاعر بزرگ هندی (۱۸۶۱-۱۹۴۱ م). وی به افز جایزه‌ی نوبل نایل آمد.

تفّه‌الامراء: یکی از مثنوی‌های هفت اورنگ عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده‌ی قرن نهم تفت جمشید: مملی است واقع در مرودشت فارس، ساقتمان آن در زمان داریوش اول آغاز شد، از آثار مهم تفت جمشید ارگ یا قلعه‌ای است که اسکندر آن را آتش زد.

تفتی، غلامرضا: کشتی‌گیر بزرگ معاصر که به او لقب جهان‌پهلوان داده‌اند.

تزار: نام عمومی پادشاهان تزاری روسیه

تدین: وی از ناطقان زبردست حزب دمکرات بود. در دوره‌های چهارم و پنجم به نمایندگی مجلس انتخاب شد و به ریاست مجلس رسید.

تذکره‌الاولیا: کتابی است تألیف شیخ فریدالدین عطار در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف.

تذکره‌ی دولتشاه سمرقندی: شرح حال شعرا از رودکی تا قرن نهم، مؤلف آن دولتشاه سمرقندی است. وی این کتاب را در سال ۱۹۶ هجری به پایان رسانده است.

تیبیر: رودخانه‌ای در ایتالیا

جامی، عبدالرحمن: شاعر و نویسنده‌ی معروف ایرانی (۱۸۹۱-۱۸۱۷) آثار منظوم او عبارت‌اند از: «هفت اورنگ» به تقلید فمسه‌ی نظامی با نام: «سلسله‌الزهب»، «سلامان و ابسال»، «تفّه‌الامراء»، «سبمة‌الابرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مینون» و «فردنامه‌ی اسکندری». بعضی از آثار نثر او عبارت‌اند از: «نقدالنصوص»، «نغمات‌الانس»، «لوايح و لوامع».

جبریل (جبرئیل): یکی از چهار فرشته‌ی مقرب خداوند. جبرئیل حامل وحی برای پیامبر است.

جبل‌الطریق: تنگه‌ای است بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند.

چنگ و صلح: رمانی است از لئون تولستوی که در سال‌های ۱۸۶۹-۱۸۶۴ م. به رشته‌ی تحریر درآورده است. در این کتاب اوضاع اجتماعی روسیه در هنگام لشکرکشی ناپلئون بران کشور تشریح شده است.

چُنید بغدادی: ابوالقاسم بن ممد بن جنید عارف معروف و عالم دینی (۲۹۷ هـ. ق) وی از نخستین کسانی است که درباره‌ی علم تومیر در بغداد سخن گفته است.

چولان: منطقه‌ای کوهستانی بین اردن و سوریه که غالباً نیروهای صهیونیستی به آن‌جا حمله می‌کنند.

چیمون: رودی است که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به دریای آرال می‌ریزد.

چارلز دیکنز: داستان‌نویس مشهور انگلیسی (۱۸۷۰-۱۸۱۲ م.) از آثار او می‌توان به رمان‌های «دیوید کاپرفیلد»، «آرزوهای بزرگ» و «داستان دو شعر» اشاره کرد.

حاتمی، علی: فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی

مسنگ وزیر؛ خوش‌نام‌ترین و محبوب‌ترین وزیر مَمُود غزنوی است که پس از مغضوب شدن میمنری به این سمت برگزیده می‌شود. اما چون در جریان سلطنت مسعود غزنوی با او هم‌داستان نیست و برادرش مَمُود را تریج می‌دهد از طرف دارگاه مسعود به سعایت بوسعل‌زوزنی به اعدام محکوم می‌شود. داستان اعدام مسنگ شورانگیزترین بخش تاریخ ییوقی است.

حسینی، سیدحسن؛ شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «هم‌صدا با خلق اسماعیل» و «کنشک و جبرئیل» از آثار اوست.

حماسه‌ی کویر؛ از آثار نویسنده‌ی معاصر مَمُود ابراهیم باستانی پاریزی

فاتون هفت قلعه؛ از آثار نویسنده‌ی معاصر مَمُود ابراهیم باستانی پاریزی

فاغانی؛ افضل‌الدین بدیل فاغانی ملقب به مسان‌العجم (۵۸۲-۵۲۰ هـ). شاعر قصیده‌سرای قرن ششم هجری، وی در قوت اندیشه معارف او در ترکیب الفاظ بی‌نظیر است.

فریبه؛ ام‌المومنین، دختر فولدین اسد بن عبدالعزیز نَفَسْتین زن حضرت رسول اکرم، وی در سال سوم هجری از دنیا رفت.

فرسند، پرویز؛ نویسنده‌ی معاصر، «آن‌جا که حق پیروز است» از آثار اوست.

فواجوی کرمانی؛ شاعر معاصر حافظ (۷۵۳-۶۸۹ هـ). وی پس از کسب علم و فضایل به سفر پرداخت. شمه‌ای به سبک نظامی پرداخته است شامل «همای و همایون»، «گل و نروز»، «روضه‌الانوار»، «کمال‌نامه» و «کوه‌نامه». فواجوی غزلیات شیوایی دارد.

فواجه احمد؛ احمد سن میمنری وزیر مَمُود و مسعود غزنوی. وی مدتی مغضوب سلطان مَمُود واقع شد و به جای او مسنگ به وزارت برگزیده شد. اما در زمان مسعود با اکرام و اعزاز به وزارت رسید و تا لظه‌ی مرگ در این سمت باقی ماند.

داستایوسکی؛ رمان‌نویس روسی، از آثا او می‌توان به «برادران گل‌امازف»، «ابله»، «فانه‌ی اموات» و «دهکده‌ی استپانکوف» اشاره کرد.

در انتظار شاعر؛ کتابی است شامل دو داستان کوتاه از نویسنده‌ی معاصر علی مؤذنی

داوود؛ پیامبر قوم اسرائیل، او شاعر بود و از خود کتاب «مزامیر» را به‌جای گذاشته است که به «زبور» معروف است.

دیرباسبین؛ روستایی در فلسطین که رژیم اشغالگر قمرس مردم آن‌جا و روستای کفر قاسم را قتل‌عام کرد.

دیو سفید؛ دیوی که موبش سفید بود. در لشکرکشی کی‌کاووس به مازندران کی‌کاووس را به جادویی نابینا و در بند کرد. رستم پس از آگاهی از

این موضوع پس از گذر از شش‌شان دیو سفید را کشت و جگرش را درید و از آن برای بینایی کی‌کاووس و سران سپاه ایران استفاده کرد.

راغی، فاطمه؛ شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی، کتاب‌های «سفر سوختن» و «آواز کلسنگ» از آثار اوست.

رستم؛ پهلوان ایرانی پسر زال و رودابه که زادن او چون زندگی‌اش پر از شگفتی بود. تمام عمر پرمایه‌ی او به پهلوانی گذشت و در

تنگناها به کمک شاهان و شاهزادگان ایرانی می‌شتافت. کی‌کاووس را دو بار نجات داد. از شش‌شان گذشت با دیو سپید جنگید. بیژن را از پناه

نجات داد. کین سیاوش را گرفت و با اسفندیار جنگید. و سرانجام به دسیسه‌ی برادرش شغاد کشته شد.

رضافان: سرسلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۴) از نظامیان بود و پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فرمانبردار کلّ قوا شد و در سال ۱۳۰۴ بر تخت سلطنت نشست و در ۲۵ شهریور هنگامی که ایران در اشغال متفقین بود از سلطنت کناره‌گیری کرد.

۴: پایتخت کشور باستانی ایتالیا که هزار سال پایتخت امپراتوری روم بود. این کشور بناها و کاخ‌ها و موزه‌های قدیمی بسیاری دارد. **روسیه:** نامی که سابقاً به امپراتوری وسیع تزار اطلاق می‌شد. کشوری وسیع (بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر) پایتخت آن شهر مسکو است. اکثر مردم این کشور از نژادهای اسلاو هستند پس از انقلاب کبیر روسیه در سال ۱۹۱۷ حکومت تزارها پایان رفت. **روضه‌ی فلر:** کتابی است به تقلید از گلستان سعری و بر همان شیوه که میرفخاوی آن را در سال ۷۳۲ نوشت و در سال ۷۳۳ در آن تفسیر نظر کرد. میرفخاوی از ادیبان قرن هشتم بود که در نظم و نثر استاری کامل داشت.

رو ۴ ← م

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که با قلم شیوا و هنرمندانه‌ی خود آثاری چند در زمینه‌ی داستان و شرح حال آفریده است از جمله *زنگی حضرت رسول اکرم* با نام «پیامبر» که از بهترین آثار او به شمار می‌آید. **زابل:** شهرهای متعددی در ساحل هیرمند بوده است که مهر فیزش عماسه‌های باستانی ایران و فاستگاه آینه‌ی موعود زرتشتیان است که از دریاچه‌ی هامون ظهور می‌کند. شهر فعلی زابل از شهرهای افیر استان سیستان و بلوچستان است. این شهر در جنوب زاهدان واقع است. این شهر در مرز افغانستان است، نام قدیم آن نیمروز بوده است. مردم آن به گویش زابلی تکلم می‌کنند. **زابلستان:** ایالت زابل که در جنوب بلخ و مغرب فراسان و سیستان و شمال بلوچستان واقع بوده و مرکز آن شهر غزنین بود. این شهر در صدر اسلام هنگام خلافت عثمان بن عفان فتح شد.

زاکانی، عبید: نظام‌الدین عبدالله مشهور به عبید زاکانی اهل زاکان قزوین بود. وی از بزرگ‌ترین طنزپردازان ایران و از شاعران قرن هشتم است. بعضی از آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ی دلگشا»، «افلاق‌الاشراف» و «موش و کربه».

زال: پسر سام و پدر رستم، جوان پهلوان ایرانی که پس از تولد به علت سفیدی مو از سوی پدر طرد شد و به کوه البرز برده شد. وی را سیمرغ پرورد و چون جوانی برومند شد پدر با خواهی که دید او را از کوه برگرفت. وی عاشق رودابه دختر شاه کابلستان شد و با او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج رستم جوان پهلوان ایرانی شد.

زرتشت: پیامبر ایرانی که در آذربایجان یا ری متولد شد. وی معاصر گشتاسب پادشاه ایرانی بود گشتاسب دین او را پذیرفت و مروج آن شد. اوستا کتاب دینی او بود که شامل سروده‌های (کالت‌ها) است وی در حمله‌ی دوم اریاسب به دست یک تورانی کشته شد.

زرین‌کوب عبدالعسین: متفق و نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۱ در بروجرد متولد شد. وی قلمی روان، شیوا و رسا دارد. از آثار او

می‌توان به کتاب‌های «با کاروان غله»، «بصر در کوزه»، «نقد ادبی»، «بامدار اسلام»، «جستجو در تصوف»، «از پیزهای دیکر»، «نه شرقی نه غربی، انسانی»، «سرتنی»، «پله‌پله تا ملاقات خدا» و ... را اشاره کرد.

زواره: پسر زال و برادر رستم و از پهلوانان کیفیسرو بود که در تمامی جنگ‌ها یاور رستم و کارکنار وی بود.

ساعری، غلاممسین: مشهور به کوهر مراد (۱۳۶۴-۱۳۱۴) در تبریز به دنیا آمد. تفصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد. در تهران ادامه‌ی تفصیل داد و روان‌پزشک شد. وی نویسنده‌ی پرکار بود و آثار زیادی را در زمینه‌ی نمایش و داستان از خود بر جای گذاشت چون: «چوب به دست‌های ورزیل»، «آی باکلاه»، «آی بی‌کلاه»، «عزاداران بیل» و «کور و کهوره»، «کاو»، «توپ»، «ترس‌ولرز» و ... سامانیان: فاندانی ایرانی که بر بخشی از خراسان و ماوراءالنهر از سال ۲۶۱ تا ۳۸۹ حکومت داشتند. نوح، منصور، احمد و یحیی از فرزندان اسد بودند و او فرزند سامان خدات سرسلسله‌ی این فاندان بود که ایشان سالیانی دراز موزه‌ی این دولت را گسترش دادند. هنر و ادبیات و سایر علوم در این عصر در اوج تعالی خود بود.

سامری: نام مردی از قوم موسی (بنی اسرائیل) که آنان را فریفت و به پرستش کوساله‌ی زرین واداشت. وی هنگام غیبت موسی از فرصت استفاده کرد و مردم را با عیله و نیرنگ به کوساله‌پرستی واداشت.

سبزواری، حمیر: حسین ممتفی متفلس به حمیر سبزواری در سال ۱۳۰۴ در سبزوار زاده شد برخی از اشعار وی مربوط به قبل از انقلاب و بخش عمده‌ی آن مربوط به پس از انقلاب است. از مجموعه‌هایی که تاکنون چاپ کرده، می‌توان به «سرود سپید» و «سرود درد» اشاره کرد.

سروانتس: میکیل سروانتس (۱۶۱۶-۱۵۴۷) نویسنده‌ی مشهور اسپانیایی که مشهورترین اثر او «دُن کیشوت» نام دارد. این اثر به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. سروانتس زندگی پرفرازونشیبی داشت.

سلجوقیان: فاندانی ترک که از سال ۴۲۹ تا ۷۰۰ بر بخش عظیمی از آسیای غربی حکومت کردند. سلجوقیان در نقاط مختلف شعبی داشتند چون شام، عراق و کردستان، روم و کرمان. در این عهد ادبیات رو به کمال رفت و شاعران بزرگی پدید آمدند.

سلطان محمود: ملقب به یمین‌الدوله (۴۲۱-۳۸۷) فرزند ارشد سبکتگین از مقتدرترین شاهان غزنوی است. وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید، ۳۳ سال حکومت کرد.

سلطان مسعود: فرزند سلطان محمود (۵۰۹-۴۵۲) پادشاهی کریم و دادگستر بود در سال ۴۹۳ به سلطنت رسید. دوره‌ی حکومت وی آرامشی نسبی برقرار بود.

سنایی غزنوی؛ شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و صامب مثنوی بزرگ «مریقہ الفیقہ» است. از آثار دیگر وی به «طریق التمیق»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه‌ی بلخ» می‌توان اشاره کرد.

سندبادنامه؛ از کتاب‌های داستان قدیم بود که موضوع آن را از موضوعات کتاب سندباد حکیم هند می‌دانسته‌اند. این کتاب ابتدا به دستور نوح بن منصور به فارسی در ترجمه شد. ظهیری سمرقندی ترجمه‌ای دیگر از این کتاب کرد و ازرقی شاعر نیز آن را به نظم درآورد.

سیاست‌نامه؛ یا سبیرالملوک کتابی است به فارسی اثر نظام‌الملک وزیر مشهور سلجوقیان که در پناه فصل کرد آمده است. این کتاب حاصل تجربیات چندین ساله این وزیر دانشمند است.

سیستان؛ یا سکستان نام قریم آن زرنگ بود. این سرزمین در گذشته بسیار آباد بوده و انبارکنده ایران به شمار می‌رفته اما اکنون سطح کاشت کم شده است. مرکز سیستان شهر زابل است.

سیمرخ «عنقا» پرنده‌ای افسانه‌ای که برکوه البرز جا و مکان دارد. وی پرورنده‌ی زال جهان پهلوان و پدر رستم است. سیمرخ همواره حامی فاندان زال بود. این پرنده‌ی افسانه‌ای جز در اسطوره‌های حماسی، در عرفان و ادب و هنر، نیز به گونه‌های مختلف وارد شده است.

شارلمان؛ شارل اوّل (۸۱۴-۷۲۲ م.) از پادشاهان فرانسه که جنگ‌های زیادی انجام داد. وی امپراتوری کوتاه‌مدتی را به نام کارولنژین بنیان نهاد.

شریعتی، علی؛ دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶-۱۳۱۲) فرزند استاد ممدتقی شریعتی اهل مزینان نویسنده، متفکر و جامعه‌شناس معاصر بود که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در مشور تصویلات عالی را در فرانسه و در رشته‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی مذهبی پایان برد. سرانجام در سال ۱۳۵۶ به شهادت رسید. از جمله آثارش می‌توان به «فاطمه فاطمه است»، «کوبر»، «هبوط»، «مسئولیت شیعه بودن» و ... اشاره کرد.

شکسپیر، ویلیام (۱۶۱۶-۱۵۶۴ م.)؛ بزرگ‌ترین شاعر درام‌نویس انگلستان. وی کار خود را با بازی‌گری در گروه «بازی‌گران مخصوص ملکه» و نمایش‌نامه‌نویسی آغاز کرد و به عنوان بازیگری بزرگ شهرت یافت. وی را پدر نمایش‌نامه‌نویس انگلستان شمرده‌اند. شکسپیر موضوع بسیاری از نمایش‌نامه‌هایش را از تاریخ روم باستان گرفته و سبک او به مکتب کلاسیسم تعلق دارد.

عراقی، فخرالدین (۶۸۸-۶۱۰)؛ از عارفان و شاعران نام‌آور قرن هفتم است. در همدان متولد شد و در همان شهر به تحصیل پرداخت و در هجره سالکی به مولتان هندوستان رفت و در خدمت شیخ بهاء‌الدین زکریا به سلوک پرداخت و چند سال بعد به عربستان و آسیای صغیر رفت و در قوتیه به مجلس صدرالدین قونوی راه یافت و کتاب لمعات را در آن‌جا نوشت. وی در دمشق درگذشت.

علی پور، مصطفی؛ شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی مجموعه شعر «از کلوی کوچک رود» از آثار اوست.

عطار: شیخ فریدالدین (۶۱۸-۵۴۰) شاعر و عارف معروف ایرانی است. گفته‌اند پدر او عطار (دارو فروش) بود و فریدالدین کار او را دنبال کرد. وی پس از انقلاب باطنی، چون سرمایه‌ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد. وی آثار بسیاری به وجود آورد که «تذکره‌الاولیا»، «منطق‌الطیر» و «الهی‌نامه» و ... از آن جمله است.

عمان: دریایی است منشعب از اقیانوس هند، در جنوب پاکستان و ایران و مشرق شبه جزیره‌ی عربستان که به وسیله‌ی تنگه‌ی هرمز از فلیج فارس جدا می‌گردد.

غدير قم: آبگیری است بین مکه و مدینه و از آن جهت میان مسلمانان جایز اهمیت است که حضرت پیامبر (ص) در هنگام برگشتن از مکه‌الوداع در این ناحیه خطبه‌ای ایراد کرد و امیر مؤمنان را به جانشینی خود برگزید.

قابوس‌نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر. نام قابوس‌نامه از نام مؤلف که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی اخلاقی و تربیتی است که آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

قاپیل: پسر آدم و حواست. وی از قبول رأی پدر در باب ازدواج سرپیچید و کار به قربانی واکزار شد. اما قربانی او در درگاه خداوند پذیرفته نشد و همین امر فشم او را بیشتر نمود و هابیل را با سنگ بکشت.

قبطیان: ج قبطی، منسوب به قبط (Egypte) سکنه‌ی قریح کشور مصر.

قتیبه: ابن مسلم مروانی، وی در سال ۱۵ ه. ق. از طرف حجاج به جای یزید بن مویز مأمور حاکم خراسان شد.

قزاق: قومی از تاتار، سربازی که تمت نظر نظامیان روسی تربیت شده باشد، سرباز دوره‌ی قاجار

قزوه، علی‌رضا: شاعر و نویسنده‌ی معاصر مجموعه شعرهای «از نفلستان تا فیابان» و «شبلی در آتش» از آثار اوست.

قشقای: نامیه‌ای است در فارس شامل نقاطی که ایل قشقای در تابستان و زمستان در آنجا سکونت دارند، نام ایلی در فارس

کابل: در قدیم به فطه‌ای وسیع و مرتفع که اکنون قسمت شمالی افغانستان را تشکیل می‌دهد، می‌گفته‌اند.

کانترپوری: شهری است در جنوب فاوری انگلستان

کسرابی، سیاوش: شاعر معاصر مجموعه شعرهای: «با ماوند خاموش»، «از قرق تا فرسوفان»، «فانگی» و «آرش» از آثار اوست.

کلثوپاترا: نام هفت تن از ملکه‌های مصر که معروف‌ترین آن‌ها کلثوپاترای هفتم است. وی با زیبایی فیره‌کننده‌ی خود قیصر و آنتنیوس را شیفته سافت و پس از مرگ آنتنیوس خود را با نیش افغی کشت.

کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان‌هایی که حیوانات قهرمان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در عهد ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها نصرالله منشی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

کویر: کتابی از دکتر علی شریعتی، این کتاب شامل مجموعه مقالاتی در باره‌ی موضوعات مختلف است.

کیان: سلسله‌ای از پادشاهان ایران باستان، این سلسله بعد از شاهان پیشداری به حکومت رسیدند.

گرگانی، فخرالدین اسعد: شاعر و داستان‌سرای ایرانی (فوت پس از ۴۶۶ هـ.). منظومه‌ی «ویس و رامین» از آثار اوست.

گشتاسب: پسر لهراسب شوهریار سلسله‌ی کیان و پدر اسفندیار بود. مهم‌ترین جنگ او با ارباسب تورانی بود که به شکست ارباسب منتهی شد. وی با کتایون دختر قیصر روم ازدواج کرد. گشتاسب دین زردشتی را پذیرفت.

مرزبان‌نامه: کتابی است شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی به زبان حیوانات با مقوایی پندآمیز که مرزبان بن رستم از شاهان طبرستان تألیف کرده است. در اوایل قرن هفتم سعدالدین وراوینی آن را به زبان فارسی دری ترجمه کرد. این ترجمه دارای نثری مصنوع تشبیهات و استعارات فراوان است.

میرصادق‌العبار من المبدأ الی المعاد: این کتاب در علم تصوف، اخلاق و آداب معاش و معاد است که نیم‌الدین دایه آن را به نام علاالدین کبچاد پادشاه سلجوقی در سال ۶۲۵ تألیف کرده است. نثر کتاب گاهی ساده و مرسل و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در فلال موضوعات، احادیث و آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.

مظفرالدین شاه: پنجمین شاه قاجار و پسر ناصرالدین شاه است. وی در پنج سالگی به ولیعهدی انتصاب شد و به مدت پهل سال ولیعهد و حاکم آذربایجان بود. چند بار به اروپا سفر کرد و برای تأمین مخارج آن دو بار از روس‌ها قرض گرفت و در عوض کمرک شمال و شیلات دریای خزر را به روس‌ها واگذار کرد. وی در سال ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و در همان سال قانون اساسی را امضاء کرد و پنج روز پس از آن از دنیا رفت.

معبد پانتئون: بنای مشهوری که در وسط میدان مارس شهر رم واقع شده است. در آنجا همه‌ی رب‌النوع‌ها را عبادت می‌کردند. ویسسانوس آن را با آجر و روپوش مرمر بنا کرد.

ملاقات در شب آفتابی: یکی از رمان‌های علی مؤذنی نویسنده‌ی معاصر است.

منطق‌الطیر: منظومه‌ای عرفانی و از آثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در ۴۶۰ بیت است. در این اثر افکار عرفانی و شیوه‌ی ساکنان طریقت از زبان پرنرگان نشان داده شده است. این کتاب از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفت‌وگوی پرنرگان، حکایت‌ها و تمثیل‌های شیرین آورده است.

مولوی: مولانا جلال‌الدین مومّن بن بهاء‌الدین مومّن بن حسین الفطیپی معروف به مولوی یا ملای روم از بزرگ‌ترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم است. او در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد. وی در کودکی در نیشابور با عطار ملاقات داشت که طی آن عطار کتاب اسرارنامه‌ی خود را به مولوی اهدا کرد. آثار او عبارت‌اند از: «مثنوی»، «دیوان شمس»، «فیه‌مافیه»، «مجالس سبعه» و «مکاتیب».

نابلتون بناپارت (۱۸۲۱-۱۷۶۹): وی در فرانسه متولد شد. در سال ۱۷۸۵ به خدمت ارتش وارد شد و پس از مدتی در اثر پیروزی‌های چشم‌گیری به مقامات بالای دولتی نایل شد. در جنگ با روس‌ها به سفتی شکست خورد و عاقبت به دست انگلیسی‌ها اسیر شده و در جزیره‌ی سنت‌هلن به مرض سرطان درگذشت.

ناصرالدین شاه: پسر ممد شاه قاجار بود. در سال ۱۲۶۴ پس از مرگ پدرش در تبریز به سلطنت رسید. حدود پناه سال سلطنت کرد و در ۶۶ سالگی به دست میرزا رضا کرمانی به ضرب کلوله‌ی طپانچه به قتل رسید. در ابتدای سلطنت به یاری امیرکبیر دست به یک سلسله اصلاحات زد و چند بار به اروپا سفر کرد.

نجم‌الدین رازی: معروف به نجم دایه از عارفان مشهور دوره‌ی مغول (قرن هفتم) است. معروف‌ترین اثر او «مصابداالعباد» به نثر است. او در قوه‌ی با مولوی ملاقات داشته است. وی علاوه بر نویسندگی، شعر هم می‌سروده به خصوص به سبک سنایی که رایش فراوانی داشته است.

ناصر فسرو: حکیم ابو معین ناصر بن عارث قبادیانی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم بود. وی در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ به دنیا آمد ناصر فسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود. قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام، حکمت و ادیان مطالعات عمیقی داشت که آثار آن در اشعارش نمایان است. آثار او عبارت‌اند از: «دیوان اشعار»، «سفرنامه»، «زادالمسافرین»، «وجه دین»، «فوان افوان» و ...

نصرت‌الله منشی: نویسنده‌ی و مترجم توانای کلیله و دمنه است. وی در دوره‌ی دوم حکومت غزنویان در دربار بهرام شاه این کتاب معتبر را از عربی به پارسی سنویه و مزین ترجمه کرد.

نظامی گنجوی: نظامی از شاعران بزرگ داستان‌سرای ایران در قرن ششم است. وی بیشتر عمر خود را به عزلت و انزوا گذرانده است و به همین دلیل رفتارش با سلاطین بسیار ساده بوده و پادشاهان برای او احترام زیادی قابل بودند. آثار او عبارت‌اند از: «مقزن‌الاسرار»، «فسرو و شیرین»، «هفت پیکر» یا «بهرام‌نامه»، «اسکندرنامه». نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند. نیروی تفیّل او در وصف بسیار قوی است.

واترلو: نابلتون اول پس از عزل از امپراتوری مدتی در آلپ به حکمرانی پرداخت اما در سال ۱۸۱۵ از آلپ کریفیت و به پاریس آمد و مدت صد روز به حکومت خود ادامه داد. اما در جنگ معروف واترلو به حکومت صد روزه‌ی او فائمه داده شد. واترلو نام دهکده‌ای نزدیک بروکسل در بلژیک است.

ویس و رامین: از داستان‌های قدیم فارسی و منسوب به دوره‌ی اشکانیان است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم این داستان را به خواهش خواجه عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری ماکم اصفهان به نظم کشیده است. سبک آن ساده، روان و به دور از مغلق‌گویی است. لغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد و لغت‌های کهنه‌ی فارسی زیاد در آن دیده می‌شود.

ویکتور هوگو: مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. (۱۸۰۲ - ۱۸۵۰ م.) در ردیف بزرگ‌ترین کویندگان و ادیان اجتماعی جهان است وی مردی آزادمش و آزادی‌خواه و طرفدار جدی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقات مبروم و رنجبر بود. وی بر اثر مخالفت با ناپلئون سوم از سیاست کناره‌گیری کرد و مدت بیست سال در تبعید به سر برده است. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بینوایان»، «کلیسای تتردام پاریس»، «کارگران دریا»، «مردی که می‌شند» و ...

هرکول: محبوب‌ترین پهلوان افسانه‌های یونانی و رومی که به خاطر قدرت فوق‌العاده و شجاعتش معروف است. او پسر زئوس و آگمن بود. هرا خواهر زئوس از او نفرت داشت و به همین دلیل دو مار برای کشتنش به سر کوه‌پاره‌ی او فرستاد. اما هرکول آن دو را فقه کرد. ائوریستوس پادشاه وقت او را تطهیر کرد و به انجام دوازده کار مشکل‌و‌اداشت که به شان‌های دوازده‌گانه معروف است.

تاریخ ادبیات پیش‌دانشگاهی

نی‌نامه: هجده بیت اول مثنوی معنوی مولانا به «نی‌نامه» شهرت یافته است.

صمیمی‌سباده: مجموعه‌ای از نیایش‌های امام سجاد (ع) می‌باشد و لبریز از معارف و آموزش‌های افلاقی و اجتماعی است.

یوسفی، غلامحسین: از محققان و نویسندگان دانشگاهی در تهران و مشهور بوده است و در سال ۱۳۰۶ در مشهد متولد و در سال ۱۳۶۹ در تهران درگذشت. آثار او عبارتند از: «دیراری با اهل قلم»، «برک‌هایی در آغوش بار»، «پشمه‌ی روشن» و «تصحیح بوستان و گلستان سعری».

نمونه‌های موفق شعر غنایی

تغزل: رودکی، سعری و حافظ

عرفان: سنایی، عطار، مولوی و حافظ

مناجات‌نامه: سنایی و وحشی‌بافقی

هجو، هزل و طنز: سوزنی سمرقندی، انوری و عبید زاکانی

مرثیه: رودکی، سعری، شاقانی و مثنی‌کشانی

حبسیه: مسعود شعر سلمان، شاقانی و فرخی یزدی

شکواییه: رودکی، ناصر خسرو و پیام

ساقی‌نامه: نظامی، حافظ، رضی‌الدین آرتیمانی

مدرسه‌سرایی: عنصری، فرخی، منوچهری و انوری

منظومه‌های عاشقانه: عنصری، فخرالدین اسعدگرگانی و نظامی

ابوالحسن علی بن عثمان بلابی هجویری غزنوی؛ (فوت ۷۶۵) خالق «کشف‌المحبوب» است. این کتاب از جمله قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های فارسی در تصوف است.

منظومه‌ی خسرو شیرین: اثر نظامی‌کنوی که بارها مورد تقلید شاعرانی مانند امیر خسرو دهلوی و وحشی‌بافقی قرار گرفته است.

شاه شیخ ابواسحاق: غزل دولت یار حافظ ناظر به سرکار آمدن حکومت ناروای امیر پیر حسین در شیراز و آغاز حکومت شاه شیخ ابواسحاق است او از محبوب‌ترین و ممدوبان حافظ است وی در پایان به دست امیر مبارزالدین شکست خورد و اعلام شد.

بیدل دهلوی، عبدالقادر: نماینده‌ی تمام عیار اسلوب هندی است که این سبک به خیال‌بندی و نازک‌اندیشی و به کار بردن مضمون‌های باریع مشهور است. این شاعر قرن یازدهم و دوازدهم برای ایرانی‌ها ناشناخته مانده ولی در شبه‌قاره‌ی هند و تاجیکستان از شهرت برخوردار است.

ملکیمی، ممبررفشا: از نویسندگان معاصر است که نوشته‌های او در زمینه مسائل دینی و اعتقادی می‌باشد. مشهورترین اثر او «ادبیات و تعهد در اسلام و الهیات» است.

ایرج میرزا: متوفی به سال ۱۳۰۴ ه. ش. شاعری است که با زبانی چالاک از گفتارهای ساده‌ی روزانه مردم به شیوه‌ی هنرمندانه بهره جسته است.

طباطبایی، ممبرمسیح: این استاد و علامه در سال ۱۲۸۱ ه. ش. متولد و در آبان ۱۳۶۰ در قم رحلت نمود. تفسیر سترگ المیزان و اصول فلسفه و روش رئالیسم از آثار اوست.

امام فمینی: بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سال ۱۲۷۹ ه. ش. در خمین متولد شد و در ۱۴ فروردین ۱۳۶۸ به ملکوت اعلی پیوست. از آثار متعدد ایشان می‌توان به مهول حدیث اشاره کرد.

سعری‌نامه (بوستان): سعری آن را در سال ۶۵۵ پس از بازگشت از سفر بر وزن شاهنامه در ده باب تنظیم نمود.

تذکره اولیا: تنها اثر مشهور باقی‌مانده از عطار است که شرح حال ۷۲ تن از عارفان بزرگ است. پس از عطار ششمین ناشناسی بیست‌وپنج بخش بر آن افزوده که پرمایگی بخش اصلی را ندارد.

اعتمادی، پروین: (۱۳۲۰-۱۲۸۵ ه. ش.) مشهورترین شاعر زن ایرانی است که در دیوان او از ۲۴۸ قطعه شعر، ۶۵ شعر حالت مناظره دارد. مناظره‌ی «مست و هوشیار» از بهترین قطعات وی است.

ملک الشعرای بهار، ممبرتقی: (۱۳۳۰-۱۲۶۶ ه. ش.) شاعر، محقق، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. شهرت عمده‌ی وی برای قصایدش است و قصیده‌ی «ماوندره‌ی دوم او که در سال ۱۳۰۱ سرود از زیباترین قصاید فارسی است.

آل احمد، لال: (۱۳۴۸-۱۳۰۲ ه. ش.) داستان‌نویس معاصر است که در زمینه‌هایی چون داستان، سفرنامه، مقالات و تک‌نگاری آثاری ارزشمند از خو بر جای نهاده است. «اورازان» یکی از تک‌نگاری‌های اوست.

ممبر بن مؤثر: نواده‌ی ابوسعید ابوالفیر (عارف نامی قرن پنجم) «اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابن سعید» را در احوال جر خود در سه باب نگاشته است.

زرین‌کوب، عبدالعسین (۱۳۷۸-۱۳۰۱ ه. ش.): نویسنده، محقق و نقاد بزرگ معاصر است. زمینه‌ی اصلی تألیفات و تحقیقات او نقد ادب و شناساندن فرهنگ و تاریخ اسلامی ایران است. از آثار او می‌توان به کتاب‌های «با کاروان مله»، «شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب»، «فرار از مدرسه»، «بهر در کوزه»، «سرنی»، «بامداد اسلام»، «ارزش میراث صوفیه»، «جست‌وجو در تصوف» و «پله‌پله تا ملاقات خدا» اشاره کرد.

اسلامی نروشن، ممبرعلی: در سال ۱۳۰۴ در نروشن یزد متولد متولد شد و با دو اثر به نام‌های «کناه» و «چشمه» شناخته شد. و حاصل

سال‌ها جوان‌گردی خود را در کتاب‌های «در کشور شوراها»، «کارنامه‌ی سفر چین»، «آزادی مجسمه» و «صغیر سیمرخ» آورده است. وی فارغ‌التحصیل دکترای حقوق از دانشکده سوربن فرانسه است. کتاب «روزها» یکی از نمونه‌های برجسته‌ی مسب مال وی در زبان فارسی است.

مصائب، غلاممسین: سرپرست کردآوری «دایرةالمعارف فارسی» در سه جلد است که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد.

مستوفی، عبد...: نویسنده‌ی «شرح زندگانی من» در سال ۱۲۹۴ ه. ق. در سرپشمه‌ی تهران متولد شد. او از اولین فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی سیاسی بود که به ابتکار میرزا حسن خان مشیرالدوله تأسیس شده بود. از وی آثاری چون ترجمه‌ی «انقلاب کبیر فرانسه»، «ابطال‌الباطل»، «مماکمه‌ی انسان و حیوان» و «پهل ساعت ماکمه» بر جای مانده است.

دوده، آلفونس (۱۸۹۷-۱۸۴۰): از نویسندگان نامدار فرانسه است و صاحب آثاری چون «نامه‌های آسیاب من» و «قصه‌های دوشنبه» می‌باشد.

نوح‌البلاغه: مجموعه‌ی قطب‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) است. این کتاب به همت سید رضی (۴۰۶-۳۵۹ ه. ق.) گردآوری شد و استاد سید جعفر شهیدی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

یوهان ولفگانگ گوته: شاعر و حکیم آلمانی (۱۷۴۹-۱۸۳۲) که به ادبیات جهان فویش تأثیری ژرف داشته است. او در پزشکی و علوم طبیعی نیز مطالعاتی داشته و کتاب‌هایی مانند «تغییر حال گیاهان» و «تئوری رنگ‌ها» را نوشت.

مهم‌ترین آثار ادبی او عبارتند از: «ورتر» «فاوست»، «آکمونت»، «نغمه‌های رومی» و «دیوان شرقی - غربی». او شیفته‌ی حافظ بود. افوان ثالث، معری: (م امیر) از موفق‌ترین شاعران شعر نیمایی است. او صاحب آثاری چون «زمستان»، «آفر شاهنامه» و کتاب‌های «ارغنون»، «از این اوستا»، «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، «در حیاط کوچک پائیز در زندان»، «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» و «عطا و لقای نیما یوشیج» می‌باشد.

سپهری، سهراب: در سال ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد. و صاحب آثاری مانند: «مرک رنگ»، «زندگی خواب‌ها»، «آوار آفتاب»، «شرق انروه» و «بیم سبز» می‌باشد.

آخرین مجموعه‌ی اشعار او: «ما هیچ ما نگاه» با دیگر اشعارش در مجموعه‌ی «هشت کتاب» منتشر شد.

رحمانی، ممدرفضا (۱۳۷۰-۱۳۰۸): مشهور به مهرداد اوستا است. از آثار او می‌توان به «تیرانا» و «پالیزبان» اشاره کرد.

هراتی، سلمان (۱۳۶۵-۱۳۳۹): از شاعران توانای انقلاب است. آثار او در سه مجموعه‌ی «آسمان سبز»، «از این ستاره تا آن ستاره» و «دری به خانه فورشیر» به چاپ رسیده است.

واژه‌نامه

۲

آب بردن: رونق و آبرو، آب بردن کتابه از آبروی کسی را بر بار دارن.

آبزن: عوض کوچک، عوضیه‌ای که از چینی یا آهن و مانند آن برای شست‌وشو سازند.

آرمان: آرزو، امید

آزنگ: آرنج

آژنگ: چین و شکنی که به واسطه‌ی فشردن به پهره و ابرو و پیشانی افتد.

آوند: معلق

الف

ابلیس: شیطان، اهریمن

اتراق: (ترکی اوتراق) توقف چند روزه در سفر به جایی

ابابت: بر آوردن

اجرا: راندن، روان ساختن، جاری کردن، جیره مقرر کردن برای کسی

افتر سعر: مشتری است که «سعر اکبر» است.

ادرار: مقرری، مستمری

اُرسی: نوعی در قدیمی که عمود باز و بسته می‌شود، مجازاً به اتاقی که دارای پنین درهایی بوده، «ارسی» می‌گفته‌اند.

ارغند: فشمکین و قهرآلود (در فرهنگ‌های فارسی ارغند را دلیر و شیاع معنی کرده‌اند).

از اریای پرمین: شلوار پرمین که لباس جماعت اوباش و ولکرها بوده است.

اژدهاپیکر: در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها، همپون اژدها هول‌انگیز و ترسناک

اساطیر: جمع اسطوره، افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم

استشهادنامه: کواهی‌نامه، استشهاد: طلب شهود برای کواهی یا اثبات حق

استنگاف: سر باز زدن

اشباح: جمع شبح ← شبح: سیاهی‌ای که از دور به نظر رسد.

اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در کلام مولانا گشتن روح کمال طلب و خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی است.

اصول: علم استنباط احکام فقهی

اعصار: روزگاران، دوره‌ها

اقبال: روی آوردن، نیک‌بختی، بخت و طالع (مقابل ادبار)

اقویا: قدرت‌مندان

اکسیر: جوهری که ماهیت اجسام را تغییر دهد و کامل‌تر سازد؛ هر چیز مفید و کمیاب

انطباعات: (جمع انطباع) اداره‌ی نگارش

اورند: اورنگ، تفت، مجازاً فرّ و شکوه، شأن و شوکت

اهل صورت: متشرّعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافته‌اند.

اهورا: به لغت اوستا وجود مطلق و هستی‌بخش، اهورامزدا.

اهورایی: منسوب به اهورا

ب

باب‌الطاق: مملّه‌ای است بزرگ در بغداد

باجگاه: محلّ افز عوارض

بامداد: صبحگاه

بازارگاه: کوچه‌ای سرپوشیده که از دو سوی، داراری درّان‌ها باشد. در این‌جا مقصود اهل بازار

برایت: آغاز، ابتدا

برگ: نوعی پارچه از پشم شتر

پرو بر: پرپر = بادقّت، فیره فیره

بزه: کناه

بشاشت: تازه‌رویی، خوش‌رویی

بلاغت: پیره‌زبانی، زبان‌آوری، بلیغ شدن

بنگ: ماده‌ای مفرّکه از شاه‌دانه به دست می‌آید.

بورش‌رن: شرمندۀ شدن، فطلت زده شدن

به گمان بودن: تردید داشتن

بول: بگذار، رها کن

بی‌روزی: بی‌نوا و درویش

بیگانه: دیر

پ

پاژه: پاشویه

پای‌مردی: فواہشگری، میانہ‌گیری، شفاعت

پای‌مردان دیو: دست‌یاران حکومت، توبیہ‌کنندگان حکومت بیداد

پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتّب

پس‌انگند: پس‌انگندۀ، پس‌افخت، میراث

پشت‌پای: روی پای، سینه‌ی پای

پپیدگی [در چشم]: مراد اصولی و کج‌بینی است. کاژ

ت

تازی: عربی، (در این‌جا مقصود اسب عربی است)

تَبْتَلُّ: از جهان بریدن، از مردم بریدن

تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت

تراویدن: پکیدن، تراوش کردن آب و شراب و امثال آن

ترنج: بالنگ، از مرکبات

تریاق: پادزهر، ضدزهر

تربیر= تربیت: ریزه کردن نان در دوغ و آب‌گوش و امثال آن

تعریفش: به کنایه سفن گفتن

تعلیمی: عصای سبکی که به دست گیرند.

تفقّر: دل پویی

تنزیل: فرو فرستادن، نازل کردن (مقصود قرآن کریم است)

تنعم: تن آسایی، فرو رفتن در ناز و نعمت

توغال: تفته‌های نازک و باریک که به سقف اتاق می‌کوبند و روی آن کاه‌کل یا کچ می‌کشند.

توسنی: سرکشی، عصبان (صفت اسب)

توفّیر: شب‌بیداری، شب زنده‌داری

تیز تیز: با ششم

ج

جاذبه: جذب‌کننده، رباینده

جرل: علم یا فنّ منظره و استدلال

جرگه: گروه، زمره

جلودار: نوکری که عنان اسب را می‌گیرد و پیشاپیش پیاده می‌رود.

جولان: گردیدن، دور زدن

جلی: آشکارا، روشن

چ

چاروادار: چهاروادار، چهارپادار، کسی که حیوانات بارکش را می‌راند یا با آن‌ها باربری می‌کند.

چغز: قورباغه

چوک: مرغی است مانند چغز که خود را از درخت آویزان سازد و فریاد کند؛ شب‌بویز، مرغ حق

چینه: دیوار کلی

ح

حادی: حری خوان، سرودخوان

حباب: پرده و در اصطلاح عرفا، موانعی را گویند که میان عاشق و معشوق باشد و هر چیز که مطلوب را بپوشاند.

هر: میازات شرعی

فُری: سرود و آوازی که ساربان عرب خوانند تا شتران تیزتر روند

هشیش: سرشافه‌های گل‌دار گیاه شاه‌دانه که آن‌ها را خشک می‌کنند و پس از آماده‌سازی، می‌پزند یا دود می‌کنند.

هصین: مکلم

هضیفن: نشیب، بستی، (مقابل اوج)

هی: قبیله

خ

خاقاه: مملی که درویشان و مرشدان در آن سکونت می‌کردند و رسوم و آداب تصوف را اجرا می‌نمودند.

خرقه: در لغت به معنی جامه‌ی ضعیف و پندرتکه که اهل تصوف می‌پوشیدند.

خضاب: آن‌چه سروصورت یا پوست را بران رنگ‌کنند؛ مانند وسمه، عناب، لکونه

خوامن: زنبیل‌باف و فوص به معنی لیف فرماست که از آن سبد می‌بافتند.

خوالیگر: آشپز، طبخ

>

دار ضیف: معمان‌سرا، معمان‌خانه

داروغه: نگهبان

داشتن: حفاظت کردن، پاییدن، حرمت کردن، نواختن

دافعه: دفع‌کننده، قوه‌ای که نیروی دیگری را دفع کند، مقابل‌بازیه

دافمه: سردابه‌ای که مردگان را در آن نهند؛ کورستان زردشتیان

دُرّاعه: جامه‌ی دراز که مرد و زن از رو بپوشند؛ جبه

در جوشیدن: آشوب کردن

درزه: بسته

درفش کاویان [افتر کاویان]: درفش مملی ایران در عهد ساسانی

دروغ: صورتی نادر از کلمه‌ی دوزخ

د ریوزگی: بی نوایی، کدایی

د ژم: فشمکین

د سگناه: قدرت، ثروت، شوکت، دولت

د ستور: ایازه، راهنما، وزیر

د شت: دست لاف، پیش مزد، فروش اول هر کاسب

د وگلان: دودو، دوتا دوتا

د ولاب: نوعی پرخ آب کشی

د هشت: سرکشگی، عبرت، تعیب، اضطراب، ترس

دیره ور: بینا

دیشلمه: پایي که شکر یا قند در آن حل نکرده باشند بلکه قند را در دهن گذارند و پای را به شیرینی آن فورند؛ قند پهلو

,

رأی زدن: مشورت کردن

رایت: علم، بیدق

ریم: سنگ زدن

رقام: نوعی سنگ مرمر با رگه‌هایی به رنگ قهوه‌ای و زرد و سبز

رسومات: تشریفات

رعب: ترسیدن، فرغ کردن، ترس، بیم

رند: در اصل به معنی مردمان بی سروپاست ولی در شعر حافظ، انسان کامل یا ولی خداست.

روستاق: معرب روستا

ریاضت: تممّل رنج و تعب برای تهذیب نفس

رؤیت: دیدن

ز

زاویه: کنج، گوشه، اتاقي در فائقه و مانند آن که به فلوت و ریاضت سالکان و فقرا اختصاص دارد.

زفم در رای: ضربه پتک، درای در اصل زنگ کاروان است.

زغن: کلاغ

زلزل: جمع زلزله

زندریق: مله، دهری، بی‌دین

زی: لباس و پوشش خاص هر صنف

س

سبجیت: در ندکی

سپردن: پای مال کردن و زیر پا گذاشتن

ستردن: پاک کردن

ستیونگی: ستیز ندکی، لجاجت

سبستانی: سیستانی، اهل سیستان

سُفره: تمسفر، ریشفر

سر کردن: آغاز کردن

سرگرائی: فودپرستی و غرور

سقله: پست، فرومایه

سَلْمنا: پذیرفتن (در اصطلاح)

سمندر: اسب زرد رنگ

سِن: صفتی نمایش

سو: دید، توان بینایی

سواد: آباری، (در متن ناصر فسرو)

سورْت: تدری، تیزی؛ شدت اثر

سیاه چادر: فیله‌های سیاه‌رنگ که کولیان و صمرا نشینان در دشت و صمرا برای سکونت برپا کنند؛ سیاه‌خانه

ش

شادباش: شادباش، طلا یا پولی که بر سر عروس با داماد ریزند.

شاطر: چالاک، چابک

شامورتی: اصطلاح فقه‌بازی؛ فقهی مخصوصی که فقه‌بازان با آن عملیات ممیزالعقول انجام دهند.

شبتاب: گرم شب‌تاب؛ آن‌چه در شب بدرفشد

شرهه شرهه: پاره‌پاره (شرهه: پاره‌ی گوشتی که از درازا بریده باشند)

شرنگ: زهر، سم، هر چیز تلخ

شکر فنده: فنده‌ی شیرین، فنده‌ی دل‌نواز

شلیطه: شلیطه؛ نوعی دامن‌کشاد و پرپین و کوتاه که در قدیم زنان روی شلوار می‌پوشیدند.

شمار گرفتار: حساب پس‌دادن

شوخی پیشم: کستاخ

شیر سپهر: آفتاب (به اعتبار آن که برج اسرافانه‌ی اوست)

شیر شرزه: شیر فشمگین

ص

صمبیت: مصاصبت، هم‌نشینی

صعوه: پرنده‌ای کوچک به اندازه‌ی گنجشک

صغدر: کسی که صف لشکر را می‌درد، دلیر

صورت بستن: تصوّر کردن

ض

ضمدار کردن: بستن چیزی بر زخم، مرهم نهادن

ضیاع: جمع ضیعه، زمین و آب و درخت

ضیف: مومنان

ط

طرد: راندن

طفیل: کسی که نافوانده به مهمانی رود؛ انکل، به صورت انکل

ع

عبّات: مشاهد و آرامگاه‌های متبرکه مانند آرامگاه حضرت علی (ع) و حضرت امام حسین (ع) و دیگر مزارهای امامان
عزّاده: وسیله‌ای کوچک‌تر از منبتی که در جنگ‌های قدیم برای پرتاب کردن سنگ به کار برده می‌شد؛ به واحد شمارش توپ نیز گفته
می‌شود.

عرايض: جمع عریضه، نامه‌ی شکایت

عشر: نوعی مالیات، معادل $\frac{1}{10}$

عنایت: توبّه

عوایر: جمع عایده، درآمدها، فواید، منافع

عیار: ابزار سنجش، سنگ مملک

عیوق: ستاره‌ای است سرخ‌رنگ و روشن در کنار راست کهکشان که پس از تقریباً طلوع می‌کند و پیش از آن غروب می‌کند. مظهر دوری و
روشنایی و بلندی است.

غ

غالبه: از عطریات و مرکّب از مواد فوش‌بو از قبیل مُشک، عنبر، کافور ... با رنگ سیاه

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

غرایب: جمع غریبه، نادر، نو

غریو: بانگ و فریاد، هیاهو

غو: دارو فریاد، فروش

غیرت: حمیت، ناموس‌پرستی؛ حمیت ممبر است بر طلب قطع تعلق نظر محبوب از غیر یا تعلق غیر از محبوب.

ف

فاق: پاک زدن، شکاف نوک قلم

فاضل: فاضلاب، آب زایر، باقی‌مانده‌ی آب

فال: شکون به زبان یا دل نیک آوردن، پیش‌بینی فوش‌بینانه (مشهورترین نوع فال زدن با دیوان حافظ صورت می‌گرفته است).

فتوح: حاصل شدن چیزی از آنچه توقع نباشد؛ کشایشی که در مال و باطن سالک ایبار شود؛ مال و نعمتی که درویش یا پیر می‌باشند چون
نذر و مانند آن.

فخته: آشوب، غوغا (در متن به معنی اختلاف در آرا و عقاید)

فختیان: جوان مردان

فخر: [فخره: فخره] فروغی ایزدی است که به دل هر که بتابد، از همگنان برتری می‌یابد و از پرتو همین فروغ است که شهنش به پادشاهی

می‌رسد و در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌شود.

فخر است: دریافتن باطن پیروی به وسیله‌ی نگریستن به ظاهر آن، ادراک، زیرکی

فخر اغت: استراحت و آرامش

فخر ۴: فریم (Frame)، قاب عینک

فخر ده: یخ زده، منجمد

فصاحت: درستی و شیوایی؛ سفن روان که با استفاده از لغات و ترکیبات فوش آهنگ و رایج و ترکیب بندی درست عبارات و جملات

مطابق قواعد زبان صورت می‌گیرد.

فقه: علم فروع عملی احکام شرع

فَلَقَ: سپیده دم

فخر = بند: مکر و هیله، پرفخر: پرمیله، هیله‌گر

ق

قاصدک: کل قاصد، گیاهی است علفی و پایا از تیره‌ی مرکبانی. این گیاه به‌طور خودرو می‌روید.

قُبَّه: بنای کنبری شکل

قتیل: برشی موارد در زبان عربی فعیل به معنای مفعول است؛ از جمله این‌ها که به معنای مقتول و کشته شده می‌باشد.

قَدَّارَه: قمره؛ نوعی از شمشیر

قَدَّارَه بند: کسی که از قَدَّارَه استفاده می‌کند.

قَدو ۳: باز آمدن، وارد شدن

قَصَّه: ماجرا، موقوف

قصور: نقص و کاستی، عیب

قلا کردن: کلک زدن، شیطنت کردن

قلماسنگ: قلاسنگ، فلاخن؛ آلتی که با آن سنگ اندازند.

قُمری: پرندۀ ای از راسته‌ی کبوتران، یاکریم

قو: چوب‌پنبه‌ای مانند که در آتش روشن کردن یا پشمای استفاده می‌شد.

قهر: غلبه

قوال: در این‌جا مقصود بازیگر نمایش‌های دوره‌گردی است. (رک. هفت صندوقی)

ک

کار از دست شدن: کار از کار گذشتن

کافور: ماده‌ی معطر جامدی که از گیاهی چون ریحان و بابونه و چند نوع درخت به دست می‌آید.

کتیرا: صمغی است که از برشی گونه‌های کون به دست می‌آید.

کرامت: در اصل بزرگواری‌ها و در اصطلاح صوفیه امور فارق‌العاده است که به سبب عنایت خداوندی از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود؛ چون اخبار غیبی و اشراف بر ضمایر.

کران: حد، انتها

کشیک پی‌باشی: (باشی پسوند ترکی به معنی رئیس است) رئیس پاسبانان و قراولان

کما (کمای): گیاهی است از تیره‌ی پتریان که با آن نوعی آتش درست می‌کنند.

کنده: کودال، ممل‌کنده‌شده که معرب آن فندق است.

کولی: (کاولی، کابلی) طایفه‌ای از مردم بیابان‌گرد که در اقطار عالم پراکنده‌اند و عادات و رسوم و زبان خاص خود را دارند.

کهریز: کایز، قنات، مه‌رای آب زیرزمینی

کهل: کسی که سنش بین سی تا پنجاه سال باشد.

گ

گراور: تصویری که بر روی صفحه‌های فلزی حکاکی شود و در چاپ به‌کار رود.

گنز: نام درختی است که در مناطق گرم می‌روید.

گنج فریدون: نام نوایی در موسیقی و هم‌گنجی منسوب به فریدون

گون: گیاهی است که از صمغ آن کتیرا به دست می‌آید.

ل

لباس راسته: لباس دراز بی‌پین

لبام: کلام، دهانه، افسار

لنگ و لوک: آن که پا و دستش معیوب باشد؛ مجازاً ضعیف و ناتوان.

لهب: شعله‌ی آتش، زبانه‌ی آتش

۴

ماضی: آنچه حاضر بود؛ فوراً؛ حاضر؛ حاضر؛ حاضر

متصوِّفه: صوفیان

میاور بودن: اعتکاف و گوشه‌نشینی اختیار کردن

میزوب: جذب‌شده، کسی است که فدای تعالی او را برای خود برگزیده و پاک گردانیده باشد.

مجلس گفتن: سخن‌رانی و وعظ در مسجد و خانقاه

ممتسب: مأموری که کار وی نظارت بر اجرای اتمام دین بود.

معضر: استشهاده؛ متنی که ضحاک برای تبرئه‌ی خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.

مرفَّح: جامه‌ای که از چند تکه دوخته شده باشد. خرقه و پشمینه‌ی صوفیان از این نوع بوده است.

مژگنی: پاک‌کننده؛ آن که شاهدان عادل را به پاک‌ی و پارسایی توصیف کند.

مساعی: (جمع مسعی)، سعی‌ها، کوشش‌ها

مسلسل: در زنجیر شده

ممشیک: دارای شبکه، سوراخ سوراخ

مَشْرَعه: جای نوشیدن آب

معتکف: عزلت‌نشین، گوشه‌نشین

مصاییح: جمع مصباح چراغ

مُعَمَّر: سال‌فورده

مغلول: بسته‌شده

مقاتلات: (جمع البمع مقتل)، جنگ‌های

مقامت

مقر: اقرارکننده، تأییدکننده

مقری: خواننده؛ کسی که قرآن را با لحن و صوت بخواند.

مقهور: مغلوب، شکست‌خورده

ملاهی: جمع ملهی آلات لهو

ملکت: کشور، مملکت پادشاهی، سلطنت

منتشا: مأفوذ از نام شهر «منتشا»، عصایی مخصوص از چوب ستبر و کره‌دار که درویشان و قلندران با خود دارند.

منش: طبیعت، شو، فصاحت

مواخقت: همراهی

مویژ: سفن کوتاه و رسا

مورب: کج

موزن: وزن ساز، شعرپرداز

مویور: دور افتاده

مهمل: بیهوده، پوچ

معین: بزرگ‌ترین، بزرگ

ن

نارنگ: مطلق مرکبات و میوه‌های آن‌ها، نارنج

ناورد: نبرد، جنگ، مبارزه

ناوک: نوعی تیر کوچک که آن را در غلاف آهنین گزارند و از کمان سر دهد تا دورتر رود.

نایژه: لوله

نمس: نامبارک، بدراقت

نفل: زنبور عسل

نفل: اصطلاحاً تابوت‌مانندی است که آن را با انواع شال‌ها و آینه‌ها می‌آرایند و مردم آن را در ایام محرم به عنوان نماز تابوت امام

عسین (ع) به حرکت درمی‌آورند و چون آن را می‌آرایند به نفل موسوم گشته است. چنان‌که نفل و نفل‌بندی به معنی آرایش و

آرایشگری است.

نفوت: تکبر، خودپرستی

نزور: جمع نذر

نزهنگه: تفرجگاه

نشئت: حالت سرفروشی و مستی

نظر: (اصطلاحی عرفانی)، مرد و عنایت‌الهی، بصیرت باطن، فراست

نعت: صفت، فصاحت (بیش‌تر در مورد رسول خدا (ص)) استعمال می‌شود.

نغمه: مفرد نغمات، بوی خوش

تغییر: فریاد و زاری به آواز بلند

نماز بردن: تعظیم و نیایش کردن

نیلوفر: نیلوفر، گیاهی است پهنبره با گل‌هایی شیپورمانند.

و

واضع: وضع‌کننده، سازنده

وید: واردی است که از حق تعالی بر دل تغییر دهد و حالاتی مانند عزن یا شادی همراه آورد.

وَرَنایان: صورت قدیم برنایان

وقت: واردی است که از خداوند بر دل ساک که او را از گذشته و آینده، غافل می‌گرداند.

ه

هتاک: پرده‌داری، آبروریزی

هرا: آواز مهیب

هَریوه: صفت نسبی منسوب به هرات؛ اهل هرات

هزار: بلبل یا پرنده‌ای از خانواده‌ی بلبل (هزارستان)

هفت صندوقی [دسته‌ی هفت صندوقی]: گروه‌های نمایشی دوره‌گردی بوده‌اند که با اجرای نمایش‌های روی عوَضی، اسباب سرگرمی و

فنده‌ی مردم را فراهم می‌کردند. این گروه‌ها وسایل و ابزار خود را در صندوق‌هایی می‌نهادند. پرجاذبه‌ترین و کامل‌ترین گروه آن‌هایی

بودند که هفت صندوق داشته‌اند. به هر یک از بازیگران گروه نیز «قوال» یا «قوالک» می‌گفته‌اند.

هَمّت: در اصطلاح صوفیه توجّه طالب است با تمام قوای روحانی خود به جانب حقّ برای حصول کمال برای خود یا دیگری.

هول: ترس، ترسناک

هَیون: اسب و شتر بزرگ

ی

یکایک: ناکهان



موسسه ایران دانش نوین

رویای خودت شو...



@IranDaneshNovin



@Iran_Danesh_Novin

برای دانلود بقیه ی جزوات با کلیک روی لینک های زیر به سایت
یا کانال های ما در تلگرام و سروش سر بزنید:

www.IDNovin.com

<https://telegram.me/irandaneshnovin>

http://sapp.ir/iran_danesh_novin